

ویتامین گرامر

نکات کاربردی گرامر به زبان ساده و خودمونی
جلد دوم

مؤلف:

سهیل سماواتی یار (سام)

انتشارات جنگل

سرشناسه	: سماواتی یار، سهیل، ۱۳۶۹-
عنوان و نام پدیدآور	: ویتامین گرامر/ مولف سهیل سماواتی یار (سام).
مشخصات نشر	: تهران : جنگل: جاودانه، ۱۳۹۷ -
مشخصات ظاهری	: ج: ۱۴ × ۲۱ س.م.
شابک	: ۱. : ۹-۹۶۰-۳۱۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۲۲-۲۳۸-۲۳۱-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فاپا
یادداشت	: جلد اول این کتاب در سال ۱۳۹۸ تجدید چاپ شده است.
یادداشت	: ج. ۲ چاپ اول: ۱۳۹۹ (فیپا).
یادداشت	: عنوان روی جلد: ویتامین گرامر: یادگیری نکات کاربردی گرامر به زبان ساده و خودمونی.
عنوان روی جلد	: ویتامین گرامر: یادگیری نکات کاربردی گرامر به زبان ساده و خودمونی.
موضوع	: زبان انگلیسی -- دستور -- راهنمای آموزشی (متوسطه)
موضوع	: English language -- Grammar -- Study and teaching (Secondary)
موضوع	: زبان انگلیسی -- دستور -- آزمون ها و تمرین ها (متوسطه)
موضوع	: English language -- Grammar -- Examinations, questions, etc. (Secondary)
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ و ۸۹/س/PE۱۱۳۰
رده بندی دیویی	: ۴۲۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۵۱۱۰۷۶
وضعیت رکورد	: فاپا



عنوان کتاب: ویتامین گرامر (جلد دوم)

مؤلف: سهیل سماواتی یار (سام)

ویراستار: افسانه یوسفی

ناشر: انتشارات جنگل

ناظر فنی: رضا خسروان

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۹

قطع و تیراژ: رقعی - ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۴۵,۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۳۸-۲۳۱-۵

واحد تولید: ۶۶۴۹۵۲۷۵ و ۶۶۴۸۲۸۳۰-۰۲۱

دفتر فروش تهران: ۰۲۱-۵۴۱۱۳ - ۰۲۱-۶۶۴۰۴۰۲۲

دفتر فروش اصفهان: ۰۳۱-۳۳۲۰۵۰۵ دفتر فروش رشت: ۰۱۳-۳۳۲۶۵۱۱۳

www.jangal.com

کلیه حقوق این اثر برای مؤلف محفوظ است.

تقدیم بہ ہمراہ ہمیشگی را، ہم عزیزم،
جو دنا زینہ و بارزش را
دلیل تمام تلاش ہا منہ است۔

فهرست نکات

نکته	عنوان نکته	صفحه
۱	الگوهای مهم با difficulty	۱
۲	یه نکته‌ی مهم در مورد very و absolutely	۲
۳	چجوری بگیریم انجام فلان کار فایده‌ای نداره؟	۲
۴	چجوری بگیریم یه کاری ارزش انجام دادن داره؟	۳
۵	چجوری از had better در حالت منفی استفاده کنیم؟	۴
۶	تفاوت the other one و another one	۵
۷	یه نکته‌ی فوق العاده مهم در مورد زمان آینده	۵
۸	یه نکته‌ی مهم و کاربردی در مورد good و bad	۶
۹	بگیریم in the beginning یا at the beginning؟	۷
۱۰	حالت های رایج استفاده از familiar	۸
۱۱	دو الگوی مهم با remind و remember	۹
۱۲	تفاوت fall down و fall off	۱۰
۱۳	سه نکته‌ی فوق العاده مهم در مورد every	۱۱
۱۴	یه نکته در مورد How long	۱۱
۱۵	یه نکته‌ی کاربردی در مورد all	۱۲
۱۶	تفاوت everybody/everyone و all	۱۳
۱۷	یه نکته‌ی فوق العاده قشنگ در مورد کاربرد قیود زمان	۱۴
۱۸	چجوری بگیریم، مجبورم نکن فلان کار رو انجام بدم؟	۱۵

نکته	عنوان نکته	صفحه
۱۹	کاربرد as you know	۱۵
۲۰	یه الگوی کاربردی با I never knew	۱۶
۲۱	یه نکته در مورد spend و pass the time	۱۶
۲۲	تفاوت yet و already و still	۱۷
۲۳	کاربرد remember to do و remember doing	۱۸
۲۴	تفاوت be going to و زمان حال استمراری	۱۹
۲۵	نکات کاربردی در مورد actually	۱۹
۲۶	یه الگوی جالب با going to و have to	۲۱
۲۷	الگوی کاربردی با let	۲۲
۲۸	تفاوت people و peoples ، person و persons	۲۳
۲۹	یه نکته در مورد make	۲۴
۳۰	کاربرد in case	۲۵
۳۱	کاربرد ain't زحمت کش	۲۶
۳۲	یه نکته در مورد It's as well	۲۷
۳۳	تفاوت see و watch	۲۸
۳۴	یه ریزنکته که اشتباه رایج خیلیاست	۲۹
۳۵	چجوری علت انجام یه کاری رو بگیریم؟	۲۹
۳۶	تفاوت good at و good in	۳۰
۳۷	تفاوت good و well	۳۱
۳۸	یه نکته‌ی مهم در مورد افعال حسی	۳۱
۳۹	چجوری بیرسیم فایده‌ی فلان کار چیه؟	۳۳
۴۰	یه کاربرد باحال با get	۳۴
۴۱	کاربرد کلمات پرسشی به همراه ever	۳۵
۴۲	تفاوت arrive at و arrive in	۳۶
۴۳	کاربرد go on to do و go on doing	۳۶
۴۴	چجوری بیرسیم، فکر میکنی بتونم فلان کار رو انجام بدم؟	۳۷
۴۵	یه ساختار خوشگل برای درخواست کردن	۳۸

نکته	عنوان نکته	صفحه
۴۶	میتونیم بعد از am/is/are از مصدر استفاده کنیم؟	۳۸
۴۷	تفاوت lend و borrow	۳۹
۴۸	نکات کاربردی در مورد as well as	۳۹
۴۹	یه نکته در مورد فعل hear	۴۱
۵۰	سؤالات مستقیم direct questions	۴۲
۵۱	چجوری بگیم میخواستیم فلان کار رو انجام بدم؟	۴۳
۵۲	چجوری بگیم وسط انجام کاری هستم؟	۴۳
۵۳	فعل die و حروف اضافه ش	۴۴
۵۴	تفاوت Is that و Does that	۴۵
۵۵	تفاوت Are you و Do you	۴۵
۵۶	چجوری بگیم احتمالش زیاده که فلان اتفاق بیوفته؟	۴۶
۵۷	یه نکته‌ی خیلی مهم در مورد after به همراه فعل ing دار	۴۷
۵۸	چجوری بگیم که بدون کمک کسی کاری رو انجام دادیم؟	۴۸
۵۹	کاربرد I won't have	۴۹
۶۰	دو نکته در مورد موی سر	۵۰
۶۱	تفاوت maybe و may be	۵۱
۶۲	چجوری بگیم، از یه چیزی حالمون به هم میخوره؟	۵۱
۶۳	چجوری بگیم من کل روز رو به انجام فلان کار گذروندم؟	۵۲
۶۴	یه نکته در مورد suit و match	۵۳
۶۵	سه نکته‌ی مهم در مورد do و does و did	۵۴
۶۶	یه نکته‌ی مهم در مورد pay	۵۵
۶۷	یه نکته در مورد nobody و nothing و never	۵۶
۶۸	تفاوت was able to و could	۵۷
۶۹	تفاوت remind of و remind about	۵۸
۷۰	چجوری بگیم فقطط از این طریق بود که تونستم فلان کارو انجام بدم؟	۵۹
۷۱	دو تا از کاربردهای once	۶۰

نکته	عنوان نکته	صفحه
۷۲	چجوری با شدت و تأکید بگیم عمرأا فلانی فلان کارو انجام بده؟	۶۱
۷۳	یه نکته‌ی مهم در مورد suggest	۶۱
۷۴	تفاوت suggest و offer	۶۲
۷۵	یه نکته‌ی کاربردی در مورد search	۶۳
۷۶	چجوری بگیم هرگز نباید فلان کار رو انجام میدادم؟	۶۴
۷۷	یکی از کاربردهای yet	۶۵
۷۸	چجوری بگیم، دیگه نمیتونم فلان چیز یا کس رو تحمل کنم؟	۶۶
۷۹	یه نکته‌ی مهم در مورد every و each	۶۶
۸۰	یه الگوی کاربردی با wish و would	۶۸
۸۱	تفاوت until و as far as	۶۸
۸۲	تفاوت oldest و eldest	۶۹
۸۳	یه نکته در مورد unless	۷۰
۸۴	چجوری با تعجب یا عصبانیت سؤال بپرسیم؟	۷۱
۸۵	ترتیب قیود مکان و زمان	۷۱
۸۶	تفاوت few و a few و the few	۷۲
۸۷	یه نکته در مورد some	۷۳
۸۸	چجوری بگیم، جبران میکنم؟	۷۴
۸۹	تفاوت any و no	۷۵
۹۰	یه نکته در مورد جملات امری	۷۵
۹۱	چجوری جمله‌ی امری رو منفی کنیم؟	۷۶
۹۲	کاربرد It's time	۷۷
۹۳	کاربرد would rather (قسمت اول)	۷۸
۹۴	کاربرد would rather (قسمت دوم)	۷۹
۹۵	یه الگوی خوشگل و کاربردی	۸۰
۹۶	یه نکته در مورد S مالکیت	۸۱
۹۷	کاربرد may as well	۸۱

نکته	عنوان نکته	صفحه
۹۸	یه نکته‌ی طلایی در مورد go on	۸۲
۹۹	تفاوت take a long time و take long	۸۳
۱۰۰	یه نکته‌ی مهم در مورد زمان	۸۶
۱۰۱	چجوری قول بدیم؟	۸۶
۱۰۲	چجوری بگیم، همیشه دلم میخواست فلان کار رو انجام بدم؟	۸۷
۱۰۳	دو الگوی کاربردی	۸۸
۱۰۴	تفاوت been in و been to و gone to	۸۸
۱۰۵	تفاوت made from و made of	۸۹
۱۰۶	دو الگوی مهم با have	۹۰
۱۰۷	یه الگوی شدت کاربردی با have	۹۱
۱۰۸	تفاوت a number of و the number of و amount of	۹۲
۱۰۹	کاربرد turn back و go back و come back	۹۴
۱۱۰	کاربرد don't mind و doesn't matter	۹۵
۱۱۱	تفاوت what و which	۹۶
۱۱۲	یه نکته در مورد Double Negatives	۹۶
۱۱۳	کاربرد if not و if so	۹۸
۱۱۴	یه نکته در مورد too	۹۸
۱۱۵	تفاوت if و whether	۹۹
۱۱۶	کاربرد if ... then	۱۰۱
۱۱۷	یه نکته در مورد even if و if	۱۰۱
۱۱۸	تفاوت too و enough ... not	۱۰۲
۱۱۹	یه نکته در مورد quite/ pretty/ rather/ fairly	۱۰۲
۱۲۰	کاربرد why به همراه مصدر	۱۰۳
۱۲۱	کاربرد why not به همراه مصدر	۱۰۴
۱۲۲	تفاوت while و during	۱۰۴
۱۲۳	یه نکته در مورد further	۱۰۵
۱۲۴	چجوری به صفات مقایسه ای حس و حال بیشتری بدیم؟	۱۰۶

نکته	عنوان نکته	صفحه
۱۲۵	ترکیب بی نظیر any و صفات مقایسه ای	۱۰۶
۱۲۶	تکرار به صفت مقایسه ای پشت سر هم	۱۰۷
۱۲۷	تفاوت into و in ، onto و on	۱۰۸
۱۲۸	یه نکته‌ی ریزرز در مورد little	۱۰۹
۱۲۹	یه الگوی خوشگل و کاربردی	۱۰۹
۱۳۰	تفاوت without و except	۱۱۰
۱۳۱	یه نکته‌ی مهم در مورد every	۱۱۰
۱۳۲	تفاوت when و if	۱۱۱
۱۳۳	چجوری بگم توی فلان چیز بد نیستم؟	۱۱۲
۱۳۴	تفاوت ones و one	۱۱۳
۱۳۵	تفاوت especially و specially	۱۱۴
۱۳۶	یه نکته‌ی کاربردی در مورد ask	۱۱۵
۱۳۷	کاربرد just now	۱۱۵
۱۳۸	فرق last week و the last week	۱۱۶
۱۳۹	یه نکته در مورد I wonder	۱۱۷
۱۴۰	کاربرد hope برای گذشته	۱۱۸
۱۴۱	تفاوت I was و I were	۱۱۹
۱۴۲	یه نکته‌ی عجیب در مورد جملات شرطی	۱۲۰
۱۴۳	یه نکته‌ی مهم در مورد important	۱۲۱
۱۴۴	یه نکته‌ی مهم در مورد much و very	۱۲۱
۱۴۵	اشاره های کلی و اشاره های خاص	۱۲۳
۱۴۶	بعد از any از چه نوع اسمی استفاده کنم؟	۱۲۴
۱۴۷	تفاوت except و accept	۱۲۴
۱۴۸	دو نکته در مورد ago	۱۲۵
۱۴۹	دو نکته در مورد here و there	۱۲۶
۱۵۰	تفاوت ask و ask for	۱۲۷
۱۵۱	یه نکته در مورد far	۱۲۸

نکته	عنوان نکته	صفحه
۱۵۲	کاربرد need به همراه فعل ing دار	۱۲۸
۱۵۳	یه نکته‌ی خیلی مهم در مورد very much	۱۲۹
۱۵۴	سه نکته در مورد as if	۱۲۹
۱۵۵	ساختار کاربردی could have	۱۳۰
۱۵۶	تفاوت until now و so far	۱۳۱
۱۵۷	ترتیب قیود زمان چجوریه؟	۱۳۲
۱۵۸	دو نکته در مورد if only	۱۳۳
۱۵۹	تفاوت so و because	۱۳۳
۱۶۰	تفاوت each other و one another	۱۳۴
۱۶۱	کاربرد already	۱۳۵
۱۶۲	already کجای جمله میاد؟	۱۳۶
۱۶۳	کاربردهای very much	۱۳۷
۱۶۴	تفاوت maybe و perhaps	۱۳۷
۱۶۵	کاربرد should not	۱۳۸
۱۶۶	تفاوت watch a movie و see a movie	۱۳۹
۱۶۷	کاربرد at the same time	۱۴۰
۱۶۸	تفاوت next و the next	۱۴۱
۱۶۹	یه کاربرد a lot	۱۴۱
۱۷۰	یه کاربرد رایج just	۱۴۲
۱۷۱	کاربرد I'm afraid	۱۴۳
۱۷۲	کاربرد be looking to do something	۱۴۴
۱۷۳	کاربرد It's been	۱۴۵
۱۷۴	تفاوت want to و going to	۱۴۶
۱۷۵	یه الگوی خوشگل با ever	۱۴۷
۱۷۶	کاربرد anymore	۱۴۸
۱۷۷	یکی از کاربردهای keep	۱۴۸
۱۷۸	تفاوت besides و beside	۱۵۰

نکته	عنوان نکته	صفحه
۱۷۹	تفاوت in time و on time	۱۵۱
۱۸۰	چند نکته در مورد almost	۱۵۲
۱۸۱	کاربرد just the same	۱۵۲
۱۸۲	یکی از کاربردهای get	۱۵۳
۱۸۳	سه نکته در مورد only	۱۵۴
۱۸۴	چند نکته در مورد still	۱۵۵
۱۸۵	کاربردهای can't say	۱۵۶
۱۸۶	تفاوت think about و think of	۱۵۷
۱۸۷	کاربرد I can't stand	۱۵۸
۱۸۸	یه نکته در مورد whose	۱۵۸
۱۸۹	یه نکته در مورد lately	۱۵۹
۱۹۰	یه الگوی کاربردی با How long	۱۶۰
۱۹۱	تفاوت pretty و very	۱۶۱
۱۹۲	یه نکته در مورد more and more	۱۶۲
۱۹۳	یه نکته در مورد awhile و a while	۱۶۳
۱۹۴	تفاوت Why و How come	۱۶۵
۱۹۵	یه نکته در مورد make	۱۶۶
۱۹۶	یه نکته‌ی کاربردی با need	۱۶۷
۱۹۷	یه نکته‌ی مهم در مورد home	۱۶۸
۱۹۸	یه نکته در مورد افعال love و like و hate	۱۶۹
۱۹۹	تفاوت I like doing و I like to do	۱۷۰
۲۰۰	یه ساختار کاربردی با will	۱۷۰



سلام رفقای من!

امیدوارم حالتون عالی، عالی باشه.

بعد از استقبال بی‌نظیر شما از جلد اول، با انرژی فوق‌العاده‌ای که به من دادید، تصمیم گرفتم در اولین فرصت جلد دوم رو هم آماده و تقدیم شما کنم. البته آماده کردن نکات جلد دوم کمی طول کشید چون وقت بیشتری رو برای نوشتن این نکات گذاشتم تا در نهایت کتابی که تقدیمتون میشه بتونه حسابی در زمینه‌ی تقویت گرامرتون مفید باشه و مثل کتاب اول رضایت شما رو جلب کنه.

این کتاب هم مثل کتاب قبلی شامل ۲۰۰ نکته‌ی خوشگل و کاربردی گرامرِ که مطمئنم از خواندن این نکات حسابی لذت می‌برد.

نکاتی که در این کتاب و کتاب قبلی تقدیم شما شده به شدت رایج و کاربردی هستن و اغلب اونا سوالات زبان آموزهای من در کلاس‌های مختلفم بوده و مطمئنم خیلی از این نکات میتونه جواب سوالات شما هم باشه.

فقط یادتون نره، قرار نیست این کتاب رو مثل رمان و داستان بخونید و جلو ببرید!

اینو بدونید که در مسیر یادگیری زبان، شما نباید از هیچ چیزی ساده بگذرید. من نکات رو خیلی ساده براتون توضیح دادم، شما بعد از یادگیری هر نکته، باااااید حساسی مثال بزنید و تمرین کنید. یعنی باید از هر نکته‌ای که یاد میگیرید حساسی استفاده کنید.

هم روی کاغذ هم با صدای بلند. پس هم روی کاغذ جمله‌سازی و تمرین می‌کنید و هم اون جملات رو بارها با صدای بلند تکرار می‌کنید. نه تنها برای نکات کتاب‌های من، بلکه

شما همیشه باید در حال تمرین و جمله‌سازی باشید، حالا مهم نیست کجا کلاس میرید یا چه کتابی میخوانین. اصلاً زبان یعنی تمرین و تکرار منظم و همیشگی.

پس در کنار مطالعه‌ی شخصی و برنامه‌هاتون، حداقل روزی سه الی چهار نکته از کتاب رو با دقت بخونید و حساسی تمرین کنید و مطمئن باشید که دنیای قشنگی منتظر تونه. حواستون باشه که کیفیت رو فدای کمیت نکنید. نکات رو تند تند نخونید، با صبر و حوصله برید تو دل نکات!

حتی بعد از یادگیری هر نکته، خودتون یه سرچ ساده در گوگل بکنید و سعی کنید مثال‌های بیشتری پیدا کنید و بعد خودتونو با اون مثال‌ها درگیر کنید. همون مثال‌هارو با صدای بلند تکرار کنید. با تغییرات خیلی ساده جملات جدید بسازید و مرتب تکرار کنید و تا زمانی که روی اون نکته مسلط نشدید، یادگیری نکته‌ی بعدی رو شروع نکنید.

یادتون نره پیج اینستاگرام منو حتماً دنبال کنید که برای یادگیریتون یه مکمل فوق‌العاده‌س و اونجا میتونید هر روز در قالب پست‌ها و استوری‌های منظم و روزانه، کلی نکته‌ی قشنگ و کاربردی یاد بگیرید و از یادگیری کاربردی زبان لذت ببرید و جز اولین کسانی باشید که از دوره‌ها و کلاس‌های من با خبر میشن.



Soheyl_English

حتماً سایتم رو هم دنبال کنید که من و تیمم در اونجا همواره در حال آماده کردن محتواهای مفیدی برای شما هستیم و به شما کمک میکنیم که با دید بازتری در مسیر یادگیری زبان قدم بردارید و همین‌طور میتونید در مورد دوره‌ها، کلاس‌ها و پکیج‌های آموزشی من هر نوع اطلاعاتی که نیاز دارید رو بدست بیارید.



www.Soheylenglish.ir

خودمم با جان و دل کنارتونم. شماره تلفنم رو داشته باشید و هر سؤالی در مورد نکات کتاب داشتید، یا اگه خواستید پیشنهادات و انتقاداتتونو با من در میان بذارید و یا حتی اگه نیاز به مشاوره و راهنمایی داشتید، فقط کافیه داخل واتساپ به من پیام بدید.



091 091 091 45

دوستتون دارم.

بریم که بترکونیم.

نکته ۱

وقتی شما توی انجام یه کاری مشکل دارید، الگو به این صورته:

➔ to have difficulty (in) doing something

پس باید بعد از difficulty از حرف اضافه‌ی in استفاده کنیم و بعدش اون فعالیت رو به صورت ing دار بیاریم.
که البته اگه in رو هم نیارید، ایرادی نداره.

I have difficulty in breathing.

من توی نفس کشیدن مشکل دارم.

حالا وقتی با یه چیزی مشکل دارید، الگو اینجوریه:

➔ to have difficulty with something

مثلاً:

She has difficulty with math.

اون با ریاضی مشکل داره.

بریم برای چندتا مثال:

- People with asthma **have difficulty** in breathing.
- You may **have difficulty** with this book at first, but you'll find it easier as you go along.
- Many people **have difficulty** in rebuilding their lives when they come out of prison.
- Young children often **have difficulty** expressing themselves.
- Some **have difficulty** in writing and spelling.

نکته ۲

دقت کنین، با صفاتی که شدتشان بالاست و قوی هستن، از very استفاده نمیکنیممممم.

به جاش از absolutely استفاده میکنیم.

مثلاً:

- ➡ It's **absolutely fantastic**.
- ➡ It's **absolutely impossible** to work with all this noise.
- ➡ The food was **absolutely delicious**.
- ➡ Dad was **absolutely furious**.

نکته ۳

میخوایم بگیم انجام فلان کار فایده‌ای نداره. الگوش به این صورته:

- ➡ **There is no point in doing something.**

دوتا معنی داره:

یک: انجام فلان کار فایده‌ای نداره. (یعنی اگه تلاش کنی انجامش بدی به نتیجه‌ای نمیرسی.)

مثلاً:

- ➡ **There's no point in cramming the day before the test.**
- خرخوونی کردن یه روز قبل از امتحان فایده‌ای نداره.

دو: انجام فلان کار دلیلی نداره.

(یعنی اگه تلاش کنی انجامش بدی، به نتیجه میرسی ولی سود زیادی به حالت نداره. تلاشت تأثیر آنچنانی توی نتیجه نداره.)

مثلاً:

➔ **There's no point in studying** for Professor Sam's exam. His tests are always so easy.

دلیلی نداره برای امتحان پروفیسور سام بخونی. امتحاناش همیشهههه خیلی آسونه.

➔ **There's no point in getting upset about it—let's try to find a solution.**

ناراحتی درباره‌ش فایده‌ای نداره - بیا تلاش کنیم یه راه حل پیدا کنیم.
پس حواست باشه، بعد از in فعل رو به صورت ing دار میاریم.
یعنی اشتباهه که بگی:

There's no pinot in ~~save~~ money.

نکته ۴

وقتی بخوایم بگیم یه چیزی یا یه کاری ارزش انجام دادن داره، از الگوی زیر استفاده میکنیم:

➔ **be worth doing something**

بعد از worth فعل ing دار میااااا.

خب be که یعنی فعل to be.

قبلش هم اون چیزی که در موردش حرف میزنیم رو میاریم. مثلاً:

فیلم رو چیکار میکنن؟ میبینن دیگه!

پس movie و watch رو داریم!

حالا اگه بخوام بگم این فیلم ارزش دیدن داره، میگم:

➔ This movie is **worth watching**.

مثلاً خونه رو میخرن.

پس house و buy رو داریم.

حالا اگه بخوام بگم این خونه ارزش خریدن داره، میگم:

➔ That house is **worth buying**.

حالا اگه کاری ارزش انجام دادن نداشته باشه، جمله رو منفیش کن:

➔ This movie **isn't worth** watching.

این فیلم ارزش دیدن نداره.

نکته ۵

حالت منفی جناب **had better** به صورت زیر:

➔ **had better NOT do something**

هیییییچ نیازی به to نیست!

➔ You'd **better not leave** my bag there. Someone might steal it.

بهتره کیفمو اونجا رها نکنی. ممکنه یکی بدزدتش.

➔ You'd **better not talk** to him.

بهتره باهاش صحبت نکنی.

بریم برای چندتا مثال:

- You'd **better not** believe in him. He is a cheater.
- You'd **better not** interrupt him. He is sleeping.
- You'd **better not** let Dad hear you say that.
- You'd **better not** screw up this time.
- You'd **better not** do that again.
- You'd **better not** be late for work again.

نکته ۶

تفاوت

➔ **the other one**

➔ **another one**

این دو عزیز جای اسم میان.

چه اسمی؟ نکته همینجاست.

another one جای اسمی میاد که برای شنونده ناشناخته س.

مثلاً:

➔ I have a pen here on the table. I have **another one** at home.

من اینجا یه خودکار رو میز دارم. من یه خودکار دیگه خونه دارم.

کدوم خودکار؟ نمیدونیم.

the other one جای اسمی میاد که برای شنونده شناخته شده س.

مثلاً:

➔ I have two pens. One is old and **the other one** is new.

من دو تا خودکار دارم. یکیش قدیمیه و یکیش جدیدیه. (میدونیم کدوم خودکارو میگه).

نکته ۷

یه قاعده‌ی کلی وجود داره که وقتی صحبت از آینده باشه، بعد از کلماتی مثل:

if / when / as soon as / before / after / till / until / unless

به جای آینده ساده از حال ساده استفاده میکنیم. مثلاً:

➡ I'll do that **before** *he calls me*.

قبل از این که او به من زنگ بزنه، انجامش میدم.

➡ I'll do that **after** *he calls me*.

بعد از این که به من زنگ بزنه، انجامش میدم.

➡ I'll do that **as soon as** *he calls me*.

به محض این که به من زنگ بزنه، انجامش میدم.

➡ I'll do that **if** *he calls me*.

اگه به من زنگ بزنه، انجامش میدم.

بریم برای چندتا مثال:

- I'll speak to her **as soon as** she comes out of the meeting.
- She is in a meeting at present, but I will let you know **as soon as** she becomes available.
- Talk to her **before** she makes the wrong decision.
- Her husband will skin her alive **if** she comes home late.
- We'll never get there **if** he doesn't speed up.

نکته ۸

وقتی یه کسی توی انجام یه کاری خوبه، میگی:

➡ **Someone is good at doing something.**

وقتی یه کسی توی انجام یه کاری بده، میگی:

➡ **Someone is bad at doing something.**

پس دقت کنین، از حرف اضافه **at** استفاده میکنیم.

اونایی که فارسیو به انگلیسی برمیگردونن، از **in** استفاده میکنن که کاملاً اشتباهه!

➔ My father is really **good at playing** soccer.

پدرم توی فوتبال بازی کردن خیلی خوبه.

➔ My brother is really **bad at cooking**.

برادرم توی غذا درست کردن خیلی بده.

بریم برای چندتا مثال:

- I'm **good at** drawing.
- I'm **good at** swimming.
- I'm **good at** driving.
- I'm **good at** reading.

نکته ۹

میتونیم بگیم:

➔ **in the beginning**

➔ **at the beginning**

اگر بخوایم بگیم در ابتدا، میگیم:

➔ **in the beginning**

مثلاً:

➔ **In the beginning**, she thought it was a piece of cake.

در ابتدا، او فکر کرد که اون راحتیه.

➔ **In the beginning**, she didn't like him.

در ابتدا، اونو دوست نداشت.

ولی اگه بخوایم بگیم ابتدای یه چیزی، میگیم:

➔ **at the beginning of something**

مثلاً:

- ➔ There's a short poem **at the beginning** of every chapter.

یه شعر کوتاه ابتدای هر فصل وجود داره.

یا مثلاً:

- ➔ **at the beginning** of the week/holiday/film

- ➔ Call me **at the beginning** of the next week.

ابتدای هفته‌ی آینده به من زنگ بزن.

نکته ۱۰

برای **familiar** ما دو حالت داریم:

- ➔ **familiar with something**

- ➔ **familiar to someone**

مثلاً:

- ➔ Are you **familiar with** this type of machine?

با این نوع دستگاه آشنایی داری؟

- ➔ I'm not **familiar with** her poetry.

من با اشعارش آشنایی ندارم.

اگه یه چیزی برای ما آشنا باشه، یا یه کسی رو خوب بشناسیم، می‌گیم:

- ➔ **someone/something is familiar to me**

مثلاً:

- ➔ The name is not **familiar to** me.

اسمه برام آشنا نیست.

پس میتونیم بگیم:

➔ I'm **familiar with** something

یا

➔ Something is **familiar to** me

نکته ۱۱

دقت کن

➔ **You remember to do something.**

یعنی شما! به یاد میاری فلان کارو انجام بدی. (یادته که فلان کارو انجام بدی.)
مثلاً:

I should **remember to call my manager.**

باید یادم باشه به مدیرم زنگ بزنم.

I **remembered to follow your page.**

یادم اومد صفحه‌ی شما رو دنبال کنم.

My father always **remembered to bring the big red and white beach umbrella.**

پدرم همیشه یادش هست چتر بزرگ قرمز و سفید ساحلی رو بپاره.
میتونه حالت دستوری داشته باشه:

Remember to call me when you arrive.

یادت باشه وقتی رسیدی، به من زنگ بزنی.

اما وقتی بخوایم به کسی یادآوری کنیم که فلان کارو انجام بده، می‌گیم:

➔ **remind someone to do something**

مثلاً:

Remind me *to buy* some milk tonight.

یادآوری کن امشب مقداری شیر بخرم.

My father **reminded** me *to buy* some milk.

پدرم به من یادآوری کرد مقداری شیر بخرم.

نکته ۱۲

تفاوت

➡ **fall off**

➡ **fall down**

fall down یعنی زمین خوردن. داری راه میری، یهو میخوری زمین.

مثلاً:

➡ I **fell down** when I was walking.

وقتی قدم میزدم زمین خوردم.

fall off یعنی از بلندی افتادن. میتونه شی باشه میتونه شخص باشه.

مثلاً:

➡ The book **fell off** the shelf.

کتاب از قفسه افتاد.

نکته ۱۳

بریم برای سه نکته در مورد **every** عزیز که باید رعایت کنین.
یک: از **every** قبل از صفات ملکی استفاده نکن.
نگو:

~~every her students~~

بگو:

➡ all her students

دو: قبل از اسامی غیرقابل شمارش از **every** استفاده نکن.
نگو:

~~every advice~~

بگو:

➡ all advice

سه: قبل از اسامی جمع هم نمیتونی از **every** استفاده کنی.
نگو:

~~every students~~

بگو:

➡ all students

نکته ۱۴

دقت کن که از **How long** بیشتر توی حال کامل استمراری استفاده میشه.
اما میدونیم یه سری افعال هستن که **ing** نمیگیرن، یعنی حالت استمراری ندارن.
یکیشون همین

know

هست.

مثلاً توی همین فارسی خودمون هم هیچ وقت نمیگیم من در حال دانستن هستم، میگیم میدونم!
به همین دلیل برای این سری افعال، در چنین مواقعی، از زمان حال کامل استفاده میکنیمممم.
یعنی:

➡ **How long have you known him?**

اشتباهه که بگیم:

➡ **How long have you knowing him?**

مثال هارو ببین:

- **How long have you been going out with him?**
- **How long have you been living in this country?**
- **How long have you been skiing?**
- **How long have you been working for this firm?**
- **How long have you been suffering from a headache?**

نکته ۱۵

دقت کن

➡ **all + noun (plural form)**

وقتی **all** قبل از یه اسم جمع بیاد، یعنی همه‌ی اون فلان چیز به صوورت کلی!
مثلاً:

➡ **All people in the world**

یعنی تمام مردم دنیا

حالا وقتی قبل از اون اسم، **the** بیاد، دیگه از حالت کلی در میاد و به یه چیز خاص اشاره میکنه.

➡ **all + THE + noun (singular or plural)**

مثلاً:

➔ I need to know **all the details**.

منظور همه‌ی جزئیات خاصه، نه تمام‌الام جزئیات موجود در دنیااا.

مثال‌هارو ببین:

- **All** visitors must report to reception.
- She kept **all** the letters in a box.
- I'll tell you **all** the details.
- **All** rivers run into the sea.
- **All** things come to those who wait.

نکته ۱۶

تفاوت **everybody/everyone** و **all** زمانی که در مورد گروهی از مردم صحبت میکنیم.

بریم با مثال تفاوتشونو یاد بگیریم.

I invited some friends to a party this weekend. They **all** came.

من آخر هفته تعدادی از دوستانم رو به مهمونی دعوت کرده بودم. همه شون اومدن.

اینجا نمیتونم بگیم:

All came.

زمانی که از **all** استفاده میکنیم، به فاعل هم نیاز داریم.

اما میتونیم بگیم:

Everybody/everyone came.

نکته ۱۷

یه سری قیود زمان هستن که به زمان حال اشاره میکنن، مثل:

this morning /today /this month /this week

اینارو، هم میتونیم با گذشته ساده بکار ببریم هم با حال کامل! به جان خودم!

اگه اون بازه‌ی زمانی که آخر جمله میاری دیگه تموم شده و دیگه فرصت انجام کاری که در موردش حرف میزنی رو نداری، میتونی از گذشته ساده استفاده کنی. مثلاً:

this month

آخر ماهه، ۳۱ ام، ساعت ۱۱ شب، فکر میکنی میبینی عععع من این ماه اصلاً زبان نخوندم، خب زمان جبران هم که نداری توی اون ماه، ماه تموم شد، پس از ماه بعد باید شروع کنی. اینجا میگی:

➡ **I didn't study English this month.**

حالت بعدی مثلاً ۱۷ ام ماهه، هنوز دو هفته مونده تا ماه تموم بشه، نشستی با خودت فکر میکنی که عع عع این همه سهیل سام گفتم، من این ماه هنوز زبان نخوندم. خب تو این حالت هنوز دو هفته از ماه مونده و فرصت داری و میتونی کارو انجام بدی. میگی:

➡ **I haven't studied English this month.**

مثال‌های بیشتر:

➡ **I've read a lot this week, but I have to get the book completely finished by this weekend.**

من این هفته زیاد مطالعه کردم، اما باید تا آخر این هفته کتابو کامل تموم کنم.

➡ **It was so hot today that I wore shorts and a T-shirt at work.**

امروز خیلی گرم بود که من سر کار شلوارک و تیشرت پوشیدم.

نکته ۱۸

میخواین بگین، مجبورم نکن فلان کار رو انجام بدم. الگو به این صورته:

➔ **Don't make me do something.**

مثلاً:

➔ **Don't make me get out of the car.**

مجبورم نکن از ماشین بیام بیرون.

➔ **Don't make me shout at you.**

مجبورم نکن سرت داد بزنم.

میتونیم به جای **me**، از ضمائر مفعولی دیگه هم استفاده کنیم.

مثلاً:

➔ **Don't make him call his friend.**

مجبورش نکن به دوستش زنگ بزنه.

نکته ۱۹

کاربرد

➔ **as you know**

معنییش میشه، همونطور که میدونی.

بریم با مثال کاربردش رو یاد بگیریم.

➔ **As you know, I am a very kind person.**

همونطور که میدونی، من آدم خیلی مهربونی هستم.

➔ **As you know, it's the only thing that bothers me.**

همونطور که میدونی، اون تنها چیزیه که منو میرنجونه.

نکته ۲۰

یه الگوی خوشگل و کاربردی با

➔ **I never knew**

یعنی، هیچ وقت نمیدونستم.
دقت کن، زمان جمله‌ای که بعدش میاریم، گذشته س.
مثال‌ها رو بین:

➔ **I never knew** he was so rich.

هیچوقت نمیدونستم اون اینقدر پولداره.

➔ **I never knew**you had a twin sister.

هیچوقت نمیدونستم تو یه خواهرِ دوقلو داری.

➔ **I never knew** Akbar could sing so well.

هیچوقت نمیدونستم اکبر میتونه اینقدر خوب بخونه.

نکته ۲۱

یه نکته در مورد

➔ **spend**

➔ **pass the time**

خب، بریم کاربرد این دو عزیز دل رو یاد بگیریم.
زمانی از **spend** استفاده میکنیم که بخوایم بگیریم، کلِ یه زمانی (روز، شب، هفته، ...) رو با انجام کاری گذروندیم.
مثلاً:

➔ **I spent** all day studying.

من کل روز رو با درس خوندن گذروندم.

➔ **I spent** all week writing.

من کل هفته رو با نوشتن گذروندم.

spent رو هم که میدونید، گذشته‌ی spend هستش.

pass the time یعنی زمان رو گذروندن.

یعنی در حالی که شما منتظر یه چیز دیگه هستی، با انجام یه کار دیگه، باعث بشی اون زمان انتظار رو حس نکنی.
مثلاً:

➔ If you're looking for a way to **pass the time**, we have plenty of great books to read.

اگه دنبال یه راه برای گذروندن زمان میگردی، ما کلی کتاب عالی برای خوندن داریم.

➔ I read to **pass the time** while waiting in the doctor's office.

وقتی توی مطب دکتر منتظرم با مطالعه کردن زمان رو میگذرونم.



نکته ۲۲



تفاوت **yet** و **already** و **still**

بریم ببینیم تفاوت این عزیزای دل وقتی که در مورد یه فعالیت صحبت میکنیم، چیه.

وقتی یه کاری هنوز تموم نشده باشه، از **still** استفاده میکنیم.
مثلاً:

➔ Are you **still** studying?

هنوز داری درس میخونی؟ (درسش تموم نشده، هنوز داره میخونه).

➔ I **still** haven't finished writing my letter.

من هنوز نوشتن نامه‌ام رو تموم نکردم. (کل نامه رو ننوشته، هنوز داره مینویسه).

وقتی یه کاری کاملاً تموم شده باشه، از **already** استفاده میکنیم.

مثلاً:

➔ She's **already** finished work.

اون قبلاً کار رو تموم کرده.

➔ I've **already** told him.

من قبلاً به اون گفتم.

وقتی یه چیزی هنوز اتفاق نیوفتاده اما ما فکر میکنیم اتفاق میوفته، از yet استفاده میکنیم.

از yet در جملات سؤالی و منفی استفاده میشه.

مثلاً:

➔ Haven't you left **yet**?

هنوز نرفتی؟

➔ He hasn't finished **yet**.

اون هنوز (کارشو) تموم نکرده.

➔ I haven't spoken to her **yet**.

من هنوز باهاش صحبت نکردم.

نکته ۲۳

کاربرد

➔ **remember + to do**

➔ **remember + doing**

اولی رو زمانی استفاده میکنیم که در مورد آینده صحبت میکنیم.

مثلاً:

Remember to bring your umbrella.

یادت باشه چترت رو بیاری.

اول به یاد آوردن اتفاق میوفته و بعدش آوردن چتر که در آینده اتفاق میوفته.

دومی رو زمانی استفاده میکنیم که در مورد گذشته صحبت میکنیم.

مثلاً:

I remember meeting my best friend when I was little.

ملاقات با بهترین دوستم رو زمانی که بچه بودم به یاد میارم.
اول ملاقات با دوست اتفاق افتاده که در گذشته بوده و بعدش به یاد آوردن.

نکته ۲۴

تفاوت **be going to** و زمان حال استمراری

از هر دو برای بیان برنامه‌های آینده استفاده میشه.

بریم با مثال تفاوتشون رو یاد بگیریم.

➔ **I'm going to meet** my friends this weekend.

یعنی، من قصد دارم آخر این هفته دوستامو ملاقات کنم.

اما، دقیقاً چه وقت و کجا، معلوم نیست. نتونستیم تصمیم بگیریم.

➔ **I'm meeting** my friends this weekend.

من آخر هفته دوستامو ملاقات میکنم.

برنامه ریختیم، میدونیم کی و کجا قراره همدیگر رو ملاقات کنیم.

نکته ۲۵

بریم یاد بگیریم که از **actually** کجاها استفاده میشه.

یک: برای بیان چیزی که حقیقت داره.

مثلاً:

➔ We **actually** had a hard time moving the sofa.

ما واقعاً برای جابجا کردن مبل مشکل داشتیم.

دو: برای تصحیح کردن یا مخالفت کردن.

مثلاً:

A: Are you from London, John?

B: **Actually**, no. I'm from Oxford.

- جان، اهل لندن هستی؟

- در واقع نه. من اهل آکسفوردم.

سه: برای گفتن تفاوتی که برامون اهمیت داره در موردش بگیم.

مثلاً:

➡ I love fish, but I **actually** don't like prawns.

من ماهی رو دوست دارم، اما من در واقع میگوها رو دوست ندارم.

چهار: وقتی از یه رفتاری سورپرایز میشیم.

➡ He **actually** expected me to pay for his dinner.

اون واقعاً انتظار داشت من هزینه‌ی شامش رو پرداخت کنم.

پنج: اقرار یا اعتراف کردن به چیزی.

مثلاً:

A: Did you eat the last chocolate, John?

B: **Actually**, yes. I did.

- جان، آخرین شکلات رو تو خوردی؟

- در واقع بله. من خوردم.

شش: برای اضافه کردن اطلاعات.

مثلاً:

➡ I'm a teacher. And so are both my parents, **actually**.

من یک معلم هستم. و در واقع پدر و مادرم هم معلم هستند.

نکته ۲۶

یه الگوی جالب داریم:

➔ **I'm going to have to do something.**

شکلش ترسناکه؟

الان میگی وایای هم going to داره، هم have to.

یعنی چی؟ یعنی من قصد دارم که باید فلان کارو بکنم؟ یعنی باید قصد

کنم که فلان کارو بکنم؟ این چیپهههه بابا بیخیال!

اما خیلی راحت!

کاربردشو برات میگویم و بعد مثال میزنم.

زمانی از این الگو استفاده میکنیم که بخوایم بگیم نیازه یه کاری رو انجام

بدیم و انجام اون کار ممکنه شنونده رو ناراحت کنه و برنجونه.

مثلاً:

رفتی فروشگاه خرید، یهوووو کیفیت میخوره به شیشه‌های ترشی و چندتاش

میوفتن و میشکنن. وقتی خریداتو انجام دادی، میری پای صندوق.

صندوق‌دار بعد از این که حساب کتاب کرد، یه اشاره به شیشه‌ها میکنه و

میگه:

➔ **I'm going to have to charge you extra for that, sorry!**

لازمه که بخاطر اون (اتفاق) از شما پول بیشتری بگیرم، شرمنده!

چرا صندوق‌دار از این الگو استفاده کرد؟

چون مشتری شیشه‌های ترشی رو شکسته، اگه پولشو نگیره، رئیس دعواش

میکنه و باید از جیب خودش بذاره. از طرفی ممکنه که مشتری رو با گفتن

این حرف ناراحت کنه، پس اینجوری میگه.

مثال‌هارو ببین:

○ You're **going to have to** work extra hard to pass the exam.

○ I'm **going to have to** tell him the truth.

- You're **going to have to** swallow your pride and ask for your job back.
- I'm **going to have to** explain to them that I can't pay them.
- You're **going to have to** learn to control your temper.
- We're **going to have to** work like crazy to get this finished on time.
- You're **going to have to** improve.
- I can't change the situation so I'm **going to have to** learn to live with it.
- I'm **going to have to** push you for an answer.

نکته ۲۷

به الگوی **let** عزیز دقت کن:

➔ let someone do something

یعنی به کسی اجازه‌ی انجام کاری رو دادن.
 گذشته‌ش هم میشه خودش. یعنی همون **let**. ایشون بی‌قاعده‌س!
 دقت کنین، گذشته شدن جمله رو **let** بیچاره به گردن میگیره، دیگه نیازی نیست
 فعل بعدشو گذشته بیارید. خیلی راحت شکل ساده فعل رو بدون **to** میاریم.
 مثلاً:

➔ He **let** me go home.

اون اجازه داد برم خونه.

اشتباهات رایج:

He let me ~~to go~~ home.

He let me ~~went~~ home.

There are three **people** at the door.

اونجا سه نفر پشت در هستند.

خب تا اینجا که راحت بود.

persons خیلی خیلی رسمی و خیلی خیلی مؤدبانه س. در جاهای خیلی خاص، ازش استفاده میشه. اگه دقت کرده باشین، داخل آسانسورها نوشته شده:

This lift can hold a maximum of **15 persons**.

people اگه به معنیه ملت یا قوم (nation) باشه، جمع بسته میشه. مثلاً:

There are many **peoples** on Earth.

اقوام زیادی بر روی زمین وجود دارند.

people اگه به معنیه یک جامعه باشه، جمع بسته میشه. مثلاً:

Customs similar to this one are found among many **peoples** of the world.

آداب و رسوم مشابهی این در بین بسیاری از جوامع در جهان دیده میشه.

It is a custom shared by many Native American **peoples**.

این رسمیه که توسط بسیاری از مردم بومی آمریکا به اشتراک گذاشته شده.

نکته ۲۹

بریم درمورد **make** عزیز یه نکته یاد بگیریم.

زمانی که بخوایم بگیم فلانی یکی دیگه رو مجبور به انجام کاری کرده یا مجبور به انجام کاری میکنه که طرف دوست نداره اون کارو انجام بده،

جناب **make** وارد میدون میشن!

مثال هارو ببین:

➡ My father **makes** me take out the garbage.

بابام مجبورم میکنه آشغالارو ببرم بیرون.

ببین قالبش خوشگل و ساده س!

اول: اون کسی که مجبور میکنه.

دوم: makes / make / made

سوم: اون کسی که مجبور میشه، میتونه به صورت اسم یا ضمیررررر

مفعولی بیاد.

ضمایر مفعولی رو یادته؟

➡ me / her / him / us / them / you

چهارم: اون کاری که به اجبار انجام میشه، به شکل ساده فعل میاد.

یه مثال دیگه با حال ساده:

➡ They **make** us do our homework.

اونا مارو مجبور میکنن تکالیفمونو انجام بدیم.

یه مثال با گذشته:

➡ My wife **made** me wash the dishes.

زنم مجبورم کرد ظرفهارو بشورم.

نکته ۳۰

در این نکته، جناب **in case** مهمون ما هستن!

کاربردش دو حالت داره.

حالت اول، یعنی محض احتیاط! عین فارسیه!

کاری که بهتره محض احتیاط انجام بشه.

مثلاً هوا ابری، رفیقت داره از خونه میره بیرون، میگی:

➡ Take an umbrella **in case** it rains.

محض احتیاط با خودت چتر ببر، ممکنه بارون بیاد. (که اگه بارون اومد

خیس نشی.)

حالت دوم، یعنی در صورت!
موقعیت احتمالی که ممکنه پیش بیاد.
مثلاً:

➔ **In case** of fire, walk quickly to the nearest door.

در صورت آتش سوزی، به سرعت به سمت نزدیک‌ترین در برید.
مثال:

- Keep these papers together **in case** they are lost.
- I'm worried about washing that shirt **in case** it shrinks.
- Never walk behind a horse **in case** it kicks out at you.
- **In case** he comes, let me know.

نکته ۳۱

بریم سراغ یه عبارت خیلییی کاربردی که آمریکایی‌ها توو محاوره بشدت ازش استفاده میکنن.
این عبارت رو یاد بگیر. فقط تأکید میکنم که محاوره‌ایه.
معررررفی میکنم، این شما و این

➔ **ain't**

ایشون خیلی زحمت کشه، چرا؟ چون مخفف پنج تا||| عبارته:

- ✓ am not
- ✓ is not
- ✓ are not
- ✓ have not
- ✓ has not

گرامر خاصی نداره، خیلی راحت جای اون پنج تا، توی جملات استفاده میشه و خیلی در محاوره کاربرد داره. مثلاً طرف بجای این که بگه:

➔ I'm not going to help you.

میگه:

➔ I **ain't** gonna help you.

چندتا مثال بزمن براتون:

- If it **ain't** broken, don't fix it.
- Things **ain't** what they used to be.
- You **ain't** seen anything yet.
- I **ain't** going nowhere near them.
- I **ain't** got no money.
- I'm going too, **ain't** I?
- I **ain't** feeling all that well to tell the truth.

نکته ۳۲

بریم یه نکته در مورد

➔ **It's as well**

یاد بگیریممممم.

وقتی بگیریم:

➔ **It's as well** to do something.

یعنی انجام یه کاری ایده‌ی خوبیه.
مثلاً:

➔ **It's as well to** follow my page.

فالو کردن پیج من ایده‌ی خوبیه.

➔ **It's as well to** get up early in the morning.

صبح زود بیدار شدن ایده‌ی خوبیه.

➡ It's not as well to stay out late tonight.

امشب تا دیر وقت بیرون ماندن ایده‌ی خوبی نیست.

نکته ۳۳

بریم یکی از تفاوت‌های **see** و **watch** رو یاد بگیریم.
دقت کنین وقتی شما یه چیزی رو **watch** میکنین، این انتخاب خودتون بوده که توی یه زمان مشخص اون چیزو ببینید.
ولی وقتی یه چیزی رو اتفاقی میبینید، اینجور وقتا شما دارین **see** میکنین، مثلاً ناخواسته یهوو اون چیزو دیدین. مثلاً:

➡ I **watched** a great movie last night.

دیشب یه فیلم عالی دیدم.

انتخاب خودم بود، خودم خواستم دیشب فلان ساعت یه فیلم ببینم.

➡ I **saw** my friend walking.

دیدم دوستم داره راه میره.

داشتم توی خیابون میرفتم، یهو دیدم عeeeeع رفیقم داره پیاده میره سمت یه جایی!

ناخواسته دیدمش!

چندتا مثال بزنم برات:

- I **saw** her in the street but we didn't speak.
- I **saw** you put the key in your pocket.
- I **saw** him turn into the library.
- I **watched** the film on TV.
- I **watched** until he turned the corner.
- I **watched** the film and cried throughout.
- I **watched** them drive in.
- I **watched** a program about farming.

نکته ۳۴

حواست باشه!

ما موارد زیر را در انگلیسی نداریمم:

➔ **yesterday night**

➔ **last evening**

ما موارد زیر را در انگلیسی داریمم:

➔ **yesterday evening**

➔ **last night**

تمام!

مثلاً:

- The children sat up late watching TV **yesterday evening**.
- We were at home **yesterday evening**.
- I went around to see him **yesterday evening**.
- I saw him taking Laura out to dinner **yesterday evening**.
- Did you go to bed late **last night**?
- When did they separate **last night**?
- I had a terrible dream **last night**.

نکته ۳۵

یکی از راههایی که میشه بگیریم چرا یه کاری رو انجام دادیم، اینه که اون علت رو بصورت مصدر بیاریم آخر جمله مون.
مثلاً:

➔ I went home **to eat**.

برای خوردن غذا رفتم خونه. (دلیل رفتن به خونه، غذا خوردن.)

➡ I went on holiday **to relax**.

من برای استراحت به تعطیلات رفتم. (دلیل رفتن به تعطیلات، استراحت کردن.)

نکته ۳۶

بریم تفاوت **good in** و **good at** رو یاد بگیریم.

وقتی منظورمون خوب بودن یه شخص در یه جا و مکانی باشه از

➡ **good in**

استفاده میکنیم.

مثلاً:

➡ He is **good in** music.

این یعنی اون توی کلاس موسیقی خوبه.

توی کلاس موسیقی در مقایسه با بقیه همکلاسی‌هاش خوووبه.

وقتی بخوایم بگیم یکی در یه زمینه‌ای یا در یه فعالیتی خوبه، از

➡ **good at**

استفاده میکنیم.

مثلاً:

➡ He is **good at** music.

این یعنی طرف توی موسیقی خوووبه.

نکته ۳۷

تفاوت **good** و **well**

بریم با مثال تفاوتشونو یاد بگیریم.

➡ I make very **good** pizza.

من پیتزای خیلی خوبی درست میکنم.

خب، توی این جمله، **good** صفته و اسم رو توصیف میکنه، یعنی پیتزا رو.

➡ I make pizza very **well**.

من خیلی خوب پیتزا درست میکنم.

توی این جمله، **well** قیده و فعل رو توصیف میکنه، یعنی **make** رو.

دقت کن، **well** میتونه صفت هم باشه، اگه بخوایم در مورد سلامتی حرف بزنیم. مثلاً:

➡ I wasn't feeling very **well** yesterday. But I'm fine today.

دیروز حالم خیلی خوب نبود. اما امروز خوبم.

نکته ۳۸

یه نکته‌ی باحال در مورد افعال حسی.

افعال حسی چی هستن؟

خب تابلوئه دیگه، افعالی هستن که به حس و حال ما مربوط میشن، افعالی هستن که عملاً فعالیت بدنی داخلشون انجام نمیشه.

مثلاً شما وقتی میخوای یه چیزی بشنوی، نیاز نیست اندام مبارکو تگون بدی یا فعالیتی انجام بدی، همینطور میشینی یه چیزی رو میشنوی.

مثلاً وقتی میخوای یه چیزی رو بفهمی، نیاز نیست دستتو تگون بدی، تگون بخوری یا کاری انجام بدی تا اون چیزو بفهمی، همینطور میفهمیش بدون عملکرد خاصی.

چندتا شو براتون بگم:

see / feel / listen / notice / watch / find / hear / smell

حالا دو نکته:

بعد از این افعال حسی، معمولاً مصدر بدوونون to میاریم:

یعنی چی؟

یعنی اشتباهه بگیم:

⇒ I saw Akbar ~~to walk~~ to park.

میگیم:

⇒ I saw Akbar **walk to** park.

حالا بعد از چندتا از این افعال، هم شکل ساده فعل میاد هم فعل به صورت ing دار.

وقتی اون عملی که دیدید یا شنیدین رو از اووووول تا آخررررر شاهدش باشید، توی این حالت شکل ساده فعل میاد، اگه یه قسمتی رو دیده باشید، شکل ing دار!

مثال رو ببین:

دم خونه وایساد، میبینی اکبر آقا از خونه میاد بیرون، با شلوار ورزشی و خوشگل و موشگل، دو تا نفس عمیق میکشه و میره سمت پارک سر کوچه. تا زمانی که به پارک میرسه شما هنوز داری ایشونو با ست ورزشی آبیش مشاهده میکنی، از اول تا آخر.

پس میگی:

⇒ I saw Akbar walk to park.

حالا یه زمانی هست داری با ماشین از کوچه رد میشی، تو همون حین اکبر آقا رو میبینی با ست ورزشی آبیش داره میره سمت پارک، همین، دیگه میری. اینکه اکبر به پارک میرسه یا نه رو نمیبینی. اینجا میگی:

⇒ I saw Akbar walking to park.

مثلاً:

➔ I saw her wash the dishes.

دیدم که ظرف‌ها رو شست. (از اول تا آخر این عمل رو دیدم).

➔ I saw her washing the dishes.

اونو در حال شستن ظرف‌ها دیدم. (یه قسمتی رو دیدم، نه همشو).

نکته ۳۹

میخواین بپرسید فایده‌ی فلان کار چیه؟

حالا فلان کار چه سودی داره؟ چه فایده‌ای داره؟

از این عبارت استفاده میکنیم:

➔ What's the point of...

و بعدش فعل ing دار میاریم.

در حقیقت اون کاری رو که میخوایم بپرسیم چه فایده‌ای داره رو به صورت

ing دار میاریم. تماًااا!

مثال:

➔ What's the point of exercising?

ورزش کردن چه سودی داره؟ (فایده ورزش کردن چیه؟)

➔ What's the point of having a phone if you never answer it?

تلفن داشتن وقتی هیچ وقت جواب ندی چه سودی داره؟

➔ What's the point of worrying?

نگران بودن چه سودی داره؟

نکته - ۴

بریم سراغ یه کاربرد باحال get.

میخواهی بگی:

یه کاری کن فلان کارو انجام بده.

یه کاری کن به من پیام بده.

یه کاری کن به من پول قرض بده.

یه کاری کن توی تکالیفم کمکم کنه.

و ...

از الگوی خوشگلول زیر استفاده کن:

➔ **get him/her to do something**

مثلاً میخواهی با مامانت صحبت کنی. میخواهی بگی یه کاری کن بابا اون

ماشینو بخره. میگی:

➔ **Get him to buy that car.**

مثلاً دوستت قهر کرده، رفتی رو مخ رفیقش که باهاش حرف بزنه. میخواهی

بگی یه کاری کن به من زنگ بزنه. میگی:

➔ **Get her to call me.**

مثال:

- I used to try to **get him to** do some exercise.
- We couldn't **get him to** sign the agreement.
- I tried to **get him to** increase my salary but it was clearly no go.
- You'll never **get him to** understand.
- **Get him to** see a doctor.
- We'll **get him to** leave.

نکته ۴۱

بریم یاد بگیریم وقتی به **where** و **what** و **when** و **who** کلمه‌ی **ever** اضافه میشه، چه کاربردی دارن.

در دو حالت از این عزیزان استفاده میشه.

یک: ما در مورد شخص، مکان، چیز یا زمان، چیزی نمیدونیم.

دو: شخص، مکان، چیز یا زمان برامون مهم نیستند.
مثلاً:

➔ **Whoever** ate my cake is in big trouble.

کسی که کیک منو خورده، توو دردسرِ بزرگی افتاده.

(نمیدونم چه کسی کیک رو خورده.)

➔ **Whenever** I go to the cafe, there are never any sandwiches left.

زمانی که من میریم کافه، هرگز ساندویچی باقی نمونده.

(چه زمانی میرم؟ مهم نیست.)

➔ I never put on weight, so I can eat **whatever** I like.

من هرگز وزن اضافه نمیکنم، پس میتونم هر چی دلم میخواد بخورم.

(چی میخورم؟ مهم نیست.)

➔ The puppy followed the girl **wherever** she went.

اون سگ هر جا که اون دختر میرفت دنبالش کرد.

(جایی که میرفت، مهم نیست.)

پس چی شد، اگه زمان، شخص، چیزی و یا مکانی برامون مهم نباشه یا در

موردش نمیدونیم، میتونیم **ever** رو به کلمه‌ی پرسشی مناسب اضافه کنیم.

نکته ۴۲

تفاوت

➔ arrive in

➡ arrive at

حواست باشه، زمانی که صحبت از رسیدن به یه شهر یا کشور باشه، از **arrive in** استفاده میکنیم.

زمانی که صحبت از رسیدن به یه مکان یا جای کوچک باشه، از **arrive at** استفاده میکنیم.

➔ We **arrived at** the station ten minutes early.

ما ده دقیقه زود رسیدیم ایستگاه.

ایستگاه یه جای کوچیکه، پس حرف اضافه at میاریم.

➔ The manager **arrives** in Shiraz tonight.

مدیر امشب میرسه شیراز. (شیرازیہ شہر، بزرگ، پس in میاریم).

نکته ۴۳

کاربرد

➔ go on doing

➔ go on to do

زمانی از go on doing استفاده میکنیم که یه چیزی رو ادامه میدیم و تغییری در اون ایجاد نمیشه.

مثلاً:

I'd like to **go on talking** now.

دوست دارم الان به صحبت کردن ادامه بدم. (داشته صحبت میکرده و میخواد ادامه بده).

I really like this city. I'd like to **go on living** here for years.

من واقعاً این شهر را دوست دارم. دوست دارم سالها اینجا زندگی کنم.
(داره توی این شهر زندگی میکنه و میخواد به زندگی کردن توی این شهر ادامه بده.)

زمانی از **go on to do** استفاده میکنیم که یه چیزی رو ادامه میدیم و پیشرفت میکنیم، اما با تغییر همراه هست.
مثلاً:

I'd like to **go on to study** more languages.

دوست دارم به یادگیری زبانهای بیشتری ادامه بدم. (چند تا زبان بلده، میخواد زبانهای دیگه‌ای رو هم یاد بگیره.)

You could **go on to have** an even better job.

تو میتونی حتی برای داشتن یه شغل بهتر ادامه بدی. (یه شغل داره، اما میتونه پیشرفت کنه و یه شغل بهتر داشته باشه.)

If you **go on practicing** your English, you'll **go on to be** even better than you are now.

نکته ۴۴

میخواین پرسین، فکر میکنی بتونم فلان کار رو انجام بدم؟
اگه این سؤال مفهومش درخواست کردن باشه (نه توانایی انجام کار)، میتونین از این الگوی خوشگل استفاده کنین:

➔ **Do you think I could do something?**

مثلاً:

➔ **Do you think I could borrow some money from you?**

فکر میکنی بتونم یه کم پول ازت قرض بگیرم؟

➔ **Do you think I could stay here one more night?**

فکر میکنی بتونم یه شب دیگه اینجا بمونم؟

نکته ۴۵

یه ساختار خوشگل که برای درخواست کردن ازش استفاده میکنیم.

➔ **Would you mind doing something?**

یعنی، میشه فلان کار رو انجام بدید؟ اشکالی نداره فلان کار رو انجام بدید؟
مثلاً:

➔ **Would you mind opening the window?**

میشه پنجره رو باز کنید؟

➔ **Would you mind explaining that again, please?**

میشه لطفاً اونو دوباره توضیح بدید؟

➔ **Would you mind calling back later?**

اشکالی نداره بعداً زنگ بزنید؟

نکته ۴۶

بریمم برای یه نکته‌ی باحال و کاربردی.

میتونیم بعد از **am/is/are** از مصدر استفاده کنیم.

معنیش میشه: اینه که ...

دقت کن این معنی که گفتم، یه کاربرده، بازم توی این حالت کاربرد و معنی متفاوت داره.

مثلاً:

➔ **Teaching is to open a new window to your student.**

تدریس اینه که یه پنجره‌ی جدید رو به روی دانش‌آموزت باز کنی.

➔ **One important thing in life is to be honest.**

یه چیز مهم تو زندگی اینه که صادق باشی.

نکته ۴۷

تفاوت

➔ **lend**

➔ **borrow**

خب، **borrow** یعنی قرض گرفتن، امانت گرفتن.
شما یه چیزی رو قرض میگیرید دیگه، اون چیزی که قرض میگیرید رو
بعدش بیارید.

➔ **I borrowed a pen yesterday.**

من دیروز یه خودکار قرض گرفتم.
اما **lend** یعنی قرض دادن.
با ایشون باید دوتا مفعول بیاریم، حتماً!!
یکی انسان، یعنی کسی که قرض گرفته.
یکی غیرانسان، یعنی چیزی که قرض داده شده.
مثلاً:

➔ **I lent my brother a pen.**

من به برادرم یه خودکار قرض دادم.
حالا اگه جای این دوتا مفعول عوض بشه، **TO** وارد عمل میشه.

➔ **I lent a pen TO my brother.**

نکته ۴۸

بریمم سراغ چند نکته‌ی کاربردی و خوشگل درباره‌ی:

➔ **as well as**

یکی از معانی ایشون، "بعلاوه، علاوه بر، همچنین" هست.

مثال:

➡ He has invited Mehran **as well as** Akbar.

اون علاوه بر اکبر، مهران رو هم دعوت کرد.

➡ When they go to Austria, they like walking **as well as** skiing.

وقتی اونا میرن استرالیا، علاوه بر اسکی کردن، پیاده روی هم دوست دارن.

یه معنی دیگهش به " نه تنها ... بلکه ... " شبیه هست.

مثال:

➡ She's got a goat, **as well as** five cats and three dogs.

اون نه تنها پنج گربه و سه سگ داره، بلکه یه بز هم داره.

➡ He's clever **as well as** handsome.

اون نه تنها خوشتیپه، باهوش هم هست.

➡ He is kind **as well as** generous.

اون نه تنها دست و دل بازه، مهربون هم هست.

یه معنی دیگهش به " نه تنها ... " شبیه هست.

اگه بعدش فعل ing دار بیاریم، این معنی رو میده. توی این حالت، ایشون عبارت قبل و بعدش رو بهم متصل میکنه.

دقت کن که حتماً!!!! عبارت بعدش، با اید ing دار باشه.

مثلاً:

➡ She manages the budget **as well as** ordering the equipment.

اون نه تنها حساب رو مدیریت میکنه، تجهیزات هم سفارش میده.

➡ He plays soccer **as well as** playing volleyball.

اون نه تنها والیبال بازی میکنه، فوتبالم بازی میکنه.

فعل بعد از **as well as**، به صورت ing دار اومد.

یه معنی دیگه‌ش " به همون اندازه " هست.
اینجا بعد از **as well as**، یه عبارت داریم.
مثلاً:

➔ He plays soccer **as well as** he plays volleyball.

به همون اندازه که خوب والیبال بازی میکنه، فوتبالم بازی میکنه.
(فوتبال بازی کردن و والیبال بازی کردنش به یه اندازه خوبه.)

➔ I know you **as well as** I know anyone else.

به همون اندازه که دیگران رو میشناسم، تو رو میشناسم.
(همه رو به یه اندازه میشناسم.)

➔ Akbar does sing **as well as** Sekineh does.

به همون اندازه که سکینه خوب آواز میخونه، اکبر هم خوب میخونه.
(اکبر آقا و سکینه خانوم، آواز خوندنشون به یه اندازه خوبه.)

نکته ۴۹

یه نکته در مورد فعل **hear**

ما معمولاً از شکل **ing** دار فعل **hear** استفاده نمیکنیم. (البته توی محاوره ممکنه استفاده بشه).
نمیتونم بگم:

I am hearing.

خب، چجوری بگم که یه صدایی رو میشنوم اونم دقیقاً زمانی که در حال صحبت کردن با شما هستم؟
اینجور وقتا از **can hear** استفاده میکنم.
مثلاً:

➔ I **can hear** somebody coming.

میشنوم که کسی داره میاد.

➡ Akbar, I **can hear** your phone ringing.

اکبر، صدای زنگ تلفنتو میشنوم.

نکته ۵۰

direct questions سؤالات مستقیم

میخواهم بپرسم:

باید چیکار کنیم؟

به کی باید پرداخت کنم؟

چجوری باید بهش بگم؟

به این نوع سؤالات میگویند، سؤالات مستقیم و نمیتوانیم جمله‌ی سؤالی رو با

What to ...

Who to ...

How to ...

شروع کنیم.

برای این نوع سؤالات، باید بعد از کلمه‌ی پرسشی از should یا shall

استفاده کنیم.

➡ **What should we do?**

➡ **Who should I pay?**

➡ **How shall I tell here?**

Where should I put the car?

ماشینو باید کجا بزارم؟

جمله‌ی بالا رو اگه بخوایم بصورت غیر مستقیم بپرسیم، میشه:

I don't know where to put the car.

نمیدونم ماشینو کجا بزارم. (بطور غیر مستقیم دارم از طرف مقابل میپرسم

که ماشینو کجا بزارم؟)

نکته ۵۱

میخواین بگین، میخواستم فلان کار رو انجام بدم، از این الگو استفاده کنین:

➔ **I was gonna + فعل ساده** شکل

به همین راحتی!

مثال هارو ببین:

➔ **I was gonna eat pizza.**

میخواستم پیتزا بخورم.

➔ **I was gonna stay home.**

میخواستم خونه بمونم.

➔ **I was gonna tell you.**

میخواستم بهت بگم.

➔ **I was gonna do my homework.**

میخواستم تکلیفمو انجام بدم.

نکته ۵۲

میخواین بگین وسط انجام کاری هستین. یه الگوی خوشگل داره:

➔ **I'm in the middle of doing sth.**

اون کاری که وسط انجامش هستین رو بعد از of به صورت ing دار میارید.
مثلاً:

I'm in the middle of repairing my car.

من الان وسط تعمیر کردن ماشینم هستم.

یعنی وسط انجام این کارم، نصفشو انجام دادم، تقریباً نصف دیگه‌ش مونده!

I'm in the middle of writing a difficult letter.

وسط نوشتن یه نامه‌ی سخت هستم.

I'm in the middle of cooking for nine people.

وسط غذا پختن برای نه نفر هستم.

I'm in the middle of cooking dinner.

وسط شام پختن هستم.

نکته ۵۳

سه حالت زیر رو برای فعل **die** همیشه یادت باشه!

یک: برای مردن بخاطر بیماری از

➡ To die of

استفاده میکنیم و اون بیماری رو بعد از **Of** میاریم.
مثلاً:

She **died of** a brain tumour.

اون از یه تومور مغزی مرد.

دو: برای مردن از عوامل بیرونی مثل تصادف، آسیب دیدگی و ... از

➡ To die from

استفاده میکنیم.

He **died from** an accident.

اون از یه تصادف فوت کرد.

سه: اگه دو نفر همزمان با هم فوت کنن از

➡ To die with

استفاده میکنیم.

He **died with** his wife.

اون همزمان با همسرش فوت کرد.

نکته ۵۴

تفاوت

➔ Does that

➔ Is that

بعد از Does that شکل ساده‌ی فعل میاد.

Does that make you happy?

Does that interest you?

بعد از Is that :

یک: صفت میاد.

Is that blue?

Is that hot?

دو: اسم میاد.

Is that a ball?

Is that a car?

سه: فعل ing دار میاد.

Is that working?

Is that making any noise?

نکته ۵۵

تفاوت

➔ Do you

➔ Are you

بعد از Do you شکل ساده‌ی فعل میاد.

Do you like coffee?

Do you agree?

Do you hear me?

بعد از Are you :

یک: صفت میاد.

Are you happy?

Are you strong?

دو: شغل میاد.

Are you a teacher?

Are you a student?

سه: فعل ing دار میاد.

Are you walking?

Are you coming?

چهار: ملیت میاد.

Are you Spanish?

Are you British?

نکته ۵۶

میخواهین بگین احتمالش زیاده که ...

➡ It is more likely to ...

و بعدش اون چیزی که احتمالش زیاده رو به صورت شکل ساده فعل میارید.
همین!

میتونین فاعل جمله رو هم تغییر بدید.

مثال:

➡ He is more likely to do something.

یعنی احتمالش زیاده که اون فلان کارو انجام بده.

➔ **After doing my homework, my mother went out.**

بعد از اینکه مامانم تکالیفمو انجام داد، رفت بیرون.
چرا؟ گفتم زمانی که بعد از **after** فعل **ing** دار بیاری، یعنی اون عمل و عمل بعدشو یکککککککک نفر انجام داده!

نکته ۵۸

برای این که بگیم تک و تنها و بدون کمک کسی کاری رو انجام دادیم از
➔ **on my own**

استفاده میکنیم.

به جای **my** میتونیم از صفات ملکی دیگه استفاده کنیم.
مثلاً:

Akbar learned to tie his shoes **on his own** when he was three.

اکبر آقا وقتی سه ساله بود یاد گرفت بند کفش هاشو خودش به تنهایی ببندد.
He did it **on his own**.

خودش تنها اونو انجام داد.

I want to finish this **on my own**.

میخوام تنها تمومش کنم.

میتونیم از

➔ **by myself**

هم استفاده کنیم.

مثلاً:

I did it **by myself**.

من خودم اونو انجام دادم.

Akbar did it **by himself**.

اکبر خودش اونو انجام داد.

نکته ۵۹

وقتی به چیزی رو رد میکنی،
وقتی به چیزی رو قبول نمیکنی (نمیپذیری)،
راحت بگم، وقتی به چیزی رو نمیخواهی و میخوای اینو عنوان کنی،
میتونی از الگوی خوشگل زیر استفاده کنی:

➡ I won't have ...

بعدش از به مفعول استفاده میکنیم. در حقیقت اون کسی هست که داریم
کارشو رد میکنیم.
و بعدش از شکل ساده فعل استفاده میکنیم. در حقیقت کاری رو میاریم که
داریم ردش میکنیم.

همییییین!!

مثلاً میخوام بگم نمیخوام اون به من زنگ بزنه:
یک: میگم

➡ I won't have

دو: اون. هم میتونم اسمشو بگم، هم میتونم ضمیر مفعولی بیارم. اسمش
مریم، ضمیر مفعولیش میشه her.
پس تا اینجا شد:

➡ I won't have her

یا

➡ I won't have Maryam

سه: کاری که نمیپذیرمش. کاری که نمیخوام رو به صورت شکل ساده فعل میارم:

➡ I won't have her call me.

➡ I won't have Maryam call me.

مثال:

➡ I won't have my teacher shout at me.

من قبول نمیکنم معلمم سرم داد بزنه.

➡ I won't have you lend me money.

نمیخواهم به من پول قرض بدی.

نکته ۶۰

در مورد مو، دو حالت داریم:

یا تعداد موها قابل شمارشه، یا نیست!

اگه بتونی تعداد موهارو بشماری، میگی:

➡ a hair

یدونه مو

➡ some hairs

چندتا مو

حالا حواست باشه، تعداد موهای سر شمردنشون سختههههه، پس فقط میگیریم:

➡ hair

مثلاً:

➡ I have black hair.

یعنی من مووووووهای مشکی دارم.

➡ I have a black hair.

یعنی من یدووووونه موی مشکی دارم.

➡ I have some black hairs.

من تعدادی مووی مشکی دارم. (هف هشتاس، میتونی قشنگگ بشماریشون.)

نکته ۶۱

تفاوت **maybe** و **may be**

این دو عزیز معنی‌شون یکیه.

بریم ببینیم فرقشون چیه.

may یک فعل مودال هستش که برای بیان احتمالات ارزش استفاده میکنیم. بعدش مصدر بدون **to** میاد که یکیش میتونه **be** باشه. مثلاً:

➔ Don't call her. She **may be** at work.

بهش زنگ نزن. شاید سر کار باشه.

➔ There **may be** other problems that we don't know about.

ممکنه مشکلات دیگه‌ای وجود داشته باشه که ما ازشون بی‌خبریم. اما **maybe** قیده. مثلاً:

➔ Don't call her. **Maybe** she's at work.

بهش زنگ نزن. شاید سر کار باشه.

➔ **Maybe** they'll come tomorrow.

شاید اونا فردا بیان.

نکته ۶۲

برای گفتن این‌که، از چیزی که مدت‌هاست اتفاق می‌وفته، عصبانی و خسته شدین (به اصطلاح حالتون به هم می‌خوره)، میتونین از الگوی زیر استفاده کنید.

➔ **sick (and tired) of someone/something**

مثلاً:

I am sick of working for other people.

من از کار کردن برای دیگران خسته شدم.

I'm sick and tired of your excuses.

من از بهانه‌ها خسته شدم.

میتونیم قبلش SO بیاریم و بهش شدت بدیم.

مثلاً:

I'm so sick of your complaints.

من از شکایات خیلی خسته شدم.

نکته ۶۳

چجوری بگیم، من کل روز رو به خوابیدن گذروندم؟

یا من کل هفته رو به کار کردن گذروندم؟

یا کل شب رو به فکر کردن گذروندم؟

➡ I spent all ... doing something

میدونین که spent گذشته‌ی spend میشه.

میخوایم بگیم:

من کل روز رو به درس خوندن گذروندم.

خب اول می‌گیم:

➡ I spent

کل روز رو، پس می‌گیم:

➡ I spent all day

به چه کاری؟ درس خوندن، پس به صورت ing دار میاریمش:

➡ I spent all day studying.

من کل هفته رو به کار کردن گذروندم.

➡ I spent

کل هفته رو، پس می‌گیم:

➡ I spent all week

کار کردن، ing رو می‌ذاریم آخر فعل work و می‌گیم:

➡ I spent all week working.

نکته ۶۴

اگه دوتا لباس بهم بیان، از لحاظ رنگ و طرح و ... از

➡ match

استفاده می‌کنیم.

مثلاً:

➡ This tie **matches** your shirt.

این کروات به پیرهنِت میاد.

اگه بخوایم بگیم یه لباس به یه نفر در میاد، از

➡ suit

استفاده می‌کنیم.

مثلاً:

➡ This dress really **suits** you.

این لباس واقعاً بهت میاد.

دقت کن حرف اضافه این وسط نداریم!!

حالا اگه بگیم

➡ This shirt really matches you.

(یعنی مثلاً این پیرهنه یشمی خال خالیه، اون طرف هم پوستش یشمی

خال خالیه و این دوتا بهم میان. پس حواست باشه اشتباه نکنی.)

نکته ۶۵

برایم سه نکته در مورد سه بزرگوار یاد بگیریم.

➔ do

➔ **does**

➔ **did**

یک: وقتی بخوایم از تکرار یه فعل که قبلاً توی جمله مون بکار بردیم جلوگیری کنیم، از شون استفاده میکنیم.

مثلاً به جای:

➔ He really likes to study English, and he studies English.

میگم:

➔ He really likes to study English, and he **DOES**.

دو: برای تأکید دد از روی هیجان.

مثلاً:

➔ You **DO** work hard everyday.

هر روز داری سختت کار میکنیا، زنده باد، ماشالااااا، ایولالا.

حالا بدون do:

➡ You work hard everyday.

تو هر روز سخت کار میکنی.

سه: هر وقت صحبت از مقایسه باشه و شما بخواین روی اون تأکید کنین.

➡ I don't study English these days, but I **DID** study French 5 years ago.

من این روزا انگلیسی نمیخونم، اما پنج سال پیش فرانسوی میخوندمم
خدا شاهده.

طرف میخواند تاکید کنه که الان درس نمیخونم ولی پنج سال پیش

نکته ۶۶

وقتی برای خرید یه چیزی به کسی پول پرداخت میکنیم، میگی:

➔ **pay someone for something**

یعنی اول pay رو میاریم بعد کسی که داریم بهش پول پرداخت میکنیم، بعد for و بعد چیزی رو که داریم براش هزینه میکنیم و میخریمش.
مثلاً:

➔ **I always pay for the tickets.**

من همیشههههههه پول بلیطهارو میدم.

➔ **I always pay him for the tickets.**

ترجمه خودمونیش میشه:

من همیشه برایی بلیطها به اون پول میدم و بلیطهارو میخرم.
حالا وقتی بگی:

I always pay the tickets.

یعنی من همیشههه به بلیطها پول پرداخت میکنم!!!!!!

چیزایی رو که فقطططط پرداختشون میکنیم بدون این که بخریمشون و مال خودمون بشن رو اینجوری میگی:

➔ **pay the bill**

پرداخت قبض

➔ **pay the tax.**

پرداخت مالیات

شما مالیاتو فقط پرداخت میکنین، چیزی نمیخرین.

نکته ۶۷

حواستون باشه

➡ nobody

➡ nothing

➡ never

خودشون ذاتاً منفی هستن.

وقتی ازشون استفاده میکنین، not نیاز نیستتتت.
مثلاً:

➡ I never understood what she wants.

هیچ وقت نفهمیدم اون چی میخواد.

یهو نگی:

➡ I ~~never didn't~~ understand what she wants.

مثلاً:

➡ I knocked on the door but nobody answered.

من در زدم اما هیشکی جواب نداد.

یهو نگی:

➡ I knocked on the door but ~~nobody didn't~~ answer.

مثلاً:

➡ There's nothing in this box.

هیچی توی جعبه نیست.

یهو نگی:

➡ There ~~isn't nothing~~ in this box.

نکته ۶۸

تفاوت

➔ **could**

➔ **was able to**

هر وقت بخواهیم در مورد یه توانایی به صورت کلی یا عمومی توی گذشته صحبت کنیم، از **could** استفاده میکنیم.
مثلاً:

➔ **I could play soccer 30 years ago.**

من سی سال پیش میتونستم فوتبال بازی کنم.
طرف الان سنش رفته بالا، کمر درد و زانو درد و هزار جور بدبختی داره، داره
میگه بیست سال پیش میتونستم بازی کنم الان دیگه نمیتونم.
بعدم فوتبال بازی کردن توانایی خاصی نبوده که!
دو جا از **was able to** استفاده میکنیم.
یک: زمانی که صحبت از موووووفق شدن توی انجام یه کاری بالاشه.
مثلاً:

➔ **I was able to pass my math exam.**

من تونستم امتحان ریاضیمو پاس کنم. (من توی پالاس کردن امتحانم موفق
شدم).
پس اشتباهه بگم:

~~I could pass my math exam.~~

دو: وقتی بخواهیم از یه توانایی خالص صحبت کنیم. منظورم انجام کاری توی
یه موقعیت خاصه.
مثلاً:

➔ **I was able to get 10% off the price.**

تونستم ده درصد از قیمتو کم کنم.

موقعیت خاصه، مثلاً به مذاکره و طرف توی اون موقعیت خاص به کاری رو انجام داده.

پس اشتباهه بگم:

~~I could get ...~~

نکته ۶۹

تفاوت

➡ **remind of**

➡ **remind about**

هر وقت بخوایم بگیم به کسی مارو یاد به کسی میندازه یا به چیزی مارو یاد به چیز دیگه‌ای میندازه، از **remind of** استفاده میکنیم. توی این حالت به شباهتی بین اون دو نفر یا اون دو چیز هستتتت. مثلاً:

➡ **He reminds me of my brother.**

اون منو یاد برادرم میندازه.

➡ **This car reminds me of my old car.**

این ماشین منو یاد ماشین قدیم میندازه.

➡ **They remind us of our friends.**

اونا مارو یاد دوستانمون میندازن.

هر وقت بخوایم بگیم که مثلاً فلانی به من درباره‌ی فلان چیز یادآوری کرد، از **remind about** استفاده میکنیم.

اون کسی که یادآوری میکنه رو اول میاریم و اون کسی که بهش یادآوری میشه رو بعد از **remind**.

مثلاً میخوام بگم اون همیشه درباره‌ی گل‌ها به من یادآوری میکنه. میگم:

➡ **He always reminds me about the flowers.**

یا مثلاً:

➔ My classmate **reminded** me **about** the exam.

همکلاسیم امتحانو به من یادآوری کرد.

نکته ۷۰

بریم یه الگوی کاربردی یاد بگیریم و حالشو ببریم!

میخوایم بگیم فقط از این طریق بود که تونستم فلان کارو انجام بدم.

مثلاً:

فقط از این طریق بود که تونستم موفق بشم.

فقط از این طریق بود که تونستم با اکبر ازدواج کنم.

فقط از این طریق بود که تونستم درس بخونم.

الگو به این صورته:

➔ Only in this way could I + شکل ساده فعل

و اون کاری که فقط از این طریق تونستین انجام بدین رو به صورت شکل

ساده فعل بعد از could میارید.

ساختار چیه؟! معکوس و شدت و تأکیدش بالاست.

مثلاً:

➔ Only in this way could I see her.

فقط از این طریق تونستم بینمش.

➔ Only in this way could I save money.

فقط از این طریق تونستم پول پس انداز کنم.

نکته ۷۱

بریم با هم دوتا از کاربردهای **once** رو بررسی کنیم.
کاربرد اول:

اگه بخوایم به یه زمان نامشخص توی گذشته اشاره کنیم.
به معنی یه وقتی، یه روزی

➡ I **once** ran 21 miles.

من یه روزی ۲۱ مایل دویدم.
توجههههه!

برای اشاره به یه زمان نامشخص در آینده از

➡ **sometime**

➡ **one day**

استفاده میکنیم.
مثلاً:

➡ We'll take a vacation **sometime** in September.

ما یه روزی توی دسامبر میریم تعطیلات.
البته **sometime** برای گذشته هم استفاده میشه.

کاربرد دوم:

به معنی یه بار، یه دفعه

➡ I've only met her **once**.

من اونو فقط یه بار دیدم.

➡ Akbar has been to Shiraz **once** before.

اکبر قبلاً یه دفعه شیراز بوده.

نکته ۷۲

میخوایم بگیم عمراً فلانی، فلان کارو انجام بده.
الگوی حرفه‌ای و خوشگلش اینه:

➔ **Hardly will + someone + do sometime**

به همین راحتی!
ایشون هم یه ساختار تأکیدی و معکوس هست. یعنی Inversion.
مثلاً:

➔ **Hardly will Sekineh marry Akbar.**

عمراً!! سکینه با اکبر ازدواج کنه.

➔ **Hardly will he do the dishes.**

عمراً!! اون ظرفارو بشوره.

➔ **Hardly will she come to this party.**

عمراً!! اون بیاد به این مهمونی.

نکته ۷۳

بریم یه نکته در مورد **suggest** یاد بگیریم.
با مثال براتون میگم.

➔ **I suggested going to restaurant.**

اینجا من پیشنهاد رستوران رفتن رو به دوستانم دادم و خودمم باهاشون
خواهممم رفتتت!

پس هر وقت بلافاصله بعد از **suggest**، از فعل **ing** دار استفاده کنیم،
یعنی خودمون هم اون کارو انجام خواهیم داد.

➔ **She suggested going to the zoo.**

اون پیشنهاد رفتن به باغ وحش رو داد. (اینجا طرف خودشم میخواد بره).

اما حالت بعدی رو ببین:

➔ I **suggested** that my friends go to restaurant.

من پیشنهاد دادم که دوستانم برن سینما.
اینجا من دیگه خودم نمیخواستم برم، یه پیشنهاد بوده واسه دوستانم.
پس هر وقت بعد از suggest، از یه جمله استفاده کنیم، داریم پیشنهاد میدیم که کسی یه کاری رو انجام بده.
مثلاً:

➔ Her mother **suggested** that she should go and see the doctor.

مامانش پیشنهاد داد که اون بهتره بره و دکتر ببینه.

➔ I **suggest** you call him first.

من بهت پیشنهاد میکنم که اول باهاش تماس بگیری.

نکته ۷۴

تفاوت offer و suggest

هر دو برای پیشنهاد دادن استفاده میشن، اما کمی با هم فرق دارن.
بریم مفهوم این دو لغت رو با مثال یاد بگیریم و بعد ازشون توی جمله استفاده کنیم.
به این مثال‌ها دقت کنین:

Do you want my pen?

این سؤال، یه offer هستش و ما منتظره یه جواب آره یا نه هستیم.

Would you like a ride to work?

این سؤال، یه suggest هستش. من یه پیشنهاد دادم، میتونه پیشنهاد منو بپذیره یا نه. بستگی به خودش داره.

مثلاً:

She accepted his **offer**.

اون پیشنهادش رو پذیرفت.
(یکی بهش یه پیشنهاد داده که باید بهش جواب آره یا نه میداده و بهش گفته آره.)

I appreciate the **offer**, but I can't accept.

من بخاطر پیشنهاد قدردانی میکنم، اما نمیتونم قبول کنم.
(یکی به من یه پیشنهاد داده، من بهش گفتم نه.)

I **suggest** you take the train.

من بهت پیشنهاد میکنم که با قطار بری. دیگه بستگی به خودت داره که با قطار بری یا نه. من نظرمو گفتم.

I **suggest** you do this.

من پیشنهاد میکنم که این کار رو انجام بدی. انجام بدی یا نه، بستگی به خودت داره.

نکته ۷۵

تفاوت

➔ **search someone/something for something**

➔ **search for someone/something**

اولی یعنی یه کسی یا یه چیزی رو زیر و رو کردن برای پیدا کردن یه چیز دیگه.
مثلاً:

➔ Detectives are **searching** the yard for clues.

کارآگاهان دارن حیاط رو برای پیدا کردن سرنخها میگردن.

➔ I **searched** the house for the keys.

من خونه رو برای پیدا کردن کلیدها گشتم.

(توی این حالت بعد از search اون جایی رو میاریم که داریم برای پیدا کردن یه چیز، زیر و روش میکنیم و میگردیمش).
دومی یعنی دنبال یه چیزی گشتن.
توی این حالت بعد از search بلافاصله for میاریم. دقت کن!

➡ I searched for the keys last night.

من دیشب دنبال کلیدا گشتم.
(توی این حالت فقط میگی دنبال یه چیزی گشتیم. این که کجارو زیر و رو کردیم و کجارو گشتیم مهم نیست).

نکته ۷۶

برای این که بگیم کاری رو انجام دادیم که هرگز نباید انجامش میدادیم، از الگوی زیر استفاده میکنیم.

➡ I never should have done something.

من هرگز نباید فلان کار رو انجام میدادم. (اما انجام دادم).
مثلاً:

➡ I never should have hired Akbar.

من هرگز نباید اکبر رو استخدام میکردم. (اما استخدامش کردم).

➡ I never should have fallen in love with Akbar.

من هرگز نباید عاشق اکبر میشدم. (اما عاشقش شدم).

➡ I never should have called you.

من هرگز نباید بهت زنگ میزد. (اما زدم).

نکته ۷۷

یکی از کاربردهای **yet**، به معنی هنوز هست. زمانی که بخوایم در مورد کاری صحبت کنیم یا سؤال بپرسیم که هنوز انجام نشده، ازش استفاده میکنیم.

چندتا مثال میزنم:

➔ I haven't asked him **yet**.

هنوز ازش نپرسیدم. (اما میپرسمممم).

➔ 'Have you finished your homework?' 'Not **yet**'.

تکلیفتو تموم کردی؟

هنوووز نه. (اما تمومش میکنم).

دقت کن که این بزرگوار میتونه بعد از

➔ don't / do not

➔ hasn't / has not

➔ isn't / is not

و اینجور چیزا بیاد.

مثلاً:

➔ We do not **yet** have a solution to this problem.

ما هنوز برای این مسئله راه حلی نداریم.

دقت کن نگي:

for this problem

فارسی رو به انگلیسی برنگردووون!

این بزرگوار میتونه قبل از

➔ Why

➔ Whether

و اینجور چیزا هم بیاد!

مثلاً:

➔ I haven't decided **yet** whether to take part in the competition.

هنوز تصمیم نگرفتم که آیا توی رقابت شرکت کنم یا نه.

نکته ۷۸

چجوری بگیم، دیگه نمیتونم فلان چیز یا کس رو تحمل کنم؟
الگوش اینجوریه:

➔ I can't stand something/someone anymore.

مثلاً:

I can't stand you anymore.

دیگه نمیتونم تحملت کنم.

I can't stand this situation anymore.

دیگه نمیتونم این وضعیت رو تحمل کنم.

I can't stand this weather anymore.

دیگه نمیتونم این آب و هوا رو تحمل کنم.

نکته ۷۹

یه نکته‌ی مهم در مورد **every** و **each**

اگه خواستی بعد از این دو عزیز اسم بیاری، باید مفرد باشه. مگه اینکه از **of** استفاده کنی.

راستی، بعد از این دو عزیز فعلمون هم مفرد میاد. حواست باشه.

مثلاً:

➔ **Each** child was given a balloon.

به هر بچه یه بادکنک داده شد.

نمیگیم:

~~each children~~

➔ **Each** of the nurses was very kind.

هر کدوم از پرستارها خیلی مهربون بودن.

کاری نداریم nurses جمع هست یا نه، فعل باید مفرد باشه!

➔ **Each** item was thoroughly checked.

هر آیتم کاملاً چک شد.

نمیگیم:

~~each items~~

➔ **Each** of us has a room on the top floor.

هر کدوممون طبقه‌ی بالا یه اتاق داریم.

➔ **Every** morning I give him his breakfast.

هر صبح من صبحونه شو بهش میدم.

نمیگیم:

~~every mornings~~

➔ **Every** job has its good points.

هر شغلی امتیازهای مثبت خودشو داره.

نمیگیم:

~~every jobs~~

~~every job have~~

نکته ۸۰

یه الگوی کاربردی یاد بگیریم برای زمانی که رفتار خاص کسی مارو
میرنچونه و ما دلمون میخواد که طرف تغییرش بده.
توی این الگو، هم wish داریم هم would.

➡ I wish someone would do sth.

مثلاً طرف سیگار میکشه و این شمارو ناراحت میکنه، دلتون میخواد طرف
تغییر کنه. مرحله به مرحله بریم جلو ببینیم باید چی بگید:

I wish

بعدش اون کسی که سیگار میکشه:

I wish you

بعدش would یا wouldn't بعلاوه شکل ساده فعل.

در حقیقت خواسته مونو اینجا باید بگیم:

I wish you would stop smoking.

یعنی ای کاش سیگار کشیدن رو بس کنی. (ای کاش سیگار نکشی،
اینجوری منو ناراحت میکنی.)

مثلاً دوستتون زبان نمیخونه، خب طبیعتاً این خیلییییی ناراحت کننده س و
این رفتارش شما رو هم رنچونده و میخواین بهش اینو بگید:

I wish you would study English.

یعنی ای کاش زبان بخونی.

نکته ۸۱

تفاوت

➡ until

➡ as far as

یکی از معانی این دو بزرگوار، "تا" هست. ولی کاربردهاشون فرق میکنه.

از **until** معمولاً قبل از قید زمان استفاده میکنیم. پس حواست باشه قبل از قید مکان و مسافت ازش استفاده نکنی که ناراحت میشم خدا شاهده! یعنی اشتباهه که بگیم:

I can't walk ~~until~~ the park.

باید بعد از **until** از قید زمان استفاده کنیم. یعنی جمله‌ی درست اینجوری میشه:

I can't walk until five o'clock.

حالا دقت کن که **as far as** معمولاً قبل از قید مکان میاد. مثلاً:

➔ I've read **as far as** the third chapter.

من تا فصل سوم رو خوندم.

➔ We played chess **until** midnight.

ما تا نیمه شب شطرنج بازی کردیم. (میبینید **until** قبل از قید زمان اومده).

➔ The film didn't end **till** eleven o'clock.

فیلم تا ساعت یازده تموم نشد. (قبل از قید زمان اومده).

➔ I decided to walk **as far as** the village.

ما تصمیم گرفتیم تا روستا پیاده بریم. (قبل از قید مکان اومده).

نکته ۸۲

تفاوت

➔ **eldest**

➔ **oldest**

خب، **eldest** فقط طوطی برای اشخاصه، مربوط به اعضای خانواده، بیشتر هم توی بریتیش کاربرد داره.

هر وقت صحبت از مقایسه‌ی یک نفر با چند نفر باشه، از **eldest** استفاده میکنیم.

مثال:

➡ My **eldest** daughter is 17.

بزرگترین دخترم هفده سالشه.

اما از **oldest** هم میتونیم برای اشخاص استفاده کنیم هم برای اشیا و حیوانات.

از **oldest** برای مقایسه یه چیز با چند چیز یا یه نفر با چند نفر استفاده میشه. قبل از **oldest** باید از **the** استفاده کنیم.

➡ Nijmegen is **the oldest** city in the Netherlands.

نیميخن قدیمی ترین شهر کشور هلند است. (مقایسه یه شهر با چند شهر)

نکته ۸۳

دقت کنین که بعد از **unless** از جمله ی مثبت استفاده میکنیم.

➡ You'll be sick **unless** you stop eating.

تو مریض میشی مگه اینکه غذا خوردن رو متوقف کنی.

حالا همین جمله رو اگه بخوایم با **if** بگیم، باید بعد از **if** از جمله ی منفی استفاده کنیم.

➡ You will be sick **if** you don't stop eating.

مریض میشی اگه غذا خوردن رو متوقف نکنی. (همون شرطی نوع اوله)
یه مثال دیگه:

➡ I can't do that **unless** I have Akbar's help.

من نمیتونم انجامش بدم مگه اینکه کمک اکبرو داشته باشم. (بدون حمایت و پشتیبانی اکبر آقا نمیتونم).
حالا همین جمله با **if** :

➡ I can't do that **if** I don't have Akbar's help.

من نمیتونم انجامش بدم اگه کمک اکبرو نداشته باشم.

نکته ۸۴

اگه بعد از کلمات پرسشی، از **ever** استفاده کنیم، نشون دهنده‌ی تعجبیه. یعنی سؤالمونو با تعجب میپرسیم.
مثلاً:
این سؤال عادیه:

➔ What are you doing?

داری چیکار میکنی؟
حالا اگه **ever** رو بیارم:

➔ What **ever** are you doing?

اصن معلومه داری چیکار میکنی؟ (با یه حالت تعجب سؤال رو میپرسه).
حالا اگه بعد از کلمات پرسشی، از **the hell** یا **on earth** استفاده کنیم، شدت تعجبمون خیلیییی میره بالاتر و با عصبانیت همراه میشه.

➔ What **the hell** are you doing?

داری چه غلطی میکنی؟

➔ Who **on earth** are you talking to?

داری با کدوم احمقی حرف میزنی؟

نکته ۸۵

بریم برای یه نکته‌ی ساده ولی بشدت کاربردی!
حواست به ترتیب قیود مکان و زمان باشه.
اول قید مکان رو میاریم بعد قید زمان.
اول قید کوچولو رو میاریم و بعد قید بزرگ رو!!!
مثلاً بین دو قید مکان خونه و شهر، خونه کوچک‌تره، پس اول خونه رو میاریم و بعد شهر.

مثلاً بین ساعت ۸ و هر روز، ساعت ۸ به بازه‌ی زمانی کوچک‌تری اشاره داره، پس اول ساعت رو میاریم و بعد روز رو.

بریم مثال بزنیم:

➡ I usually eat my lunch at home at 2 p.m.

اول: قید مکان

دوم: قید زمان

➡ My sister goes to park every day.

اول: قید مکان

دوم: قید زمان

➡ My brother goes to the class in that building everyday.

اول: قید مکان کوچولو، یعنی کلاس

دوم: قید مکان بزرگ، یعنی ساختمان

سوم: قید زمان

➡ She goes to school in Isfahan at 8 a.m. everyday.

اول: قید مکان کوچولو

دوم: قید مکان بزرگ

سوم: قید زمان کوچولو

چهارم: قید زمان بزرگ

نکته ۸۶

بریم خیلییییی راحت و ساده ببینیم تفاوت

➡ few

➡ a few

➡ the few

چیه و برای همیشه دیگه با این سه عزیز مشکلی نداشته باشیم.

دقت کنین که **few** یعنی نه به اندازه‌ی کافی و مفهوم منفی داره. ولی **a few** یعنی چندتا، یعنی به اندازه‌ی کافی و مفهوم مثبت داره. و **the few** یعنی نه زیاد ولی تموم اون چیزی که هست. یه مثال بزنم براتون:

➡ I have **few** good books.

یعنی من به اندازه کافی کتاب خوب ندارم. این خوب نیست، مفهوم جمله منفیه، اونقدری که باید کتاب خوب داشته باشم ندارم.

➡ I have **a few** good books.

من چندتا کتاب خوب دارم. زیاد نیستن ولی خب چندتا کتاب خوب دارم شکر خدا. مفهوم جمله مثبت.

➡ **The few** books I have are great.

اینجا منظور اینه که کتاب‌های زیادی ندارم ولی همونایی هم که دارم همشووووووووون عالی ان آقا، عاااااالی.

نکته ۸۷

بریم یه نکته در مورد **some** عزیز (سام عزیز) یاد بگیریم.

آقااا ایشون میتونه توی سؤال هم بیاد.

به شرطی که:

یک: سؤالمون همراه با خواهش و درخواست باشه.

➡ Could you please give him some water?

میشه لطفاً مقداری آب بهش بدید؟ (سؤال همراه خواهش و درخواست).
دو: وقتی انتظار جواب مثبت از طرفمون داشته باشیم، بهتررررررره از **some** استفاده کنیم.

مثلاً طرف داره میره لوازم التحریری خرید کنه، میگی:

➡ Would you please buy me some papers?

میشه لطفاً چندتا کاغذ برام بخری؟

داره میره برای خودش کاغذ و خودکار بخره، تو هم ازش درخواست میکنی و انتظار داری بگه باشه چشم برات میخرم.

(البته مورد داشتیم گفته به من چه، مگه من نوکرتم، پاشو برو خودت بخر، که حالا این موارد استثناس.)

نکته ۸۸

چجوری بگیم، جبران میکنم؟

قطعاً توی زندگیتون زمانی بوده که خواستین یه چیزی رو برای کسی جبران کنین.

برای گفتن این جمله، میتونین از ساختار زیر استفاده کنین.

➡ (to) make it up to someone

مثلاً:

➡ I'll make it up to you.

برات جبران میکنم.

➡ How can I make it up to you?

چجوری میتونم برات جبران کنم؟

➡ I can make it up to you.

من میتونم برات جبران کنم.

➡ Is there anything I can do to make it up to you?

کاری هست که بتونم برای جبران انجام بدم؟

نکته ۸۹

بریم ببینیم

➔ any

➔ no

چه تفاوتی توی کاربرد دارن.

اگه فعل کمکی منفی توی جمله داشتیم، از any استفاده میکنیم.

کجا؟ قبل از اسممم!

مثلاً با فعل have:

➔ He doesn't have any ...

➔ She doesn't have any ...

➔ I don't have any ...

➔ They didn't have any ...

اگه فعل کمکی منفی توی جمله نبود و جمله مثبت بود، از no استفاده میکنیم.

➔ I have no ...

➔ He has no ...

➔ She has no ...

➔ They have no ...

در حقیقت این no ریزه میزه خودش جمله رو منفی میکنه.

معنی جفتشونم یکیه.

نکته ۹۰

برای اینکه به کسی امر کنیم، شکل ساده فعل رو میاریم اول جمله، همین!

➔ **Call** your mother.

به مامانت زنگ بزن.

حالا همینو بخوایم به کم مؤدبانه‌تر بگیم، از please استفاده میکنیم:

➔ Please **call** your mother.

➔ **Call** your mother, please.

لطفاً! به مامانت زنگ بزن.

حالا!!!! برای خیلییی مؤدبانه‌تر شدن درخواستمون، میتونیم از سه الگوی زیر استفاده کنیم:

➔ **Could you please** call your mother?

➔ **Would you please** call your mother?

➔ **Will you please** call your mother?

میشه لطفاً به مامانت زنگ بزنی؟

نکته ۹۱

چجوری جمله‌ی امری رو منفی کنیم؟

یه Don't میاریم اول جمله مون، قبل از فعل اصلیمون.

➔ **Don't** close the window.

حالا اگه بخوایم مؤدبانه‌تر بگیم، یکی از راه‌هاش استفاده از قالب‌هایی هست که توی نکته‌ی قبلی گفتم.

یعنی استفاده از:

Would you please ...?

Will you please ...?

Could you please ...?

دقت کن برای درخواست مؤدبانه، الگوهای دیگری هم هست، اینا فقط سه الگوی رایجه!

خب، حالا نکته اینجاست، وقتی این سه عزیز توی جمله باشن، نمیتونیم با don't جمله رو منفی کنیم. یعنی نمیتونیم بگیم:

➔ Would you please ~~don't~~ open the window?

توی این حالت از **not** استفاده میکنیم، قبل از فعل ساده و اصلیمون، یعنی:

➔ Would you please **NOT** open the window?

میشه لطفاً پنجره رو باز نکنی؟

حالا اگه بخوای بگی، پنجره رو باز نکنیا!!!!!!

کافیه بعد از **Don't** از **you** استفاده کنی.

➔ **Don't YOU** open the window.



نکته ۹۲



کاربرد

➔ **It's time**

یعنی وقتشه ...

➔ **It's time to do something.**

وقتشه فلان کارو انجام بدیم.

مثلاً:

➔ **It's time to learn English.**

وقتشه زبان یاد بگیریم.

حالا نکته‌ی خوشگل اینجاست!

وقتی بخوایم به کسی بگیم که وقتشه فلان کارو انجام بدی، یه کم ساختار فرق میکنه.

توی این حالت بهتره از فعل گذشته استفاده کنیم، یعنی:

➔ **It's time someone did something.**

مثلاً میخوایم بگیم وقتشه زبان یاد بگیری، خب

➔ **It's time**

حالا داری به طرف مقابلت میگی دیگه، پس:

➡ It's time you

و حالا یادگیری زبان رو به صورت گذشته میگی:

➡ It's time you **learned** English.

نکته ۹۳

قسمت اول کاربرد

➡ **would rather**

برای این که بتونم قسمت دوم که سطحش بالاتره رو بگم، نیاز به قسمت اول رو بلد باشم.

ایشون یعنی ترجیح دادن و بعدش مصدر بدون to استفاده میشه. دقت کنین که شکل کوتاهش یعنی **d rather** خیلی رایج تره! بریم چندتا مثال بزنیم.

➡ **I'd rather have a quiet night in front of the TV.**

ترجیح میدم یه شب آرام جلوی تلویزیون داشته باشم.
مثال بعدی مکالمه‌ی بین مهران و اکبره.

➡ Mehran: I think you'd better ask her.

مهران: فکر کنم بهتره ازش بپرسی. (از سکینه)

➡ Akbar: **I'd rather not** (=I do not want to)

اکبر: نمیخوام. (ترجیح میدم اینکارو نکنم).
دقت کن میگیریم:

➡ **would rather do something**

➡ **They'd rather wait and see what happens.**

اونا ترجیح میدن منتظر بمونن و ببینن چه اتفاقی میوفته.

نمیگیریم:

➔ would rather ~~doing~~ something

➔ would rather ~~to do~~ something

یعنی بعدش فعل ing دار نیاریا!

بعدش مصدر با to نیاریا!!!

برای فاعل‌های مختلف هم ساختار همینه:

➔ She **would rather** do something.

➔ He **would rather** do something.

➔ We **would rather** do something.

برای منفی کردنش هم کافیه از not بعد از rather استفاده کنیم.

I'd **rather not** stay here.

ترجیح میدم اینجا نمونه.

نکته ۹۴

قسمت دوم کاربرد

➔ **would rather**

توی نکته‌ی قبلی یاد گرفتیم چجوری بگیم ترجیح میدم فلان کارو انجام بدم یا فلان کارو انجام ندم.

حالا میخوایم بگیم ترجیح میدیم فلانی فلان کارو انجام بده یا انجام نده.

توی این حالت فعل گذشته میاریم ولییییی منظورمون، انجام دادن یا ندادن اون کار، در زمان حال یا آینده‌س.

➔ **I would rather someone did something.**

مثلاً میخوام بگم ترجیح میدم تو باهاش حرف بزنی:

➔ I would rather

داری به طرف مقابل میگی دیگه، پس:

➔ I would rather you

حالا باهاش حرف بزنی رو به صورت گذشته میاری:

➔ I would rather you **talked** to her/him.

برای منفی کردنش از جناب **didn't** استفاده میکنیم.

مثلاً میخوای بگی ترجیح میدم تو باهاش حرف نزنی:

➔ I would rather you

حالا از **didn't** استفاده میکنیم:

➔ I would rather you **didn't talk** to her/him.

نکته ۹۵

میخوام بگم بعد از اینکه زبان خوند، رفت خرید.

خب اول کدوم انجام شده؟ زبان خوندن، قسمت سوم فعل مطالعه کردن چیه؟ **studied** پس میگم:

➔ **Having studied English,**

بعدش چیکار کرد؟ رفت خرید. خب اینو راحت به صورت گذشته میگم. یعنی:

➔ **Having studied English, he went shopping.**

بعد از اینکه زبان خوند، رفت خرید.

دو عمل که دومی بلافاصله بعد از اولی انجام شده.

مثال بعدی:

➔ **Having called his mother, he went to bed.**

بعد از اینکه به مامانش زنگ زد، رفت خوابید.

➔ **Having had lunch, they washed the dishes.**

بعد از اینکه ناهار خوردن، ظرفارو شستن.

➔ **Having got to work, he went to the bathroom.**

بعد از اینکه رسید سرکار، رفت دستشویی.

پس دقتت کن بعد از **Having** باید از پی پی استفاده کنی! یعنی از قسمت سوم فعللعلل.

نکته ۹۶

عزیز جان! دقت کن **s** مالکیت معمولاً **for** برای اشیاء بکار نمیره!
اینجور وقتا بهتره از **of** استفاده کنیم.
مثلاً:

میخوام بگم درِ خونه.
همونطور که میدونین، در شی هست و جان ندارد. برای مالکیت اینجور
موارد بهتره از **of** استفاده کنیم. پس میشه:

➔ the door **of** the house

مثلاً دستگیره‌ی در:

➔ the handle **of** the door

حالا چرا هم قبل از خونه **the** داریم هم قبل از **door**?
چون جفتشون مشخص، معرفه هستن. برای شنونده مشخصه که از کدوم
در و از کدوم خونه حرف میزنیم. قبل از اسامی معرفه و مشخص، باید از
the استفاده کرد.

نکته ۹۷

وقتی بخوایم به یکی پیشنهاد بدیم که بهتره فلان کار رو انجام بده، چون
کار بهتر، مفیدتر و جالبتری غیر از اون کار برای انجام نیست، میتونیم از

➔ **may as well**

➔ **might as well**

استفاده کنیم.
مثلاً:

➔ **We may as well watch TV.**

بهتره ما تلویزیون ببینیم.

چرا؟ چون کارِ بهتری وجود ندارد. این بهترین کاریه که میشه انجام داد.

➡ There's nobody interesting to talk to. We **may as well** go home.

اینجا آدم جالبی برای صحبت کردن وجود ندارد. بهتره بریم خونه.

➡ Shall we go and see Akbar? "Ok, **might as well**."

بریم اکبر رو ببینیم؟ "بهتره این کار رو انجام بدیم."

نکته ۹۸

میدونیم که

➡ **go on**

یعنی ادامه دادن.

خب، اصولاً "فقط" بهمون میگن بعد از این بزرگوار فعل به صورت ing دار میاد.

➡ **go on doing something**

یعنی ادامه دادن اون کاری که به صورت ing دار اومده.
مثلاً:

➡ He **went on working** until he was 91.

تا ۹۱ سالگی کار کردن رو ادامه داد.

خب گذشته‌ی go on میشه went on. بعدش هم فعلمون یعنی work با ing اومده.

یعنی کار کردن رو ادامه داد.

اما بعد از این عزیز، میتونیم مصدر با to هم بیاریم.

یعنی میتونیم بگیم:

➡ **go on to do something**

یعنی انجام دادن یه کاری بعد از تموم کردن یه کار دیگه.

مثلاً:

➔ She went on to become a successful doctor.

یعنی مثلاً بعد از این که درس خوندن رو تموم کرد، رفت برای این که یه دکتر موفق بشه.

درس خوندن رو تموم کرد، حالا کار کردن و کسب تجربه رو شروع کرد.

➔ He went on to win the final.

رفت برای بردن فینال. (طرف مسابقه نیمه نهایی رو برد و رفتتت برای فینال).



نکته ۹۹



تفاوت

➔ **take long**

➔ **take a long time**

از **take long** در جملات سؤالی و منفی استفاده میکنیم.
مثلاً:

➔ How long does it take to get to Tehran by train?

➔ It doesn't **take** very **long**.

کلاً این الگوی کاربردی رو یادتون باشه:

➔ **How long does it take to do something?**

وقتی بخوای بررسی انجام فلان کار چقدر طول میکشه؟

از **take a long time** در جملات مثبتت استفاده میکنیم.

➔ It might **take a long time** to get there.

پس حواست باشه اشتباه نکنی:

➔ I think it will ~~take long~~ to improve my English.

جمله مثبته دیگه، پس باید بگی:

➔ I think it will **take a long time** to improve my English.

از این به بعد همیشه کنارتم،
راه‌های ارتباطی با من



Soheyl_english



Soheyl_english



www.soheylenglish.com



091 091 091 45

نکته ۱۰۰

بگیم 5-minute یا 5 minutes

زمانی که week, hour, minute و ... نقششون صفت باشه، جمع بسته نمیشن و باید بعدش اسم بیاریم.
مثلاً:

It's a 5- minute presentation.

این یه ارائه‌ی پنج دقیقه‌ایه.

It's a 2-hour exam.

این یه امتحانِ دو ساعته‌س.

It's a 4-week holiday.

این یه تعطیلاتِ چهار هفته‌ایه.
اما اگه اسم باشن، جمع بسته میشن.
مثلاً:

It takes 5 hours to get there.

رسیدن به اونجا پنج ساعت طول میکشه.

The journey takes 2 hours.

سفر دو ساعت طول میکشه.

I'm going on holiday for 4 weeks.

من برای چهار هفته میرم تعطیلات.

نکته ۱۰۱

وقتی صحبت از قول دادن باشه، حواست باشه که اغلب از این الگو استفاده میشه.
در حقیقت این نکته، یکی از کاربردهای Will هست.

➡ I promise I will do something.

قول میدم فلان کارو انجام بدم.

منفی‌ش هم که همیشه:

➔ **I promise I won't do something.**

قول میدم فلان کارو انجام ندم.
حواست باشه، توی قسمت دوم، از آینده ساده استفاده میکنیم.
مثلاً:

➔ **I promise I'll save money this year.**

قول میدم امسال پول پس‌انداز کنم.
اشتباهه بگم:

➔ **I promise I ~~save money~~ this year.**

نکته ۱۰۲

میخواین بگین، همیشه دلم میخواست فلان کار رو انجام بدم. الگو به این صورته:

➔ **I've always wanted to do something.**

از زمان حال کامل استفاده میکنیم.
مثلاً:

I've always wanted to go to Paris.

همیشه دلم میخواست برم پاریس.

I've always wanted to be able to speak Japanese.

همیشه دلم میخواست بتونم ژاپنی حرف بزنم.

نکته ۱۰۳

وقتی میخوای بگی فلان چیزمو فلاان جا، جا گذاشتم باید از

➡ **I've left + چیزمو** فلان چیزمو

استفاده کنی.

یعنی وقتی صحبت از اون مکانی باشه که شما فلان چیزتونو اونجا جا گذاشتین، از ایشون استفاده میشه.
مثلاً کتابمو مدرسه جا گذاشتم:

➡ **I've left my book at school.**

اشتباهه بگم:

➡ ~~I've forgotten my book at school.~~

حالا اگه بخوای بگی یادم رفت فلان چیزو بیارم، از

➡ **I've forgotten to bring + چیزمو** فلان چیزمو

استفاده کن.

مثلاً:

➡ **I've forgotten to bring my shirt.**

یادم رفت پیراهنمو بیارم.

نکته ۱۰۴

بریم ببینیم تفاوت

➡ **have been in**

➡ **have been to**

➡ **have gone to**

چیه و برای همیشه اینارو یاد بگیریممممم!

وقتی صحبت از زندگی کردن یا موندن در جایی باشه از

➡ **have been in**

استفاده میکنیم.

How long have you **been in** London?

چه مدتی لندن بودی؟

ولی

➡ **have been to**

یعنی بری یه جایی و برگردی. یعنی دیگه اونجا نیستی.

She's **been to** the hospital for a check-up.

اون برای چک آپ بیمارستان بوده. (طرف رفته و برگشته، دیگه اونجا نیست).

➡ **have gone to**

یعنی بری یه جایی و برنگردی. (هنوز اونجایی)

Mark's not here. He's **gone to** the shop.

مارک اینجا نیست. رفته فروشگاه. (طرف رفته و هنوز برنگشته).

نکته ۱۰۵

تفاوت

➡ **made of**

➡ **made from**

وقتی ذرات سازنده‌ی یه چیزی رو میتونین با چشم ببینید، یعنی در حقیقت اون ذرات سازنده تغییر نکردن و قابل تشخیص هستن، از **made of** استفاده میکنیم.

ولی زمانی که ذرات سازنده یه چیزی به طور کلی تغییر میکنن تا اون چیز جدید به وجود بیاد، جوری که دیگه به راحتی قابل تشخیص نباشن، از **made from** استفاده میکنیم.

بریم برای دوتا مثال!

➡ Steel is **made from** iron.

فولاد از آهن ساخته شده.

شما وقتی به فولاد نگاه میکنین، نمیتونین آهن هاشو تشخیص بدید که! آهن و یه سری مواد دیگه به صورت شیمیایی طی یه سری عملیات با هم ترکیب میشن و فولاد به وجود میاد.

➡ Their dining table is **made of** oak.

میز غذاخوریشون از چوب بلوط ساخته شده.

شما چوب بلوط رو با چشم‌های قشنگت میتونی ببینی!

بازم مثال میزنم، تحلیلش با خودتون!

- The table is **made of** wood.
- The ring was **made of** solid gold.
- The drink is **made from** cherries.
- Cheese is **made from** milk.

نکته ۱۰۶

وقتی بخوایم کسی رو به انجام کاری ترغیب کنیم، یا به کسی دستور بدیم کاری رو انجام بده، میتونیم از این دو الگو استفاده کنیم:

➡ **Have somebody doing something**

➡ **Have somebody do something**

دومی بیشتر توی بریتیش کاربرد داره.

اون کسی که ترغیب میشه یا مجبور به انجام کاری میشه جای somebody میاد.

مثلاً میخوام بگم دوستم منو مجبور کرد که همه نوع کاری براش بکنم.

خب، دوستم میشه چی؟

➔ My friend

منو مجبور کرد، اول این که گذشته س، یعنی have to میشه had to و
مفعول جمله میشه me.

➔ My friend had me

که همه نوع کاری براش بکنم:

➔ My friend had me doing all kinds of jobs for her.

یا مثلاً:

➔ I'll have Akbar show you to your room.

من از اکبر میخوام که اتاقتونو بهتون نشون بده. (باهاتون بیاد و راهنماییتون
کنه.)

یه حالت دیگه هم داریم:

➔ Have something doing something

وقتی صحبت از انجام یه کاری روی یه چیزی باشه، از این الگو استفاده میکنیم.
دقت کن، اون چیزه میشه مفعولمون!
مثلاً:

➔ I'll have the room cleaning tomorrow.

من فردا اتاقو تمیز میکنم.

توی این حالت، حالت ing دار فعل رایجه!

نکته ۱۰۷

یه الگوی بشدت کاربردی با have

➔ have + P.P. + مفعول

وقتی میخواین بگین، یه چیزی رو میبرید یه جایی تا یه کاری روش انجام
بدن، میتونین از این ساختار استفاده کنین.

دقت کن، خودت شخصاً کار رو انجام نمیدی، کار رو یکی دیگه برات انجام
میده.

مثلاً:

➔ I **have** the house cleaned.

خونه رو میدم تمیز کنن. (زمان حال)

➔ I **have** my car fixed.

ماشینمو میدم تعمیر کنن. (زمان حال)

➔ I **had** my car fixed.

ماشینمو دادم تعمیر کنن. (زمان گذشته)

➔ I'm **going to have** my car fixed.

قراره ماشینمو بدم تعمیر کنن. (زمان آینده قصدی)

یا مثلاً، ماشینم مدتی هست که خرابه و دوستم از من میپرسه:

➔ Why don't you have your car fixed?

چرا نمیدی ماشینتو تعمیر کنن؟

نکته ۱۰۸

میخوایم کاربرد

➔ a number of

➔ the number of

➔ amount of

رو بررسی کنیم.

➔ a number of

بعد از این بزرگوار اسم جمع قابل شمارش میاد.

بعدش از فعل جمع استفاده میکنیم.

یعنی: تعدادی، چندتا

➔ **A number of students were** late for class.

تعدادی از دانش‌آموزان برای کلاس دیر کردن.

➔ **The number of**

بعد از این بزرگوار هم، اسم جمع قابل شمارش میاد.

ولیییییی فعلِ بعدش باااید مفرد باشه.

یعنی: تعدادِ

➔ **The number of students in the class is** fifteen.

تعدادِ دانش‌آموزان توی کلاس پونزه تاس. (بلهههه پونزه، نه پالاانزده)

➔ **amount of**

بعد از ایشون اسم غیررر قابل شمارش میاد.

یعنی: مقدارِ

an amount of time

an amount of water

an amount of strength

an optimal amount of sunlight

مثال:

Tom borrowed a large **amount of** money from Mary.

تام مقدارِ زیادی پول از مری قرض گرفت.

We have a huge **amount of** food.

ما مقدارِ زیادی غذا خوردیم.

نکته ۱۰۹

کاربرد

➔ **turn back**

➔ **go back**

➔ **come back**

زمانی از **turn back** استفاده میکنیم که از مبداء حرکت میکنیم به سمت مقصد، اما نیمه‌ی راه برمیگردیم.
مثلاً:

We're lost - we'll have to **turn back**.

ما گم شدیم، ما باید برگردیم.

زمانی از **go back** استفاده میکنیم که از جایی که هستیم بریم به جایی که قبلاً بودیم.

مثلاً: سر کار هستین و وقتی کارتون تموم بشه، برمیگردین خونه.

I am at work now. Tonight, I will **go back** home.

یه مثال دیگه:

I love Spain. I hope to **go back** next year.

من عاشق اسپانیا هستم. امیدوارم سال آینده برگردم. (یعنی من قبلاً اسپانیا رفتم و میخوام که دوباره سال آینده برم اسپانیا.)

زمانی از **come back** استفاده میکنیم که از جایی که هستیم بریم به جای دیگه و دوباره برگردیم به جایی که هستیم.

مثلاً: الان سر کار هستین، بعدش میرین خونه و فردا قراره دوباره بیاین سر کار.

I am at work now. Tomorrow, I will **come back** here.

یه مثال دیگه:

I love Spain. I hope to **come back** next year.

من عاشق اسپانیا هستم. امیدوارم سال آینده برگردم. (من الان اسپانیا هستم و میخوام که دوباره سال آینده بیام اسپانیا.)

نکته ۱۱۰

کاربرد

➔ **doesn't matter**

➔ **don't mind**

don't mind زمانی استفاده میشه که، در مورد چیزی که ازمون سؤال میشه هیچ ترجیحی نداریم و شاید گاهی خوشحال بشیم.
مثلاً:

A: Do you mind opening the window?

اشکالی نداره پنجره رو باز کنم؟

B: No, I **don't mind**.

نه، اشکالی نداره. (ترجیح نمیدین که پنجره بسته باشه).
از **doesn't matter** زمانی استفاده میکنیم که، اون چیزی که ازمون سؤال میشه برامون اهمیت نداره.
مثلاً:

A: Do you want tea or coffee?

چای میخوای یا قهوه؟

B: It **doesn't matter**.

مهم نیست. (فرقی نمیکنه، کدومو بیاری).
حالا یه زمانی هست که سؤالمون جوریه که میتونیم هر دو جواب رو بدیم.
مثلاً:

Do you want chicken for dinner?

I don't mind./ It doesn't matter (to me).

نکته ۱۱۱

تفاوت **what** و **which**

زمانی که با **what** سؤال می‌پرسیم، جواب‌های طرف مقابل نامحدوده، هرچی دلش بخواد میتونه جواب بده.

ولی وقتی با **Which** سؤال می‌پرسیم، دیگه طرف توی جواب دادن دستش باز نیست، گزینه‌هاش محدوده.

پس موقع سؤال پرسیدن دقت کنین جان من!

➡ **Which** do you prefer, bread or rice?

کدومو ترجیح میدی، نون یا برنج؟ (طرف باید بین نون و برنج انتخاب کنه.)

➡ **Which** is more interesting, watching sports or playing sports?

کدوم جالب‌تره، ورزش دیدن یا ورزش کردن؟ (طرف باید بین این دوتا انتخاب کنه و جواب بده.)

➡ **What** do you want?

چی میخوای؟ (هرچی دلش بخواد میتونه بگه.)

➡ **What** do you suggest?

چی پیشنهاد میدی؟ (میتونه نامحدود پیشنهاد بده.)

نکته ۱۱۲

بریم چند نکته در مورد **Double Negatives** یاد بگیریم.

➡ **Double negatives**

یه دابل نِگِتیو توی یه عبارت، از دو کلمه‌ی منفی استفاده میکنه تا یه نظر منفی رو بیان کنه.

مثلاً:

➔ We didn't see nothing.

ما هیچی ندیدیم.

➔ She never danced with nobody.

اون با هیشکی نرقصید.

توی زبان انگلیسی قوانین جوریه که دو پارامتر منفی همدیگر رو خنثی میکنن و در نتیجه یه عبارت مثبت رو بیان میکنن.
پس عبارتِ

➔ I don't know nothing.

میتونه تعبیرش این باشه که من یه چیزی میدونم.
شما میخواستی بگی من چیزی نمیدونم، اما دو کلمه‌ی منفی رو کنار هم آوردی و تعبیر مثبت ایجاد کردی.
دابل نگیوها توی خیلی از زبان‌های دیگه استاندارد، مثل زبان خودمون. همچنین تا بعد از قرن شانزدهم هم قسمت کاربردی ای از زبان انگلیسی بوده و استفاده میشده. (منبع خبر: دیکشنری آکسفورد)
هنوز هم توی بعضی گویش‌های محلی به طور وسیعی استفاده میشه.
اما توی انگلیسی استاندارد حال حاضر، مورد قبول نیست و باید توی تمام موقعیت‌ها حواستون باشه ازشون استفاده نکنین.
البتهههه توی موقعیت‌های خیلییی غیررسمی و محاوره، توی آهنگ‌ها، تبلیغات، ازش استفاده میشه.
بریم چندتا مثال دیگه ببینیم.

➔ I can't find my keys nowhere.

➔ She never goes with nobody.

➔ He wasn't irresponsible about his duties.

اینجا it منفی سازه.

➔ I hardly have no money.

تماًم موارد بالا برخلاف ظاهر کاملاً منفیشون، میتونن معنا و مفهوم مثبت داشته باشن.

نکته ۱۱۳

کاربرد

➔ If so

➔ If not

بعد از if ما میتونیم به جای تکرار کل یه عبارت از so و not استفاده کنیم.
یعنی چی؟!

➔ Are you free? If you are free, let's go out for lunch.

اینو میتونیم اینجوری بگیم:

➔ Are you free? **If so**, let's go out for a lunch.

یا مثلاً:

➔ I might see you tomorrow, if I don't see you tomorrow,
then it will be Saturday.

اینو میتونیم اینجوری بگیم:

➔ I might see you tomorrow, **if not**, then it will be Saturday.

کدومش قشنگتره؟!

نکته ۱۱۴

یه نکته در مورد **too**

جمله‌ی زیر رو ببینید:

➔ The food was very hot. We couldn't eat it.

غذا خیلی داغ بود. ما نتونستیم بخوریمش.

جمله‌ی بعدی رو هم ببینید:

➔ The food was so hot that we couldn't eat it.

غذا اونقدر داغ بود که ما نتونستیم بخوریمش.

حالا میخوام از **too** استفاده کنم. توی این حالت دیگه نیاز نیست اون **it** آخر رو بیارم.

➔ The food was **too** hot to eat.

غذا برای خوردن خیلی داغ بود.

نباید بگم:

➔ The food was **too** hot to eat **it**.

پس اگه توی اینجور جملات از **too** استفاده کردیم، دیگه نیازی نیست در ادامه‌ی جمله از ضمیر استفاده کنیم.

➔ These boxes are **too** heavy to carry.

این جعبه‌ها برای حمل کردن خیلی سنیگن.

➔ These boxes are too heavy to carry **them**.

➔ The wallet was too big to put in my pocket.

کیف برای گذاشتن توی جیبم خیلی بزرگ بود.

➔ The wallet was **too** big to put **it** in my pocket.

نکته ۱۱۵

تفاوت **if** و **whether**

بریم ببینیم فرق این دو تا، وقتی که میخوایم یه گزارش از یه مصاحبه یا یه سخنرانی بنویسیم، چیه.

زمانی از **if** استفاده میکنیم که بخوایم در مورد سؤالاتی بگیم که جوابشون آره یا نه هستش.

مثلاً:

Akbar says to Sekineh: Do you like the cinema?

جواب این سؤال یا آره است یا نه.

پس توی گزارشمون مینویسیم:

Akbar asked Sekineh **if** she liked the cinema.

یه مثال دیگه:

Akbar asked Sekineh: Did you eat dinner today?

جواب این سؤال یا آره است یا نه.

پس توی گزارشمون مینویسیم:

Akbar asked Sekineh **if** she had eaten dinner that day.

یه مثال دیگه:

Akbar said to Sekineh: Will you go this evening?

جواب این سؤال یا آره است یا نه.

پس توی گزارشمون مینویسیم:

Akbar asked Sekineh **if** she would go that evening.

زمانی از **whether** استفاده میکنیم که بخوایم در مورد سؤالاتی بگیم که

جوابشون آره یا نه نیست.

مثلاً:

Akbar said to Sekineh: Do you like the beach or the mountains?

جواب این سؤال آره یا نه نیست.

پس توی گزارشمون مینویسیم:

Akbar asked to Sekineh **whether** she liked the beach or the mountains.

یه مثال دیگه:

Akbar said to Sekineh: Do you like tea or coffee?

جواب این سؤال آره یا نه نیست.

پس توی گزارشمون مینویسیم:

Akbar asked Sekineh **whether** she liked tea or coffee.

نکته ۱۱۶

کاربرد

➔ If ... then

ما گاهی وقتاً از ساختار if ... then استفاده میکنیم تا تأکید کنیم یه چیزی به یه چیزی دیگه بستگی داره.

یعنی چی؟! مثال‌هارو ببین:

➔ If she can't come to us, then we'll have to go and see her.

اگه اون نمیتونه بیاد پیش ما، خب پس ما مجبوریم بریم ببینیمش.

➔ If you don't try hard, then you won't pass your exam.

اگه سخت تلاش نکنی، خب پس امتحانتو پاس نمیکنی.

نکته ۱۱۷

گاهی میتونیم از if به جای even if هم استفاده کنیم.

مثال رو ببینید:

➔ I'll finish this job if it takes all night.

اینجا به این معنی نیست که اگه این کار تمام‌ام شب طول بکشه من انجامش میدم.

یعنی من اینکارو انجام میدم حتی اگه تمام شب طول بکشه.

➔ I wouldn't marry you if you were the last man in the world.

یعنی چی؟! یعنی اگه تو آخرین مرد روی زمین بودی باهات ازدواج نمیکردم! یعنی اگه یکی مونده به آخری بودی باهات ازدواج میکردم؟! نه، میگه حتی اگه تو آخرین مرد روی زمین بودی باهات ازدواج نمیکردم.

نکته ۱۱۸

تفاوت

➡ too ...

➡ not ... enough

خب بریم تفاوت اینارو با مثال یاد بگیریم:

➡ You never stop working. You work **too** hard.

میگه تو هیچ وقت از کار کردن دست نمیکشی. خیلییییی سخت کار میکنی.

اینجا منظور اینه که از حدی که لازمه داری بیشتر کار میکنی. بار معنایی جمله منفیه!

اما

➡ You're lazy. You **don't** work hard **enough**.

تو تنبلی. به اندازه‌ی کافی سخت کار نمیکنی.

اینجا منظور اینه که از حدی که لازمه و نیازه داری کمتر کار میکنی، تلاشت کافی نیست.

نکته ۱۱۹

➡ quite / pretty / rather / fairly

ما از اینا میتونیم قبل از صفت و قید استفاده کنیم.

معنی اینا یعنی از much کمتر ولی از a little بیشتر.

➡ I'm surprised you haven't heard of her. She's **quite** famous.

از اینکه در موردش نشنیدی سورپرایز شدم. اون کلی معروفه.

quite و **pretty** به لحاظ معنایی شبیه هستند ولی **pretty** غیررسمیه و بیشتر توی محاوره استفاده میشه!
نکته‌ی دیگه اینه که **quite** قبل از **a/an** میاد.
یعنی نمیتونیم بگیم:

We live in ~~a quite~~ old house.

میگیم:

→ We live in **quite an** old house.

ما توی یه خونه قدیمی زندگی میکنیم. (خیلییی قدیمی نیست ولی خوب جدید هم نیست).
اگه بخوایم با **pretty** بگیم:

→ We live in a **pretty** old house.

نکته ۱۲۰

→ **Why + bare infinitive**

یعنی بعد از **why** مصدر بدون **to** بیاریم.

چه کاربردی داره؟!

مثلاً فروشنده هستی و میخوای مخ مشتریو بزنی. قیمت‌هات هم خدایی کمتر از جاهای دیگه س. میخوای بگی چرا جاهای دیگه پول بیشتر بدی؟!
ما کمترین قیمت‌هارو داریم. یعنی داری میگی پول دادن توی یه فروشگاه دیگه یه کار بیهوده س، نیاز نیست اینکارو بکنی.
هر وقت بخوایم بگیم که انجام یه کاری نیاز نیست یا انجامش بیهوده س، میتونیم از این الگو استفاده کنیم.

→ **Why pay more at other shops? We have the lowest prices.**

→ **Why stand up if you can sit down?**

اگه میتونی بشینی چرا وایسی؟! (وقتی میتونی بشینی خوب ایستادن یه کار بی‌فایده س.)

➔ **Why argue** with him? He'll never change his mind.

چرا باهاش بحث کنی؟ اون هیچ وقت نظرشو عوض نمیکنه.
نمیگیم:

Why arguing ...?

Why to argue ...?

نکته ۱۲۱

➔ **Why not + bare infinitive**

از این الگو برای پیشنهاد دادن استفاده میشه.

➔ **Why not give** her some flowers?

چرا بهش چندتا گل ندی؟

➔ **Why not go** and see Sekineh?

چرا نری و سکینه رو ببینی؟

➔ You're looking tired. **Why not take a break**?

خسته بنظر میای. چرا استراحت نکنی؟

نکته ۱۲۲

تفاوت **during** و **while**

هر دو معنی یکسان دارند اما گرامرشون متفاوته.

زمانی ازشون استفاده میکنیم که یه رویداد کوتاه مدت، همزمان با یه رویداد طولانی تر اتفاق میوفته.

during فقط با یه عبارت اسمی میاد.

مثلاً:

During lunch, my phone rang.

در طول مدت شام، تلفنم زنگ خورد.

During the exam, someone walked out the room.

در طول مدت امتحان، یکی از اتاق بیرون رفت.
while با یه عبارت و معمولاً زمان استمراری میاد.

While I was walking, I fell.

زمانی که داشتم راه میرفتم، زمین خوردم.

While I was eating dinner, my phone rang.

زمانی که داشتم شام میخوردم، تلفنم زنگ خورد.

While I was watching television, my mother came into the room.

زمانی که تلویزیون تماشا میکردم، مامانم وارد اتاق شد.

نکته ۱۲۳

یه نکته در مورد **further**

further میتونه دوتا معنی داشته باشه. یه حالت میتونه صفت مقایسه‌ای **far** باشه، به معنی دورتر.

➡ It's a long walk from here to park – **further** than I thought.

از اینجا تا پارک پیاده خیلی طولانیه – دورتر از اونیه که فکر میکردم.
یه حالت دیگه میتونه به معنی بیشتر یا اضافی باشه.

➡ Let me know if you hear any **further** news.

اگه خبر بیشتری شنیدی به من بگو.

نکته ۱۲۴

میتوانیم از کلمات زیر، قبل از صفات مقایسه‌ای استفاده کنیم و به صفات، حس و حال بیشتر بدیم.

much / a lot / far / a bit / a little / slightly

- ➡ This bag is too small. I need something **much bigger**.
- این کیف خیلی کوچیکه. من یه چیز خیلی بزرگتر نیاز دارم.
- ➡ I liked the museum. It was **much more interesting** than I expected.
- موزه رو دوست داشتم. خیلی جالبتر از اونی بود که انتظار داشتم.
- ➡ It was very hot yesterday. Today it's **a bit cooler**.
- دیروز خیلی گرم بود. امروز یه کمی خنک‌تره.
- ➡ I thought she was younger than me, but in fact she is **slightly older** than me.
- من فکر میکردم از من جوانتره، اما در حقیقت از من یه کمی مسن‌تره.

نکته ۱۲۵

کاربرد

➡ any + comparative

ما میتونیم از **any** قبل از یه صفت مقایسه‌ای استفاده کنیم. البته صفت مقایسه‌ای که آخرش میاد. چجوری؟

- ➡ I've waited long enough. I'm not waiting **any longer**.

من به اندازه‌ی کافی منتظر موندم. دیگه حتی یه ذره بیشتر هم منتظر نمی‌مونم.

➡ I'm sorry I'm a bit late. But I couldn't get here **any sooner**.

ببخشید یه ذره دیر کردم. اما دیگه زودتر از این نمیتونستم بیام.

➡ How do you feel now? Do you feel **any better**?

الان حالت چطوره؟ حتی یه ذره احساس بهتر نداری؟

➡ We expected their apartment to be very big, but it's not **any bigger** than ours.

ما انتظار داشتیم آپارتمانشون خیلی بزرگ باشه، اما حتی یه ذره هم بزرگتر از آپارتمان ما نیست.

نکته ۱۲۶

وقتی بخوایم بگیم یه چیزی به طور پیوسته داره تغییر میکنه، میتونیم از تکرار دو صفت مقایسه‌ای پشت سر هم استفاده کنیم.

اگه صفت تک بخشی یا دو بخشی er دار باشه، همون صفت دو بار تکرار میشه.

اما اگه صفت بیشتر از دو بخش داشته باشه و قبلش more بیاد، more دو بار تکرار میشه.

یعنی چی؟!

➡ Your English is improving. It's getting **better and better**.

انگلیسیت داره پیشرفت میکنه. داره بهتر و بهتر میشه.

یعنی انگلیسیت به طور پیوسته در حال بهتر شدن.

➡ It's getting **more and more** difficult to find a job.

پیدا کردن کار داره سخت‌تر و سخت‌تر میشه.

➡ The hole in your shirt is getting **bigger and bigger**.

سوراخ روی پیراهنت داره بزرگ و بزرگ‌تر میشه.

- ➡ As the conversation went on, Akbar became **more** and **more** talkative.

هر چی مکالمه پیش رفت، اکبر بیشتر و بیشتر حرف زد.

نکته ۱۲۷

تفاوت

- ➡ in و into

- ➡ on و onto

into و onto به حرکت اشاره دارن.

بریم با مثال، تفاوتشونو یاد بگیریم.

I'm putting some money **into** the drawer.

در حال گذاشتن مقداری پول در کشو هستم. (دارم کمی پول میزارم توی کشو.)

There is money **in** the drawer.

داخل کشو پول هست.

I walked **into** the room.

در حال وارد شدن به اتاق بودم.

I'm now **in** the room.

من الان در اتاق هستم.

I'm putting the pencil **onto** the table.

در حال گذاشتن مداد روی میز هستم. (دارم مداد رو میزارم روی میز.)

The pencil is **on** the table.

مداد روی میز است.

نکته ۱۲۸

میدونیم **little** متضاد **much** هست.

و معمولاً قبل از اسامی غیرقابل شمارش میاد.

تا اینجا اوکیه؟

ولی اگه **little** قبل از اسم جمع بیاد، یعنی کوچولووو، یعنی کوچککک!

مثلاً:

➔ Little cars

ماشین‌های کوچولو

➔ Little flowers

گل‌های کوچولو

نکته ۱۲۹

➔ **verb + somebody + verb-ing**

بعضی افعال رو میتونیم توی این الگو بکار ببریم که من چهارتاشو بهت میگم.

➔ I can't **imagine** Akbar riding a motorcycle.

نمیتونم تصور کنم اکبر موتورسواری کنه.

➔ You can't **stop** me doing what I want.

نمیتونی برای انجام کاری که میخوام مانع من بشی.

➔ I don't **remember** you saying that.

به یاد نمیارم اونو گفته باشی.

➔ Sorry to **keep** you waiting so long.

بخشید که زیاد منتظرت گذاشتم.

نکته ۱۳۰

تفاوت **except** و **without**

except یعنی شامل نبودن، یعنی مستثنی بودن.
مثلاً:

➡ I have been to every country in Europe **except** Spain and Italy.

من همه‌ی کشورهای اروپایی رو رفتم بجز اسپانیا و ایتالیا.

➡ I work every day **except** Sunday.

من هر روز کار میکنم بجز یکشنبه.

without یعنی نداشتن یه چیزی یا کسی.

➡ I left my house today **without** my house keys.

من امروز خونه‌ام رو بدون کلیدهای خونه‌ام ترک کردم.

➡ I can't live **without** you.

من نمیتونم بدون تو زندگی کنم.

➡ I like my coffee **without** sugar.

من قهوه‌ام رو بدون شکر دوست دارم.

نکته ۱۳۱

حواست باشه به همراه **every** عزیز، از اسم مفرد و فعل مفرد استفاده میکنیم.

➡ It's a complete list of **every** person that was at my wedding.

بعدش چی اومده؟ person

فعلش چیه؟ was

➔ **Every car cuts out.**

بعدش چی اومده؟ car

فعلش چیه؟ cuts out

➔ Mom, **every boy** at my school is that type of boy.

بعدش چی اومده؟ boy

فعلش چیه؟ is

➔ **Every man has** his breaking point.

بعدش چی اومده؟ man

فعلش چیه؟ has

➔ And **every woman** like Mrs. Frome has a cat.

بعدش چی اومده؟ woman

فعلش چیه؟ has

نکته ۱۳۲

تفاوت **if** و **when** وقتی که با زمان حال ساده میان.

زمانی از **if** استفاده میکنیم که بخوایم در مورد یه موقعیت احتمالی صحبت کنیم.

مثلاً:

➔ **If it rains today, I'll take my umbrella.**

اگه امروز بارون بباره، من چترمو برمیدارم. (معلوم نیست بارون میباره یا نه).

➔ **If I eat breakfast today, I'll have toast.**

اگه امروز صبحانه بخورم، نونِ تُست میخورم. (مطمئن نیستم صبحانه میخورم یا نه).

زمانی از **when** استفاده میکنیم که اطمینان داریم قراره چیزی در آینده اتفاق بیوفته.

مثلاً:

➔ **When I go home, I'll watch a film.**

وقتی برم خونه، یه فیلم تماشا میکنم. (مطمئنم که میرم خونه).

➔ **When I eat breakfast today, I'll have toast.**

وقتی امروز صبحانه بخورم، نونِ تُست میخورم. (مطمئن هستم که صبحانه میخورم).

وقتی در مورد یه واقعیت صحبت میکنیم، میتونیم از هر دوشون استفاده کنیم.
مثلاً:

➔ **If or when you put water in the freezer, it becomes ice.**

اگر یا زمانی که آب رو داخل فریزر قرار بدی، اون تبدیل به یخ میشه.

نکته ۱۳۳

وقتی میخوای بگی توی یه چیزی بد نیستی، میگی:

➔ **I'm not bad at something.**

مثلاً:

I'm not **bad at** soccer.

من توی فوتبال بد نیستم.

پس اشتباه نکنی:

I'm not bad ~~at~~ something.

وقتی میخوای بگی توی انجام کاری بد نیستی، میگی:

➔ **I'm not bad at doing something.**

مثلاً:

I'm not **bad at** playing soccer.

من توی فوتبال بازی کردن بد نیستم.

پس اشتباه نکنی:

I'm not bad ~~at~~ doing something.

نکته ۱۳۴

تفاوت **one** و **ones**

به جای تکرار یک اسم قابل شمارش مفرد، میتونیم از **one** و بجای تکرار یک اسم جمع، میتونیم از **ones** استفاده کنیم.
مثلاً:

A: Can I get you a drink?

B: It's ok, I've already got **one**.

- میتونم یه نوشیدنی برات بگیرم؟

- مشکلی نیست، من قبلاً یکی گرفتم. (منظورش یه نوشیدنی)

➡ I like all your songs, but yesterday was your best **one**.

من همه‌ی آهنگ‌ها تو دوست دارم، اما دیروز بهترینش بود. (منظورش یه آهنگ)

➡ Older students seem to work harder than younger **ones**.

بنظر میرسه دانش‌آموزان مسن‌تر سخت‌تر از جوان‌ترها کار میکنن.

(منظورش دانش‌آموزان جوان‌تر)

A: Can you fetch the DVDs from the shop?

B: Which **ones**?

A: The **ones** we ordered last week.

- میتونی بری فروشگاه و دی‌وی‌دی‌ها رو بگیری و بیای؟

- کدوما رو؟ (کدوم دی‌وی‌دی‌ها؟)

- همونایی که هفته‌ی پیش سفارش دادیم.

نکته ۱۳۵

تفاوت **especially** و **specialy**

زمانی از **specialy** استفاده میکنیم که بخوایم بگیم یه چیزی برای یه هدف خاص ساخته شده.
مثلاً:

➡ A pen is **specialy** made for writing.

یه قلم برای نوشتن ساخته شده.

➡ My glasses are **specialy** made for seeing correctly.

عینک من برای درست دیدن ساخته شده.

از **especially** برای اشاره به یه چیزی توی یه گروه از چیزهای هم نوعش استفاده میکنیم، تا روی خاص بودنش تأکید کرده باشیم.
مثلاً:

➡ I love food, but I **especially** like sandwiches.

من عاشق غذا هستم، اما من بخصوص ساندویچ‌ها رو دوست دارم.
(منظورم اینه که، از بین غذاها، ساندویچ یه چیز دیگه س. عاشق ساندویچم.)

➡ I love learning new languages **especially** the Japanese language.

من عاشق یادگیری زبانهای جدید هستم بخصوص زبان ژاپنی.
(منظورم اینه که، از بین زبانهای خارجی، زبان ژاپنی رو بیشتر دوست دارم.)

➡ I love visiting Europe, **especially** Scotland.

عاشق دیدار از اروپا هستم، بخصوص اسکاتلند.
(منظورم اینه که، از بین کشورهای اروپایی، عاشق اسکاتلندم. دلم میخواد اول برم اسکاتلند.)

نکته ۱۳۶

یه نکته‌ی کاربردی در مورد **ask**

➔ **I asked someone to do something.**

➔ **I asked someone if I could do something.**

بریم ببینیم تفاوتِ دو الگوی بالا چیه.

اولی یعنی از فلانی خواستم فلان کارو انجام بدم.

دومی یعنی از طرف خواستم میتونم فلان کارو انجام بدم.

یه مثال میزنم:

➔ **I asked my father to buy a new car.**

یعنی من از پدرم خواستم که یه ماشین جدید بخره. (چه پروووو)

➔ **I asked my father if I could buy a new car.**

مفهومش اینه که، من شخصاً خودم خواستم که یه ماشین جدید بخرم و

اینو به پدرم گفتم که آقا میتونم اینکارو بکنم؟

نکته ۱۳۷

بریم ببینیم کاربرد

➔ **just now**

چیه؟

این بزرگوار دوتا معنی داره!

یک: چند لحظه پیش

Where have my glasses gone? I had them **just now**.

طرف اینجا داره میگه عینک‌هام کجا رفتن؟ همین چند لحظه پیش دستم بودن.

Who was that at the door **just now**?

اینجا خانوم خونه داره از آقای خونه میپرسه، چند لحظه پیش چه کسی دم

در بود؟

دو: توی این لحظه، الان (که بیشتر توی بریتیش کاربرد داره).

We're busy **just now**.

الان سرمون شلوغه.

It's pretty hectic **just now**.

توی این لحظه خیلی گیج کننده س.

نکته ۱۳۸

بریم ببینیم

➡ **last week**

➡ **the last week**

چه فرقی با هم دارن.

با مثال میگم براتون.

➡ I was ill **last week**, but I'm OK this week.

یعنی من هفته‌ی پیش (هفته‌ی گذشته) مریض بودم، اما این هفته حالم خوبه.

توی این مثال اشتباهه که بگم:

I was ill ~~the~~ last week ...

حالا مثال بعدی:

➡ I've had a cold for **the last week**. I feel terrible.

بذار اینجوری برات بگم، امروز یکشنبه س. این جمله مفهومش میشه من از یکشنبه‌ی پیش تا امروز، در این بازه‌ی زمانی هفت روزه، دچار سرماخوردگی شدم. سرما خوردم و هنوزم ادامه داره و الانم حالم افتضاحه!

پس

➡ **last week, last month, etc**

یعنی هفته‌ی گذشته، ماه گذشته، ...

اما

➔ **the last week, the last month, etc**

به یه بازه‌ی زمانی مثلاً از چند روز گذشته تا همین الان که داریم حرف می‌زنیم اشاره داره.

بازم تأکید میکنم، اگه **the** اومد، یعنی به یه بازه زمانی از گذشته تا الان اشاره داره.

از یکشنبه‌ی پیش تا الان.

از مثلاً ۲۳ خرداد تا الان.

نکته ۱۳۹

زمانی که شما میگی **I wonder** یعنی برام سؤاله، برام عجیبه.

➔ **I wondered** what that noise was.

برام سؤال بود که اون صدا چی بود.

➔ **I wondered** how he came here.

برام عجیب بود چجوری اومده اینجا.

➔ **I wondered** whose the coat was.

برام سؤال بود اون کت کی بود.

➔ **I wonder** why he left his job.

برام سؤاله چرا شغلشو رها کرد.

➔ **I wonder** what that smell is.

برام عجیبه اون چه بویه؟

➔ **I wonder** what he's doing now.

برام سؤاله الان داره چیکار میکنه؟

نکته ۱۴۰

کاربرد خوشگل **hope** برای گذشته
دو حالت داریم.

حالت اول زمانی هست که یه چیزی اتفاق افتاده و تموم شده ولی ما نمیدونیم نتیجه‌ش چی بوده. مثلاً شما یه امتحان دادید و من نمیدونم که پاسش کردید یا نه. توی این حالت ما معمولاً از شکل ساده‌ی فعل **hope** یعنی زمان حال ساده استفاده میکنیم، چون هنوز بهش امیدواریم و نتیجه رو نمیدونیم. اما خب، چیزی که داریم بهش فکر میکنیم مربوط به گذشته‌س.

➡ I **hope** she passed the exam.

امیدوارم امتحانو پاس کرده باشه.

➡ I **hope** she found her keys.

امیدوارم کلیداشو پیدا کرده باشه.

حتی گاهی میتونیم قسمت دوم رو با حال کامل هم بگیریم. بخصوص زمانی که اون چیز روی زمان حال هم تأثیرداره.

➡ I **hope** Akbar hasn't got lost.

امیدوارم اکبر گم نشده باشه.

اما حالت دوم زمانی هست که ما از نتیجه خبر داریم. مثلاً شما امتحان رو دادی و افتادی و منم اینو میدونم. توی این حالت ما از حالت گذشته‌ی فعل **hope** استفاده میکنیم. طبیعی هم هست دیگه، چون دیگه امیدی نداریم! و قسمت دوم جمله رو هم معمولاً با **would** میگیریم.

➡ I **hoped** you **would** pass the exam.

امیدوار بودم امتحان رو پاس کنی. (اما نکردی.)

➡ I **hoped** I **would** see him at the party.

امیدوار بودم توی مهمونی ببینمش. (اما ندیدم.)

➡ I **hoped** he **would** call me.

امیدوار بودم بهم زنگ بزنه. (اما نزد.)

حالا توی این حالت خیلی رایجه که از حالت گذشته استمراری در قسمت اول جمله استفاده کنیم که از لحاظ معنی هم فرقی نداره.

➔ **I was hoping** you would pass the exam.

اینم یعنی همون امیدوار بودم امتحان رو پاس کنی. (اما پاس نکردی.)

➔ **I was hoping** you would give me a job.

امیدوار بودم یه شغلی به من میدی. (اما ندادی.)

نکته ۱۴۱

تفاوت **I were** و **I was**

وقتی که آرزو میکنیم، در واقع در مورد چیزی صحبت میکنیم که توی تصورمونه، واقعی نیست، یا غیر ممکنه. در این حالت از **were** استفاده میکنیم.
مثلاً:

➔ **I wish I were** a millionaire.

آرزو میکنم یه میلیونر بودم. (اما نیستم.)

➔ **I wish I were** a bird.

آرزو میکنم پرنده بودم. (اما نیستم، غیرممکنه.)

➔ **If I were** rich, I would buy a Ferrari.

اگه پولدار بودم، یه فراری میخریدم. (اما نیستم.)

اما **was** زمان گذشته ساده س. در مورد یه حقیقت در گذشته س. واقعیه.
مثلاً:

➔ **I was** a student a long time ago.

من مدتها پیش یک دانشجو بودم.

➔ Last week **I was** at the cinema.

هفته‌ی گذشته من سینما بودم.

نکته ۱۴۲

➔ **Were I you, I wouldn't do it again.**

بلهههه آقاااا، ایشونم درسته!

بله!!!!!!!!!!!!!! were I you هم داریممم!

حالا برات میگویم داستان چیه.

خیلی پیچیدہ، سادہ س.

توی جملات شرطی، برای تأکید دددددددددددددددد میتونیم if رو حذف

کنیم و فعل کمکی رو قبل از فاعل بیاریم ممممممم. که البته بیشتر توی

رایتینگ کاربرد داره. یه جورایی، حالت ساختار معکوس میشه.

مثلاً:

If I were you, I wouldn't do it again.

حالا میخوام تأکیدمو بیشتر کنم.

میام if رو حذف میکنم.

I were you, I wouldn't do it again.

حالا فعل کمکی، دو میارم قبل از فاعل و تأکیدمممم بیشتر میشه:

Were I you, I wouldn't do it again.

مثال دوم:

If I had studied hard, I would have passed the exam.

اگه بیشتر درس خونده بودم، توی امتحان قبول میشدم.

حالا میخوام تأکیدمو بیشتر کنم.

خیلی راحت if رو حذف میکنم و فعل کمکی رو میارم قبل از فاعل.

Had I studied hard, I would have passed the exam.

نکته ۱۴۳

میخواهم بگم یه چیزی یا انجام یه کاری برای من اهمیت داره. الگوش به این صورته:

➔ **something/doing something is really important to me.**

میگم:

Reading is really **important to me.**

اشتباهه که بگم:

Reading is really **important for me.**

حالا منفیش میکنم:

Spending money isn't really **important to me.**

پول خرج کردن برای من خیلی مهم نیست.

حالا میتونیم مفعول جمله رو تغییر بدیم.

Being happy is really **important to Akbar.**

خوشحال بودن برای اکبر خیلی اهمیت داره.

This situation isn't **important to them.**

این موقعیت برای اونا اهمیتی نداره.

نکته ۱۴۴

خب بریم برای یه نکته‌ی مهم در مورد **much** و **very** عزیز.

much معمولاً دو جا میاد.

یک: قبل از صفت، اونم توی جملات سؤالی و منفی.

پس اگه جمله، منفی یا سؤالی بود و خواستی به صفت شدت بدی، حواست

باشه از ما|||چ استفاده کنی، نه از **very**.

اگه جمله مثبت بود، **very** رو بذار حالشو ببر.

دو: قبل از صفات مقایسه‌ای یا همون comparative ها، از مااااچ استفاده میکنیم.

یعنی حواست باشه نگی:

➡ Ali is ~~very shorter~~ than me.

درستش میشه:

➡ Ali is **much** shorter than me.

مثلاً جمله‌ی بعدی رو ببین:

➡ Ali is **very** short.

اینجا استفاده از **very** درسته. چون قبل از یه صفت معمولی اومده و حرفی هم از مقایسه نیست.

پس حواست باشه نگی:

~~very~~ bigger

~~very~~ cheaper

~~very~~ more expensive

مثلاً اینجا اشتباهه که از ماااچ استفاده کنیم. چون جمله مثبتیه.

Your culture is ~~much~~ different from ours.

پس میگیریم:

British culture is **very** different from ours.

اشتباهه که بگیریم:

We were ~~much~~ afraid that we would miss the flight.

باید بگیریم:

We were **very** afraid that we would miss the flight.

نکته ۱۴۵

حواستون باشه، وقتی کلی صحبت میکنیم و اشاره مون کلی هست و منظورمون یه چیز یا یه شخص خاص نیست، خیلی راحت و با کمال خونسردی میایم و کلماتی مثل:

➔ **all / most / some**

رو میذاریمم قبل از اسم. تمام!
پس توی حالت کلی، اشتباهه بگم:

I like ~~all the kinds~~ of music.

باید بگم:

➔ I like **all** kinds of music.

اشتباهه بگم:

~~All of children~~ learn to speak naturally.

باید بگم:

➔ **All** children learn to speak naturally.

اشتباهه بگم:

~~All of the young~~ couples need a home of their own.

باید بگم:

All young couples need a home of their own.

حالا وقتی اشاره مون خاص باشه، باید قبل از اسم، از

➔ **of the**

➔ **of these**

➔ **of their**

و ... استفاده کنیم.

مثلاً:

➔ **Most of the** Americans I met were very friendly.

نکته ۱۴۶



دوستان، حواستون باشه جان من!

بعد از **any** معمولاً اسم به دو صورت میاد.

یک: اسم غیر قابل شمارش

دو: اسم قابل شمارش به صورت جمع

یعنی بپااااا نگی:

If you have any question, ask your teacher.

به جاش بگو:

➡ If you have **any** questions, ask your teacher.

بپااااا نگی:

She doesn't have any friend.

به جاش بگوووو:

She doesn't have **any** friends.

اسامی غیر قابل شمارش هم که همیشه بصورت مفرد استفاده میشن و مشکلی باهاشون نداریم.

نکته ۱۴۷



تفاوت **accept** و **except**

accept یعنی پذیرفتن، قبول کردن.

مثلاً:

➡ Dan asked me to go for a coffee, and I **accepted** Dan's offer.

دن خواست که بریم قهوه بخوریم و من پیشنهادشو قبول کردم.

➡ I **accept** full responsibility for the failure of the plan.

من مسئولیت کامل شکست این طرح رو میپذیرم.

except یعنی شامل نبودن، یعنی مستثنی بودن.

مثلاً:

➔ I love all types of film **except** horror films.

من همه نوع فیلمی دوست دارم بجز فیلمهای ترسناک.

➔ I don't drink coffee, **except** the one I have in the morning.

من قهوه نمینوشم، بجز اونی که صبح میخورم.

نکته ۱۴۸

دو نکته در مورد **ago** بگم حالشو ببری!

یک: به همراه این عزیز هیچ وقت از **since** و **before** استفاده نکنین.

مثلاً میتونیم بگیم:

➔ I came to England two years **ago**.

ولی بپا نگی:

He went to Sydney ~~before~~ five years **ago**.

میتونی بگی:

➔ He went to Sydney five years **ago**.

ولی بپا نگی:

I started learning English ~~since~~ two years **ago**.

دو: به همراه **ago** از گذشته ساده استفاده میکنیم، نه حال کامل.

مثلاً:

➔ I started a new job a few weeks **ago**.

اما اشتباهه که بگیم:

I've started a new job a few weeks ago.

نکته ۱۴۹

دو نکته در مورد **here** و **there** بگم، حواستون باشه.
یک: اولی رو همه بلدین!

➔ **here**

یعنی اینجا.

➔ **there**

یعنی اونجا.

مثلاً:

- We could go back to my cottage and have lunch **there**.
- Scotland? I've always wanted to go **there**.
- Hold it right **there** and don't move.
- Can you pass me that wine glass **there**?
- What are you doing **here**?
- Shall we eat **here**?
- Come **here** for a minute.

دو:

معمولاً از این دو عزیز در نقش اسم استفاده نمیکنیممممممممم.
اکثرتون اینو اشتباه میکنین، ولی از این به بعد حواستون باشه جان من و
دیگه اشتباه نکنین.

یعنی نگید:

~~Here~~ is great.

بگید:

➔ It is great **here**.

نگید:

~~Here~~ is cold.

بگید:

➔ It is cold **here**.

نگید:

Did you like ~~there~~?

بگید:

➔ Did you like it **there**?

نگید:

~~There~~ is dark.

بگید:

➔ It is dark **there**.

نکته ۱۵۰

بریم ببینیم تفاوت

➔ **ask for**

➔ **ask**

چی؟

البته این یکی از کاربردهای **ask** است که موقع درخواست کردن استفاده میشه.
عزیز جان،

➔ **ask for**

یعنی درخواست چیزی کردن
مثلاً:

Some people find it difficult to **ask for** help.

برای بعضیا سخته که درخواست کمک کنن.
اما

➔ **ask**

به تنهایی (بدون حرف اضافه) یعنی از کسی بخوایم یه چیزی رو بگه!

We have to **ask** someone the way to the station.

ما باید از یکی بپرسیم مسیر ایستگاه رو بهمون بگه.

نکته ۱۵۱

حواست باشه، از **far** توی جملات سؤالی و منفی استفاده میکنیم.
مثلاً:

➡ It's not **far** to the airport from here.

➡ Have you driven **far**?

اگه جمله مثبت بود، ترجیحاً از **a long way** استفاده میکنیم.

➡ You must be tired – you've come **a long way**.

➡ It's **a long way** down from the top of the cliff.

نکته ۱۵۲

ما میتونیم بعد از **need** فعل رو به صورت **ing** دار بیاریم.

معنا و مفهوم جمله مون میشه مجهول.

در حقیقت ساختارمون با ساختار مجهول معادل هست.

توی ساختار مجهول کسی که کارو انجام میده (فاعل) مهم نیست، اون کس یا چیزی که کار روش انجام میشه (مفعول) مهمه.

➡ The house **needs tidying**.

نیازه خونه تمیز بشه.

این که چه کسی خونه رو تمیز کنه مهم نیست، چیزی که مهمه خونه س که لازمه تمیز بشه.

➡ These letters **need posting**.

لازمه نامه‌ها ارسال بشن.

کی ارسالشون کنه؟ اکبرآقا؟ کامران؟ مهران یا جعفرآقا؟

اصلاً! مهم نیست، مهم اینه که نامه‌ها ارسال بشن.

حالا حالت منفیش چجوریه؟

➔ The car doesn't **need** washing.

ماشین نیازی به شستن نداره.

➔ The plant doesn't **need** watering.

➔ The horses don't **need** feeding.

نکته ۱۵۳

دقت کن که وقتی میخوای به همراه **very much** از **like** استفاده کنی، دو حالت داریم.

یک: میتونه قبل از **like** بیاد.

➔ I **very much** like this shirt.

دو: میتونه آخر جمله بیاد.

➔ I like this shirt **very much**.

اما حواست باشه، **very much** بین **like** و مفعولش نمیآید.

پیا نگی:

I like ~~very much~~ this shirt.

نکته ۱۵۴

سه نکته در مورد **as if**

یک: معنیش یعنی مثل این که، انگار که، برای مقایسه کردن ارزش استفاده میشه.

دو: توی مقایسه‌های غیرواقعی، معمولاً بعد از **as if** زمان گذشته رو با معنی زمان حال بکار میبریم.

یعنی بعدش گذشته میاریم، اما مفهوم و معنیش همون زمان حال میشه.

سه: توی همین مقایسه‌های غیرواقعی میتونیم از were به جای was استفاده کنیم.

➡ He looked at me **as if** I were mad.

طوری نگام میکرد که انگار دیوونه‌ام.

توی محاوره و انگلیسی غیررسمی، به خصوص امریکن، به جای as if میتونیم از like استفاده کنیم.

It looks like it's going to rain.

بنظر میرسه که میخواد بارون بیاد.

حالا این دوتا مثال رو با هم ببینیم.

➡ He looks **as if** he knew the answer.

یه جوری به نظر میرسه که انگار جواب رو میدونه.

دقت کن بعد از as if گذشته اومده، یعنی احتمالاً طرف جواب رو نمیدونه. شایدم ما نمیدونیم که طرف جواب رو بلده یا نه. موقعیت غیرواقعیه. حالا مثال پایین رو ببین:

➡ He looks **as if** he knows the answer.

جوری بنظر میاد که انگار جواب رو میدونه.

اینجا بعد از as if حال ساده اومده نه گذشته. اینجا یعنی طرف جواب رو میدونه، موقعیت واقعی نه غیرواقعی.

نکته ۱۵۵

زمانی که بخوایم در مورد چیزی که توی گذشته ممکن بوده یا قادر به انجامش بودیم ولی انجامش ندادیم صحبت کنیم، میتونیم از ساختار زیر استفاده کنیم.

➡ **could have + past participle**

مثال‌ها رو ببین:

I **could have** stayed up late, but I decided to go to bed early.

میتونستم تا دیروقت بیدار بمونم، اما تصمیم گرفتم زود برم بخوابم.

They **could have** won the race, but they didn't try hard enough.

اونو میتونستن رقابت رو ببرن، اما به اندازه کافی سخت تلاش نکردن.

Mary **could have** bought the book, but she borrowed it from the library instead.

مری میتونست کتاب رو بخره، اما به جاش اونو از کتابخونه امانت گرفت.

He **could have** studied more, but he was too lazy and that's why he failed the exam.

اون میتونست بیشتر درس بخونه، اما خیلی تنبل بود و به همین دلیل بود که امتحانو افتاد.

نکته ۱۵۶

تفاوت **so far** و **until now**

برای بیان تغییر وضعیت، از **until now** استفاده میکنیم.

معمولاً از زمان حال کامل استفاده میشه.

مثلاً:

➔ **Until now** I've always lived alone.

تا الان همیشه تنها زندگی میکردم. (الان دیگه تنها زندگی نمیکنم، مثلاً با دوستم یا با خانواده‌ام زندگی میکنم.)

➔ I have been lucky **until now**.

من تا الان خوش شانس بودم. (الان همش بدشانسی میارم.)

برای بیان وضعیتی که تغییر نکرده، از **so far** استفاده میکنیم.

مثلاً:

➡ **So far**, we have not received any money.

تا کنون، پولی دریافت نکردیم. (قبلاً پولی دریافت نکرده بودن و تا الان هم پولی دستشون نرسیده).

➡ They've only sold thirteen tickets **so far**.

اونا تا حالا فقط ۱۳ فقره بلیط فروختن. (قبلاً ۱۳ فقره بلیط فروخته بودن و تا الان تغییری ایجاد نشده).

نکته ۱۵۷

هر وقت چندتا قید زمان توی جمله داشتیم، ترتیبشون اینجوریه:

1- How long

2- How often

3- When

مثلاً:

I was abroad (1) for two months (3) last year.

خب اول قیدی رو آوردیم که به بازه‌ی زمانی اشاره داره، برای دو ماه. بعدش قیدی رو آوردیم که به یه زمان خاص اشاره داره، پارسال.

She worked in a hospital (1) for two days (2) every week (3) last year.

اون پارسال هر هفته برای دو روز توی بیمارستان کار میکرد. خب اول قیدی رو آوردیم که به بازه‌ی زمانی اشاره داره، یعنی برای دو روز. دوم قیدی رو آوردیم که میگه هر هفته این اتفاق میوفتاده. سوم قیدی رو آوردیم که به یه زمان خاص توی گذشته اشاره داره.

نکته ۱۵۸

اگه بعد از **if only** حال ساده یا آینده ساده بیاریم، عبارت مون بیان کننده ی امید و امیدواریه، یعنی داریم میگییم امیدواریم فلان اتفاق بیوفته.
مثلاً:

➡ **If only** Akbar will listen to Sekineh.

این یعنی امیدواریم اکبر به حرفای سکینه گوش کنه.

➡ **If only** they win the game.

امیدواریم اونا بازی رو ببرن.

اگه بعد از **if only** از گذشته ساده یا گذشته کامل استفاده کنیم، عبارت مون بیانگر پشیمونی و تأسفه.
همون ای کاش خودمون.

➡ **If only** Mehran was here.

ای کاش مهران اینجا بود.

➡ **If only** you hadn't said that.

ای کاش اونو نگفته بودی. (از این که اونو گفتم متأسفیم).

نکته ۱۵۹

میدونین تفاوت **so** و **because** چیه؟ الان بهتون میگم حالشوووووو ببریددد.
دقت کن که بعد از **because** ما دلیل داریم، یعنی ایشون درباره ی دلیل صحبت میکنه.

➡ I didn't go to class **because** I was sick.

نرفتم کلاس چون مریض بودم.

بعد از **because** چی اومده؟ دلیلییل کلاس نرفتن.

- ➡ We arrived early today **because** we have a meeting at 7:00 AM.

امروز زود رسیدیم چون ساعت هفت صبح جلسه داریم.

بعد از **because** چی اومده؟ دلیلی زود اومدن.

اما بعد از **so** نتیجه داریم، یعنی ایشون درباره‌ی نتیجه صحبت میکنه.

- ➡ Akbar didn't like the movie, **so** he turned off the TV.

اکبر فیلم رو دوست نداشت، بنابراین (به همین دلیل) تلویزیونو خاموش کرد.

بعد از **so** چی اومده؟ به نتیجه. نتیجه دوست نداشتن فیلم، شده خاموش کردن تلویزیون.

- ➡ Yesterday was a holiday, **so** the school was closed.

دیروز تعطیل بود، برای همین مدرسه بسته بود.

بعد از **so** چی اومده؟ به نتیجه. نتیجه‌ی تعطیل بودن اون روز، بسته شدن مدرسه بوده.

نکته ۱۶۰

تفاوت

- ➡ **each other**

- ➡ **one another**

اولی به رابطه‌ی دو نفر اشاره میکنه.

دومی معمولاً به رابطه‌ی میان چند نفر اشاره داره.

مثال:

The girls looked at **each other**.

دخترها به هم نگاه کردن.

دوتا دختر بودن، به هم نگاه کردن و تمام.

We talked to **each other**.

The children get on well with **one another**.

نکته ۱۶۱

already کاربرد

وقتی به کاری رو از قبل انجام دادی، قبلاً از این که شنونده انتظارشو داشته باشه، **already** استفاده میکنیم.

مثال هارو ببین:

➡ I've been waiting an hour **already**.

➡ I knew a lot about the subject **already**.

من از قبل در مورد موضوع زیاد میدونستم. (قبل از این که شنونده انتظار داشته باشه، ایشون میدونسته.)
مثلاً میپری توی آشپزخونه میگی مامااان من گشنمه، شام چی شد؟! مامانت میگه:

➡ The food is **already** on the table.

چون قبل از این که تو انتظارشو داشته باشی غذا رو گذاشته روی میز.
مثلاً رفیقت بهت میگه به داداشت بگو این اخلاقشو بزاره کنار خدا و کیلی و
تو در جواب میگی:

➡ I've **already** told him.

من قبلاً بهش گفتم.

یعنی قبل از این که رفقت بهت بگه و انتظار داشته باشه، تو به داداشت اینو گفتی.

نکته ۱۶۲

بریم ببینیم **already** عزیز توی جمله کجاها میاد.
ایشون اغلب آخر جمله میاد. این حالتش اغلب توی محاوره کاربرد داره و
برای تأکید بیشتر استفاده میشه.

➡ I knew that **already**.

من از قبل میدونستم.

➡ I was tired **already**.

من از قبل خسته بودم.

علاوه بر آخر جمله، میتونه چند جای دیگه هم بیاد که میگم برات:
میتونه قبل از فعل اصلی بیاد.

➡ I **already** know that.

من از قبل میدونم.

بعد از فعل **to be** به شرطی که فعل اصلی جمله باشه.

➡ I was **already** tired.

من از قبل خسته بودم.

اشتباهه که بگیم:

I **already** was tired.

و بعد از اولین فعل کمکی:

➡ I have **already** booked the tickets.

من از قبل بلیطهارو رزرو کردم.

اینجا زمان حال کامله و **have** فعل کمکیه، پس **already** بعدش میاد و
اشتباهه بگیم:

I **already** have booked the tickets.

نکته ۱۶۳

کاربردهای **very much**

۱. میتونیم از **very much** قبل از صفات مقایسه‌ای استفاده کنیم.

➔ She is **very much** happier now.

اون الان خیلی خوشحال‌تره.

➔ I feel **very much** better.

من الان احساس خیلی بهتری دارم.

۲. میتونیم از ایشون به همراه فعل استفاده کنیم.

➔ Thank you **very much**.

خیلییی ممنونم.

➔ He **very much** regrets what happened.

اون از اتفاقی که افتاد خیلی پشیمونه.

۳. میتونیم از ایشون قبل از عباراتی که با حرف اضافه شروع میشن استفاده کنیم.

➔ He is **very much** in debt.

اون خیلی تو قرض و بدهیه.

نکته ۱۶۴

perhaps و **maybe** هر دوشون یعنی شاید یا ممکنه، اما کاربردشون با

هم فرق داره.

maybe غیررسمی‌تره.

مثلاً وقتی با دوستت صحبت میکنی، میگی:

➔ I'll **maybe** see you in August.

شاید توی ماه اوت ببینمت.

اما وقتی با کسی صحبت میکنی که خووووب نمیشناسیش، میگی:

➡ **Perhaps** we could meet next week.

شاید هفته‌ی دیگه همدیگه رو ملاقات کنیم.

توی گزارش دادن یا توی داستان‌ها مینویسیم:

➡ New York's **perhaps** the most interesting city in the US.

نیویورک احتمالاً جالب‌ترین شهر آمریکاست.

یا توی سخنرانی‌ها می‌گیم:

➡ **Perhaps** in closing I could just thank everyone for coming.

شاید در پایان فقط بتونم از همه به خاطر اومدنشون تشکر کنم.

توی جمله‌ی بالا کاربرد maybe به جای perhaps خودمونی‌تره!

نکته ۱۶۵

ما از شکل کامل **should not** توی حالت‌های رسمی یا زمانی که بخوایم

روی یه چیزی تأکید کنیم استفاده میکنیم.

➡ **We should not** forget those who have given their lives in the defense of freedom.

ما نباید اونایی که زندگیشونو برای دفاع از آزادی دادن رو فراموش کنیم.

اینجا داره روی فراموش نکردن تأکید میکنه.

برای ساختن سؤال، کافیه **should** رو بیاریم اول جمله.

➡ **Should** I turn off the air conditioning?

باید کولرو خاموش کنم؟

➡ **Shouldn't** you be studying now?

نباید الان در حال درس خوندن باشی؟

اشتباه نکن!

نیازی نیست از **do** و اینجور چیزا برای سؤال ساختن استفاده کنی.

Do I should I turn on the air conditioning?

نکته ۱۶۶

تفاوت

➔ **see a movie**

➔ **watch a movie**

بریم دو جمله‌ی پایین رو با هم بررسی کنیم.

I want to **see a movie**.

I want to **watch a movie**.

به این جملات نگاه کنین، فکر میکنین معنیشون یکیه؟!

در حقیقت یه کمی با هم فرق دارن.

وقتی می‌گیم **see a movie**، شنونده متوجه میشه که ما قصد داریم بریم

سینما و فیلم ببینیم.

وقتی می‌گیم **watch a movie**، شنونده متوجه میشه که ما قصد داریم

توی خونه مثلاً با کامپیوتر، تلویزیون و ... فیلم ببینیم.

پس با توجه به این که قصد داریم چجوری فیلم ببینیم باید توی انتخاب این

دو فعل دقت کنیم.

مثلاً وقتی می‌گی:

I **watched** a good movie yesterday.

یعنی من دیروز یه فیلم خوب دیدم. (شنونده اینجوری برداشت میکنه که

توی خونه مثلاً با تلویزیون این فیلم رو دیدی.)

I **saw** a good movie yesterday.

این هم یعنی من دیروز یه فیلم خوب دیدم. (شنونده اینجوری برداشت

میکنه که رفتی سینما و یه فیلم خوب دیدی.)

نکته ۱۶۷

کاربرد **at the same time**

دوتا کاربرد داره.

یک: یعنی به طور همزمان.

وقتی دو یا چند چیز همزمان با هم اتفاق بیوفتن استفاده میشه.

با مثال یاد بگیر:

Don't try to carry more than two boxes **at the same time**, they're heavy!

سعی نکن همزمان دوتا جعبه رو با هم بلند کنی، اونا سنگینن.

We arrived **at the same time**.

ما همزمان رسیدیم.

Too many things are happening **at the same time**, and I am confused.

چیزای زیادی داره همزمان اتفاق میوفته، و من خیلی گیج شدم.

My mother has the ability to make me laugh and cry **at the same time**.

مادر من توانایی این که همزمان منو بخندونه و به گریه بندازه رو داره.

Mary and Martha arrived at the concert **at the same time**.

مری و مارتا همزمان رسیدن به کنسرت.

دو: میتونه به معنی اگرچه، با این وجود و ... باشه.

I want to go to the game tonight, but **at the same time**, I know that I have to get up early tomorrow.

من امشب میخوام برم به بازی، اما اگرچه میدونم که فردا باید زود بیدار بشم.

Bill was able to pay for the damage. **At the same time**, he was very angry about the accident.

بیل میتونست هزینه‌ی خسارت رو بده. با این وجود که اون درباره تصادف خیلییی عصبی بود.

نکته ۱۶۸

تفاوت **next** و **the next** وقتی که صحبت از زمان هست.
next به یک زمان در آینده اشاره داره. مثل هفته‌ی آینده، دوشنبه‌ی آینده، ماه آینده و ...
مثلاً:

➔ I'll go on holiday **next** Tuesday.

من سه شنبه‌ی آینده میرم تعطیلات.

➔ I'll start my diet **next** week.

من هفته‌ی آینده رژیمم رو شروع میکنم.
the next به یک بازه‌ی زمانی که از حال حاضر شروع میشه، اشاره میکنه.
مثلاً:

➔ **The next** two weeks are very busy.

دو هفته‌ی آینده خیلی شلوغه. (یعنی از الان تا دو هفته‌ی آینده خیلی شلوغه.)

➔ He'll spend **the next** three months in Tehran.

اون سه ماه آینده رو در تهران میگذرونه. (یعنی از الان تا سه ماه آینده رو در تهران میگذرونه.)

نکته ۱۶۹

یه کاربرد **a lot**

یکی از کاربردهای ایشون، زمانی هست که قبل از یه صفت تفضیلی بیاد.
توی این حالت به اون صفت شدت میده، میشه گفت به معنی **much** هست.

توی حالت غیررسمی، **lots** هم میگن.

➡ My headache is **lots better**, thanks.

سردردم خیلیییییی بهتره، ممنون.

➡ You'll get there **a lot quicker** if you take a taxi.

اگه تاکسی بگیری خیلی سریعتر اونجا میرسی.

نکته ۱۷۰

وقتی **just** به معنی اخیراً و به تازگی باشه:

توی بریتیش اغلب از ایشون به همراه حال کامل استفاده میشه.

توی امریکن، به خصوص محاوره، از **just** به همراه گذشته ساده استفاده میکنن.

وقتی از **just** به همراه فعل گذشته ساده استفاده میشه، یعنی به تازگی، چند لحظه پیش، چند دقیقه پیش یه کاری انجام شده.

➡ I **just** called him.

تازه بهش زنگ زدم.

➡ I **just** had lunch.

تازه ناهار خوردم.

➡ They **just** came home.

اونا تازه رسیدن خونه.

➡ He **just** washed the dishes.

اون تازه ظرفارو شست.

نکته ۱۷۱

کاربرد I'm afraid

ایشون یه راه مؤدبانه برای گفتن یه چیزی به یه کسی هست، که ممکنه اون شخص رو ناراحت، ناامید یا عصبی کنه. به معنی متأسفم. مثل زمانی که شما نمیتونین کاری که اونا میخوان رو انجام بدین یا باهاشون موافق نیستید.

Things haven't been going very well here, I'm afraid.

چیزا اینجا زیاد خوب پیش نرفت، متأسفم.
حالت‌های رایج ایشون:
یک:

➡ I'm afraid (that)

توی این حالت بعد از that یه جمله میاریم.

I'm afraid that I can't accept this job.

متأسفم که نمیتونم این شغل رو قبول کنم.
دو:

➡ I'm afraid to say (that)

متأسفم از این که باید بگم

I'm afraid to say I found the book very dull.

متأسفم از این که باید بگم کتاب رو خیلی خسته‌کننده دیدم.

➡ I'm afraid so

متأسفانه بله

A: Did he forget to do it?

B: I'm afraid so.

- آیا فراموش کرد که انجامش بده؟

- متأسفانه بله. (متأسفم که اینو میگم، ولی بله فراموش کرد.)

➡ I'm afraid not

این برعکس بالاییه، متأسفانه خیر، یا متأسفم که اینو میگم، ولی خیر.

A: Will John be there?

B: I'm afraid not.

- جان هم اونجاست؟ (جان هم میاد اونجا؟)

- متأسفانه خیر.

مثلاً:

I'm afraid that I can't help you.

این عبارت برابر عبارت بعدیه:

I am sorry to tell you that I can't help you.

ایشون:

I'm afraid your wife has been taken ill.

معادل ایشونه:

I am sorry to tell you that your wife has been taken ill.

نکته ۱۷۲

کاربرد

➡ be looking to do something

اول این که ایشون غیررسمیه.

یعنی برای انجام کاری برنامه ریزی کنی یا برنامه داشته باشی.

We're looking to expand the business.

داریم برای توسعه کسب و کار برنامه ریزی میکنیم.

We're looking to buy a new car early next year.

ما برای خرید یه ماشین اوایل سال آینده برنامه داریم. (انتظار داریم که یه

ماشین جدید بخریم.)

We're not just looking to make money.

برنامه‌ی ما فقط پول درآوردن (کسب درآمد) نیست.

مثال‌ها رو ببین:

- I've got a few thousand dollars I'm **looking to** invest.
- We are **looking to** upgrade the existing facilities.
- They are **looking to** buy into another insurance company.
- We're not **looking to** make a fortune.
- We're **looking to** buy a new car early next year.
- I'm **looking to** start my own business.
- The firm is **looking to** expand its operations overseas.
- The government is **looking to** reduce inflation.

نکته ۱۷۳

It's been کاربرد

یه الگوی خوشگل و به شدت کاربردی داره.

➡ **It's been days / weeks / months / etc + since + ...**

از این الگو برای تأکید روی مدت زمانی که از یه اتفاقی گذشته، استفاده میشه.

اینجا **it's** مخفف **it has** هست و ساختار حال کامله.

It's been weeks since I met him.

هفته‌ها از وقتی که دیدمش میگذره.

It's been a long time since she called me.

مدت زمان زیادی از وقتی که به من زنگ زد میگذره.

ریزنکته:

حالا توی محاوره معمولاً رایج تره که به جای حال کامل از حال ساده استفاده کنیم.

It's weeks since I met him.

It's a long time since she called me.

نکته ۱۷۴

going to و **want to** تفاوت

خب، تفاوتشون خیلی ساده س!

دقت کن که **going to** به برنامه‌های آینده‌ی شما اشاره داره که از قبل براش برنامه‌ریزی کردین و هماهنگی انجام دادین.

I'm going to eat a pizza, here it is, in my hand.

من میخوام پیتزا بخورم، اینااااهاش، توی دستامه. (پیتزا رو خریدم، قصد دارم پیتزا بخورم.)

You're going to be late, you've missed the bus.

تو اتوبوس رو از دست دادی، قراره دیر برسی. (چون اتوبوس رو از دست داده، بدون شک دیر میرسه.)

در حالی که **want to** فقط طوطی یه فکره!
مثلاً:

I want to talk to you.

میخوام باهات حرف بزنم.

اما مطمئن نیستم که اتفاق بیوفته، یه فکر و خواسته س که درون منه و من دارم اشتیاق خودمو نشون میدم.

I want to be a star when I grow up.

وقتی بزرگ شدم میخوام یه ستاره بشم.

وقتی دارم اینو میگم نمیدونم در آینده موفق میشم یا نه، اما این منو از خواستنش متوقف نمیکنه. درحقیقت این یه فکره درون من.

نکته ۱۷۵

از **ever** میتونیم توی الگوی زیر استفاده کنیم:

the best / the craziest / the worst / the funniest +

... I've ever ...

از ایشون میشه توی عبارات برتر استفاده کرد. وقتی که شما میخوای بگی یه چیزی بهترین/ بدترین/ باحال ترین و ... چیزی هست که تا حالا توی زندگیتون اتفاق افتاده.

Yes, I've been on TV! It was the craziest thing I've **ever** done!

بله، من توی تلویزیون بودم! احمقانه ترین کاری بوده که تا حالا انجام دادم.

Yes, I've tried bungee jumping. It was the scariest thing I've **ever** done!

بله، من بانجی جامپینگ رو امتحان کردم. ترسناک ترین چیزی بوده که تا حالا انجام دادم.

This is the best pizza I've **ever** had!

این بهترین پیتزاییه که تا حالا خوردم.

نکته ۱۷۶

کاربرد **anymore**

وقتی بخوایم بگیم که به کاری برای مدتی توی گذشته ادامه داشته و الان دیگه قطع شده، از ایشون استفاده میکنیم.

ایشون معمولاً در آخر جملات منفی و سؤالی بکار میره، به معنی دیگه.

He isn't working in that office **anymore**.

اون دیگه توی اون اداره کار نمیکنه.

They don't live in that house **anymore**.

اونا دیگه توی اون خونه زندگی نمیکنن.

I don't want to do it **anymore**.

دیگه نمیخوام انجامش بدم.

I don't like to go there **anymore**.

دیگه دوست ندارم برم اونجا.

They are both retired and don't have to work **anymore**.

اونا هر دوشون بازنشسته هستن و دیگه مجبور نیستن کار کنن.

The baby doesn't want to eat **anymore**.

بچه دیگه نمیخواد غذا بخوره.

They don't live with their mother **anymore**.

اونا دیگه با مادرشون زندگی نمیکنن.

نکته ۱۷۷

یکی از کاربردهای **keep**

بعد از ایشون، فعل به صورت **ing** دار میاد، یعنی اون فعالیت رو ادامه دادن. الگوش اینجوریه:

➡ **keep (on) doing something**

یعنی انجام یه کاری رو ادامه دادن، یا یه کاری رو برای چندین بار انجام دادن.

میتونی اون on رو بیاری، میتونی نیاری!

مثلاً:

I **keep** thinking about Joe, all alone in that place.

من مرتب به جویی فکر میکنم، اونجا تک و تنها.

I **keep** telling you, but you won't listen!

من همش دارم به تو میگم، اما تو گوش نخواهی داد.

She pretended not to hear, and **kept on** walking.

اون تظاهر به نشنیدن کرد و به راه رفتن ادامه داد.

پس حواست باشه که بعدش فعل به صورت ing دار میاد!

He **kept** talking to me.

اشتباه نکنی:

He kept ~~to~~ talk to me.

مثال:

- We'll **keep on** driving while there's still daylight.
- No one is born a genius. Just **keep on** doing what you like and that itself is a talent.
- I won't **keep on** waiting more than half a minute.
- I will go bankrupt if you children **keep on** asking for more pocket money!
- We will **keep on** trying and, if we get anything done, will notify you.

نکته ۱۷۸

تفاوت **beside** و **besides**

beside حرف اضافه اس و زمانی ازش استفاده میکنیم که بخوایم در مورد یک موقعیت فیزیکی صحبت کنیم. به معنی نزدیک به یا کنار. مثلاً:

➡ Put the chair **beside** the table.

صندلی رو کنار میز قرار بده.

➡ Come and sit **beside** me.

بیا کنار من بشین.

➡ There was a small table **beside** the bed.

اونجا یه میز کوچیک کنار تخت بود.

besides هم حرف اضافه س، هم قید.

وقتی حرف اضافه باشه، برای اضافه کردن اطلاعات ازش استفاده میکنیم. به معنی علاوه بر. مثلاً:

➡ **Besides** knowing grammar well, you need to have a good vocabulary.

علاوه بر دانستن گرامر خوب، تو باید لغات خوبی هم داشته باشی.

➡ You should do something else **besides** studying.

تو علاوه بر مطالعه باید کار دیگه‌ای هم انجام بدی.

حالا اگه **besides** قید باشه برای اشاره به نقطه‌ی مهم و یا نقطه‌ی قوت یه چیز ازش استفاده میکنیم. به معنی علاوه بر این یا به جز. مثلاً:

➡ I'm going to practice now because I've got time, and, **besides** I need to.

من الان میخوام تمرین کنم چون وقت دارم و علاوه بر این من نیاز دارم.

➔ **Besides** Anna, who else went to the concert?

به جز آنا، چه کسی دیگه‌ای رفت کنسرت؟

➔ I'm too tired to go swimming, **besides**, the water is too cold.

من برای شنا کردن خیلی خسته‌ام، علاوه بر این آب خیلی سرده.

نکته ۱۷۹

تفاوت **on time** و **in time**

دقت کن که **on time** یعنی دقیقاً!!!!!! سر وقت، نه دیرتر نه زودتر!

➔ He always arrives at work **on time**.

اون همیشه سر وقت به محل کارش میرسه.

ولی **in time** زمانی استفاده میشه که ما قبل از موعد مقرر به یه جایی میرسیم یا یه کاری رو انجام میدیم، یعنی قبل از زمانی که براش برنامه‌ریزی کردیم.

➔ My class starts at 9, but I want to arrive at the university **in time**, because I'm hungry.

کلاس من ساعت ۹ شروع میشه، اما من میخوام یه کم زودتر برسم دانشگاه، چون گرسنه‌ام!

گاهی وقتا ممکنه **just in time** رو توی جملات ببینید.

اینجا کار **just** تأکیده بیشتره، یعنی دقیقاً!!!!!! قبل از موعد مقرر.

➔ I got stuck in traffic, but arrived at the airport for my flight **just in time**.

توی ترافیک گیر کردم، اما دقیقاً!!!!!! قبل از موعد مقرر برای پروازم به فرودگاه رسیدم.

وقتی شما با کسی قرار داری، باید **on time** باشی، به موقع برسی و دیگران رو منتظر نذاری.

ولی وقتی به موقعیت خطرناک پیش میاد، مثلاً جایی آتش میگیره، باید از خدا بخوایم که ماشین آشنشانی **in time** برسه تا از وقوع یه اتفاق خیلییییییی بد جلوگیری کنه.

نکته ۱۸۰

چند نکته در مورد **almost**

ایشون یعنی تقریباً.

یک: ایشون معمولاً قبل از فعل اصلی میاد.

➡ I **almost** cried.

دو: ایشون معمولاً بعد از فعل to be میاد، البته زمانی که فعل to be فعل اصلی جمله باشه.

➡ I am **almost** ready.

سه: ایشون بعد از اولین فعل کمکی میاد.

➡ She has **almost** decided.

➡ It could **almost** be described as luminous.

نکته ۱۸۱

کاربرد **just the same**

معنیش میشه با این حال، با این وجود، با همه اینا.

دقت کن **all the same** هم میگن. یه وقت هست یه اتفاقی میوفته یا یه کسی یه چیز میگه ولی با این وجود روی نظر شما تأثیری نداره و عقیده‌ی شما تغییر نمیکنه، اینجاست که میتونین از اینا استفاده کنین.

➡ Matt is weak and dependent, but you love him **all the same**.

مت ضعیف و وابسته س، اما با این حال تو عاشقش هستی.

➡ He was unable to pay attention to the papers. **Just the same**, he started to examine them.

قادر نبود به برگه‌ها توجه کنه. با این حال، شروع به بررسی اونا کرد.

➡ He's not very reliable, but I like him **just the same**.

زیاد قابل اعتماد نیست، اما با این وجود دوستش دارم.

➡ It rained every day of our holiday - but we had a good time **all the same**.

هر روز تعطیلات ما بارون اومد، اما با این وجود خوش گذشت.

نکته ۱۸۲

یکی از کاربردهای get

ایشون ماشالا خیلی کاربرد داره، تا دلت بخواد. یه کاربرد رایجش، به معنی خریدنه.

توی همین کاربرد ساختارهای اینجوریه:

خودش به تنهایی بیاد:

Where did you **get** that jacket?

شما میتونین برای کسی چیزی بخرید که دوتا ساختار داره:

➡ **get something for somebody**

Joe's going to **get** tickets for all of us.

➡ **get somebody something**

While you're out, could you **get** me some batteries?

شما میتونی برای خودت یه چیزی بخری:

➡ **get yourself something**

He's just **got** himself a new van.

شما میتونی از یه جایی یه چیزی بخری:

➡ **get something from somewhere**

I usually **get** vegetables from the supermarket.

شما میتونی به یه قیمتی یه چیزی بخری:

➡ **get something for \$20/£100/50p etc**

You can **get** a decent PC for about £500 now.

نکته ۱۸۳

سه نکته در مورد **only**

یک: این بزرگوار معمولاً بین فاعل و فعل اصلی میاد.

➡ I **only** saw two people.

من فقط دو نفر دیدم.

دو: اگه فعل کمکی و فعل اصلی توی جمله باشه، معمولاً بین فعل کمکی و فعل اصلی میاد.

➡ I can **only** see two people.

من فقط میتونم دو نفر ببینم.

سه: وقتی میخوایم روی چیزی که میگی تأکید کنیم، میتونیم only رو بیاریم اول جمله و فعل کمکی رو هم بیاریم قبل از فاعل جمله. به این ساختارها میگن inversion. ساختارهای خوشگل و پیشرفته‌ای هم هست.

➡ **Only** by working hard can you be successful.

فقط با سخت کار کردنه که میتونی موفق بشی.

برای تأکید، **only** اومده اول جمله و **can** هم قبل از **you** استفاده شده.

پس حواست باشه اشتباه نکنی.

➔ **Only** by working hard ~~you can~~ be successful.

جمله‌ی بالا، یه الگوی خوشگله:

➔ **Only** by doing something **can you** do something.

مثلاً:

➔ **Only** by saving money **can you** buy a new car.

فقط با پول جمع کردن میتونی یه ماشین جدید بخری. (ساختار معکوسه، برای تأکید بیشتر)

نکته ۱۸۴

چند نکته در مورد **still**

یک: ایشون قبل از فعل اصلی میاد.

➔ I **still** love you.

من هنوز دوست دارم.

دو: ایشون بعد از فعل **to be** میاد.

➔ I'm **still** angry.

من هنوز عصبی ام.

سه: توی ساختارهای منفی مثل **isn't** و **wasn't** میتونه قبل از فعل **to be** بیاد.

➔ She **still** isn't ready.

اون هنوز آماده نیست.

چهار: اگه جمله مثبت باشه، بعد از اولین فعل کمکی میاد.

➔ I can **still** remember them.

من هنوز میتونم اونارو به یاد بیارم.

پنج: اگه جمله منفی باشه، قبل از اولین فعل کمکی میاد.

➡ I **still can't** remember his name.

من هنوز نمیتونم اسمشو بیاد بیارم.

نکته ۱۸۵

can't say کاربردهای

ایشون سه تا کاربرد داره که براتون میگم.

یک: یه راه مؤدبانه برای گفتن "نمیدونم" هست.

یعنی وقتی یه چیزی رو نمیدونین و بخواین به صورت مؤدبانه اینو بگید،

میتونین از **can't say** استفاده کنین.

➡ We **can't say** when the train will arrive.

نمیدونیم کی قطار میرسه.

دو: یه راه مؤدبانه برای گفتن اینکه شما نمیخواین اطلاعاتی رو در اختیار

کسی قرار بدید.

➡ We **can't say** what's in the report – it's highly confidential.

نمیتونیم بگیم چی توی گزارش هست، کاملاً محرمانه س.

سه: یه کاربرد دیگه‌ش زمانی هست که شما نظر خاصی در مورد موضوعی

نداری و میتونی از ایشون استفاده کنی.

➡ I **can't say** I envy her being married to him.

نمیتونم بگم حسادت میکنم که با اون ازدواج کرد.

نکته ۱۸۶

تفاوت **think of** و **think about**

دو حروف اضافه‌ی رایج بعد از **think**، **of** و **about** هستند.

اینا خیلی به هم شبیه هستن ولی یه تفاوت کوچولو بینشون وجود داره. معمولاً وقتی شما **think of something** میکنین، توی یه لحظه کوتاه اتفاق میوفته، مثلاً چند ثانیه. البته برای نظر و ایده هم از **think of** استفاده میشه.

وقتی شما **think about something** میکنین، در حقیقت اون چیز رو برای مدت زمان طولانی در نظر میگیرید یا بهش فکر میکنین، مثلاً چند دقیقه و یا بیشتر.

مثال‌هارو ببین:

➡ Every time I hear this song, I **think of** my mother.

اینجا فکر کردن توی چند ثانیه س. طرف هر وقت این آهنگ رو گوش میده، توی اون لحظه به مامانش فکر میکنه.

➡ What do you **think of** my new haircut?

اینجا داریم نظر میپرسیم، نظرت در مورد مدل موی جدید من چیه؟!

➡ I'm **thinking about** moving to a different city.

اینجا صحبت از در نظر گرفتن یه موضوع برای مدت زمان طولانیه.

➡ I still get angry when I **think about** all the rude things my sister said to me.

اینجا صحبت از فکر کردن در مورد یه مسئله‌س، برای مدت طولانی، نه کوتاه، نه لحظه‌ای.

طرف می‌گه من هنوز وقتی به تمام حرف‌های بدی که خواهرم به من زد فکر میکنم، عصبی میشم.

نکته ۱۸۷

کاربرد I can't stand

ایشون توی محاوره شدت کاربرد داره.

وقتی میخواین بگین یه چیزی یا یه کسی رو اصلاً دوست ندارید و فکر میکنین که واقعاً ناخوشاینده و حالتونو بد میکنه، میتونین ازش استفاده کنین. توی فارسی میگی نمیتونم فلانی رو یا فلان چیز رو تحمل کنم.

➡ I can't stand bad manners.

من رفتارهای بد رو نمیتونم تحمل کنم.

یه الگوی خوشگل هم داره:

➡ can't stand (somebody/something) doing something

مثلاً:

➡ Lily can't stand working in an office.

لیلی کار کردن توی دفتر رو نمیتونه تحمل کنه.

➡ I can't stand people smoking around me when I'm eating.

وقتی غذا میخورم نمیتونم سیگار کشیدن بقیه رو اطراف خودم تحمل کنم.

نکته ۱۸۸

یه نکته در مورد whose

میدونین که از این بزرگوار میتونیم برای پرسیدن مالکیت استفاده کنیم. این که بخوایم پرسیم که یه چیزی مال کیه. حتماً هم بعدش اسم میاریم، در حقیقت اون چیزیه که میخوایم مالکیت اونو برسیم.

➡ **Whose pen** is this? - It's mine.

➡ **Whose car** did you borrow? - Kevin's.

نکته چیه؟!

از ایشون میتونیم به عنوان ضمیر هم استفاده کنیم، یعنی به عنوان relative pronoun.

توی این حالت میایم قبل از اسم، به جای این که از صفات ملکی استفاده کنیم، از **whose** استفاده میکنیم.

➡ He's marrying a girl **whose family** doesn't seem to like him.

بنظر میرسه خانواده‌ی دختری که اون داره باهاش ازدواج میکنه دوستش ندارن.

➡ There was me and there was Kate, **whose party** it was, and then there were two other people.

اینجا **whose party it was** یعنی اون مهمونی Kate بود.

➡ Our friend, **whose father** was a dentist, has a nice smile.
اون دوستمون که باباش دندان پزشک بود، لبخند قشنگی داره.

نکته ۱۸۹

یه نکته در مورد **lately** بگم حال کنین!

ایشون قیده، به معنی اخیراً.

➡ What have you been doing **lately**?

اخیراً چیکارا میکردی؟

➡ **Lately**, I've had trouble sleeping.

اخیراً، توی خوابیدن مشکل داشتم.

حالا کجا میاد؟! میخوام همینو بگم.

معمولاً با حال کامل یا حال کامل استمراری استفاده میشه نه با گذشته ساده.
مثلاً میگی:

➡ I've been very busy **lately**.

بیا اشتباه نکنی.

I was very busy lately.

مثال:

- I've been really tired **lately**.
- I don't know what's come over Angela **lately**, she's so moody.
- I've been really busy **lately**, so I haven't been out much.
- The company went through a bad time last year, but **lately** things have been improving.

نکته ۱۹۰

یه الگوی کاربردی با **How long**

وقتی بخوایم مدت زمان طول کشیدن یه کاری رو بپرسیم ازش استفاده میکنیم.

راحت هم میتونیم بپریمش توی زمان‌های مختلف.
زمان حال ساده:

How long does it take to get there?

رسیدن به اونجا چقدر طول میکشه؟
زمان گذشته ساده:

How long did it take to get there?

رسیدن به اونجا چقدر طول کشید؟
زمان آینده ساده:

How long will it take to get there?

رسیدن به اونجا چقدر طول خواهد کشید؟
حالا اگه بخوایم بگیم برای تو چقدر طول میکشه؟ یا برای رفیقت چقدر طول میکشه و ... کافیه از اسم یا ضمیر مفعولی بعد از **take** استفاده کنیم.

How long does it take you to get there?

How long does it take your friend to make it?

How long did it take her to bake cake?

پس الگوی کلی میشه:

How long + does/ did/ will + it take + someone + to do something?

نکته ۱۹۱

تفاوت **pretty** و **very** چیه؟!

اینجا دقیقاً! قبل از صفت یا قید میان و بهشون شدت میدن، بهشون قدرت میدن.

به همین دلیل بهشون میگن intensifier یا تشدیدکننده.

تفاوتشون اینه که زور **pretty** از **very** خیلی کمتره.

مثلاً اگه به وسیله‌ای **very heavy** باشه، بلند کردنش خیلیییی سخته و شاید اصلاً ممکن نباشه.

اما وقتی به وسیله **pretty heavy** باشه، میشه بلندش کرد.

یا مثلاً اگه شما یه امتحان داده باشی و ۸۰ درصد نمره رو گرفته باشی، عملکرد شما **pretty good** بوده.

ولی اگه توی امتحانت ۱۰۰ درصد نمره رو گرفته باشی عملکردت میشه **very good**.

راستی **pretty** نسبت به **very** محاوره‌ای‌تره.

➡ She did **very** well on the test.

یعنی اون کار راحتی نکرده‌ها، امتحانو ترکونده.

➡ The movie was **pretty** good but not great.

این یعنی فیلمه خوب نبود، اما بدم نبود، اوکی بود.

➡ I have to leave **pretty** soon.

یعنی مجبور نیستم دقیقاً همین الان برم، اما نمیتونم برای مدت طولانی هم بمونم.

➡ It's **pretty** good chocolate, but I've tasted better.

یعنی این شکلاته نه خیلی خوبه، نه بده، معمولیه، من بهترشو خوردم. بذار اینجوری بگم، اگه بخوایم ۱۰۰ درصد قدرت و شدت رو بین اینا تقسیم کنیم، very میشه ۵۰ درصد، pretty میشه ۲۰ درصد و really میشه ۳۰ درصد. ریز نکته:

توی رایتینگ معمولاً از pretty استفاده نمیکنن و به جاش از fairly استفاده میکنن. تو هم مراقب باش!

نکته ۱۹۲

یه نکته در مورد **more and more**

از ایشون برای تأکید روی افزایش یه چیزی استفاده میشه.

یعنی زمانی که نیت تأکید کردن داشتیم از ایشون استفاده میکنیم. میتونه بعدش اسم بیاد. مثلاً:

➡ **More and more people** are using the Internet every day.

مردم زیادی هر روز دارن از اینترنت استفاده میکنن.

روز به روز داره به این تعداد اضافه میشه. تعدادشون در حال افزایشه.

اینجا هدف تأکید روی افزایش تعداد آدمهایی هست که دارن از اینترنت استفاده میکنن.

More and more people are choosing to spend their holidays abroad.

مردم زیادی دارن انتخاب میکنن که تعطیلات خودشونو خارج از کشور بگذرونن.

More and more women are wearing men's fragrances.

خانوم‌های زیادی دارن عطرهای مردونه میزنن.

میتونه بعدش صفت بیاد. مثلاً:

➡ He became **more and more** depressed.

اون بیشتر و بیشتر افسرده شد.

Bob became **more and more** furios.

باب بیشتر و بیشتر عصبانی (خشمگین) شد.

مثال:

- **More and more** people entered and the train was crowded.
- **More and more** young men are widowed by cancer.
- **More and more** restaurants are providing non-smoking areas.
- It is getting **more and more** difficult to find a job.
- Petrol is becoming **more and more** expensive.

نکته ۱۹۳

یه نکته در مورد **a while** و **awhile**

جفتشون اصطلاح زمانی هستن.

نکته اینجاست که **a while** یه عبارت اسمیه که شامل حرف **a** و **while** به

عنوان اسم میشه. یعنی یه بازه‌ی زمانی.

while یعنی **time**.

درباره‌ی مدت زمان صحبت میکنه.

➡ I slept for **a while**.

برای مدتی خوابیدم.

اینکه دقیقاً چه مدت خواب بودم مشخص نیست، یه ساعت، یه ساعت و نیم یا ...

اما میتونم بگم:

I slept for 3 hours.

برای سه ساعت خوابیدم.

➡ This will take **a while**.

برای یه مدتی طول میکشه.

This will take an hour.

برای یه ساعت طول میکشه.

ولی **awhile** یه قیده. به معنی برای مدت کوتاهی. برای بازه‌ی زمانی کوتاه. با اینکه معنیشون تقریباً یکسانه و میتونن گاهی جای هم استفاده بشن، اما یه نکته رو در موردشون یادتون باشه.

دقت کن، عبارت اسمی **a while** معمولاً با حرف اضافه میاد. مثلاً می‌گیم **for a while** یا **in a while**.

➡ He said he would be home **in a while**.

اما قید **awhile** نمیتونه با حرف اضافه بیاد.

میدونی چیکار کن؟ تعریف awhile میشه چی؟!

awhile = for a short time or period.

حالا همینو توی یه جمله، بذار جای awhile.

He said he would be home in *for a short time or period*.

ببین چقدر بد شد! اصلاً معنی نمیده!

حالا حرف اضافه رو برداریم و بگیم:

He said he would be home **awhile**.

اون گفت برای مدت کوتاهی خونه س.

Stay here **awhile**.

یه کم اینجا بمون.

My mother is staying **awhile**.

مادرم یه کمی اینجا می‌مونه. (برای مدتی اینجا می‌مونه).

اینجا awhile قیده و برمیگرده به فعل جمله، یعنی stay.

دقت کن

awhile = for a while

مهم کاربرد اونا توی جمله س. پس یکی اسم به همراه یه حرف اضافه و یکی قیده.

به لحاظ معنایی خیلی به هم شبیه هستن.

نکته ۱۹۴

Why و How come تفاوت

تفاوت معنایی زیادی بین این دو عزیز وجود نداره.

ترجمه‌ی خودمونی **how come** میشه چطور؟ چطور ممکنه؟ و ترجمه‌ی **why** میشه چرا؟

اما حواستون باشه که **how come** حالت غیررسمی داره.

یه جورایی میشه گفت **how come** ترکیبی از **how** و **why** هست.

یعنی هردو رو شامل میشه. شما به جای این که یه بار با **how** سؤال بپرسی یه بار با **why**، خودتو راحت کن، با **How come** سؤالو بپرس.

So how come you missed the class?

پس چطور کلاس رو از دست دادی؟

هم داره چرا رو میپرسه و هم چگونگی رو، ولی به جای این که یه بار از **why** استفاده کنه یه بار از **how come**، اومده از **how come** استفاده کرده.

So how come you got an invitation and not me?

پس چطور تو دعوت شدی ولی من نشدم؟

ریزنکته:

حواست باشه بعد از ایشون از فعل کمکی مثل **do** و **does** و ... استفاده نکنیا!

➔ **How come you behaved so badly?**

چطور اینقدر بد رفتار کردی؟

دقت کن، از هیچ فعل کمکی استفاده نکرده.
یعنی اشتباهه که بگیم:

How come did you behave so badly?

چون **How come** غیررسمیه، حالت استاندارد جمله‌ی سؤال‌ی رو نداره. یعنی جای فعل رو با فاعل عوض نمیکنیم. اما در مورد **why**، مثل بقیه‌ی کلمات پرسشی، باید اصول گرامری رو حتماً رعایت کنیم.

نکته ۱۹۵

یه نکته در مورد **make**
به این الگو دقت کن:

➡ **make somebody something**

برای کسی چیزی درست کردن.
حواست باشه اشتباه نکنی.
فارسی رو به انگلیسی برنگردون، یعنی بپا نگی:

Make for somebody something

➡ **He made her a pizza.**

اون براش یه پیتزا درست کرد.
اشتباهه که بگی:

He made for her a pizza.

نکته ۱۹۶

وقتی می‌گیم **You need to do something** یعنی لازمه فلان کارو انجام بدی.

معمولاً برای صحبت در مورد چیزی هست که برای ما مهمه. بخصوص برای یه زمان یا بازه‌ی زمانی خاص یا کلاً یک دفعه، و زیاد به مسئولیت یا وظیفه اشاره نمی‌کنه. مثلاً:

➡ **She needs to go to Seattle next week.**

اون لازمه هفته‌ی آینده بره سیاتل.
دقت کن یه دفعه س. به یه زمان خاص اشاره داره. وظیفه‌ی طرف نیست.
هفته‌ی آینده میره و برمیگرده.

➡ **Do you need to get up early tomorrow?**

لازمه فردا زود بیدار بشی؟
دقت کن یه دفعه س. به یه زمان خاص اشاره داره. وظیفه‌ی طرف نیست.
حالا در مورد **you don't need to do something** هم بگم.
از ایشون برای صحبت در مورد چیزی استفاده می‌کنیم که لازم نیست انجام بشه، ولی امکان انجامش هست.
راستی، گاهی وقتا انگلیسی زبان‌ها از این ساختار برای این‌که بگن انتظار ندارن یه کسی فلان کارو انجام بده هم استفاده می‌کنن.

➡ **You don't need to come to the meeting next week.**

لازم نیست هفته‌ی آینده بیای جلسه.
ببین! لازم نیست انجام بشه ولی ممکنه طرف بیاد، احتمالش هست.
➡ **She doesn't need to worry about her grades. She's a great student.**

لازم نیست نگران نمره‌هاش باشه. اون دانش‌آموز فوق‌العاده‌یه.
ببین، لازم نیست نگران باشه ولی طرف نگرانیه و ممکنه نگرانی‌ش ادامه داشته باشه.

با چند مثال دیگر، هم تمرین کنیم و هم کلی جمله‌ی خوشگل یاد بگیریم.

- **You need to** change your eating habits.
- **You need to** put some air in the tires.
- **You need to** get your priorities straight.
- **You need to** prioritize your tasks.
- **You need to** practice every day.
- **You need to** be more decisive.
- **You need to** barber that beard of yours.
- **You need to** take a break.

نکته ۱۹۷

یه نکته‌ی مهم در مورد **home**

حواست باشه وقتی **home** نقش قید مکان داره، به همراه افعال زیر زیاد استفاده میشه:

get, go, come, arrive, travel, drive, be

نکته اینجاست، در این حالت قبل از **home** از حرف اضافه **to** استفاده نکن!

➡ **I'm going home** now. I'm really tired.

بپا اشتباه نکنی:

I'm going ~~to~~ **home** now.

➡ Would you like me to drive you **home**?

بپا اشتباه نکنی:

Would you like me to drive you ~~to~~ **home**?

نکته ۱۹۸

یه نکته در مورد افعال **like** و **love** و **hate** وقتی صحبت در مورد فعالیت‌هایی باشه که مرتب در حال تکرار شدن هستن، بعد از این افعال میتونیم هم از فعل **ing** دار استفاده کنیم و هم از مصدر.

مثلاً میتونی بگی:

➡ Do you **like** getting up early? / Do you **like** to get up early?

➡ She **hates** flying. / She **hates** to fly.

➡ I **love** meeting people. / I **love** to meet people.

توی این سه مثال صحبت از فعالیتی هست که مدام در حال تکرار شده، یا همیشگیه!

دیگه منفی کردن این جملات رو هم بلدید!

اما وقتی صحبت در مورد یه موقعیتی باشه که از قبل وجود داشته، از فعل ing دار استفاده میکنیم.

➡ He lives in Berlin now. He **likes** living there.

یعنی اون اونجا زندگی میکنه و زندگی کردن در اونجا رو هم دوست داره. این حالت، یعنی زندگی کردن این شخص در برلین از قبل وجود داشته.
مثلاً:

➡ Do you **like** being a student?

طرف الان دانشجو هست، از دو سه سال پیش هم دانشجو بوده.
پس حواست به این حالت مهم باشه.

نکته ۱۹۹

گاهی وقتا به تفاوت کوچولو بین **I like to do** و **I like doing** هست!
وقتی میگی **I like doing something** یعنی من فلان کارو انجام میدم
و ازش لذت میبرم.

➡ **I like cleaning the kitchen.**

من تمیز کردن آشپزخونه رو دوست دارم. (ازش لذت هم میبرم).
ولی وقتی میگی **I like to do something** یعنی من فکر میکنم انجام
اینکار چیز خوبیه، اما آنچنان لذت نمیبرم.

➡ **It's not my favorite job, but I like to clean the kitchen
as often as possible.**

نکته ۲۰۰

یه ساختار کاربردی با **will**

➡ **I'll let you know ...**

یعنی خبرت میکنم، بهت اطلاع میدم.
میتونه تک و تنها بیاد، میتونه بعدش یه جمله بیاد و دقت کن که بعدش از
if یا when زیاد استفاده میشه.
کاربرد ایشونو با مثال یاد بگیریم:

- **I'll let you know** all about it later on.
- Well **I'll let you know** how good it is.
- Let me sleep on it, **I'll let you know** tomorrow.
- In any event, **I'll let you know** before I make a decision.
- I don't know if I can come, but **I'll let you know** tomorrow.
- **I'll let you know** if anything comes up.
- Your car should be ready by 12 o'clock, but if not **I'll let you know**.
- **I'll let you know** in a day or two.